





۸۸ درصد تامین مالی کشور توسط بانک‌ها انجام می‌شود

دکتر محمد رضا فرزین، رییس کل بانک مرکزی
علل ناترازی بانک‌ها را بررسی کرد



رسانه‌های غربی را در ترکیه یکی از عوامل کاهش ارزش لیره‌هاستند

یعقوب اصلا، نماینده روزنامه آیدینلیک
ترکیه در تهران
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد

۱۳



۵ ساله می‌توان ریال را تقویت کرد

پروفسور «فیلیپ آگیون»، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور عالی بانک جهانی
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد

۱۰

دیپلماسی ارزی بانک مرکزی حذف رسمی دلار را کلید زد

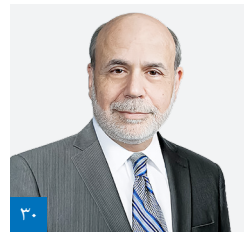
دکتر ایمان زنگنه، اقتصاد دان
در گفت و گو با تازه‌های اقتصاد از
شکست تابوی دلار زدایی می‌گوید



۵۲

بن شالوم برنکی ناخدای فدرال رزرو

روسای بانک‌های مرکزی
جهان در آئینه تاریخ (۳)



۳۰



نسل جدید بانکداری هوشمند در راه است

نشست علمی «ظرفیت‌ها و فرصت‌های بانکداری هوشمند در نظام بانکی ایران»

۱۷

۴۵

گام اول دلار زدایی محکم برداشته شد

۵۸

سیاست‌های بانک مرکزی بازار ارز را به آرامش رساند

۷۷

تاثیر حل ناترازی بانک‌ها بر کاهش تورم چه خواهد بود؟

• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• شورای سیاستگذاری:

اصغر بالاسینی، حسین لطفی
سید فرهاد موحدی و حسین میرزایی

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• همکاران این شماره:

محمدرضا مقامی فرد، پوریا صادقی، مژگان فرجی
امیرحسین موسوی، حمید کمار، مرتضی کریمی
سعید رشیدی نوبندگان، جواد حیران نیا
ستار سلیمیان، سید فواد حسینی و حسین جعفری

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• گرافیکست و طراح جلد:

میلاد بقایی

• صفحه آرایی

مهدی بخشی

• عکاس

مبین صدیقی

• نشانی

تهران، نرسیده به چهارراه استانبول
بانک مرکزی، ساختمان شماره یک

• تلفن

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۰

• نمابر

۰۲۱-۶۴۴۶۴۹۶۱

• لیتوگرافی و صحافی

نگار نقش

• چاپ و توزیع

احمد شیرازیان

سرمقاله

۴	دلارزدایی در میدان عمل
۵	۸۸ درصد تامین مالی کشور توسط بانک ها انجام می شود
۱۰	۵ ساله می توان ریال را تقویت کرد
۱۳	رسانه های غربگرد در ترکیه یکی از عوامل کاهش ارزش لیر هستند
۱۷	نسل جدید بانکداری هوشمند در راه است
۲۷	بازیگران ناترازی در نظام بانکی
۳۱	بن شالوم برننکی ناخدای فدرال رزرو
۴۳	چرخه خودکنترلی ترازنامه ای بانک ها شکل گرفت
۴۵	گام اول دلارزدایی محکم برداشته شد
۴۹	دلار با موفقیت از چرخه ارز اربعین حذف شد
۵۲	دیپلماسی ارزی بانک مرکزی حذف رسمی دلار را کلید زد
۵۷	اولین اقدام رسمی بانک مرکزی در دلارزدایی به نتیجه رسید
۵۸	سیاست های بانک مرکزی بازار ارز را به آرامش رساند
۵۹	ابزارهای مالی جدید بریکس در خدمت اقتصاد ایران
۶۶	چرخه تامین مالی تورمی متوقف شد
۷۱	چتر عدالت تسهیلاتی گسترده تر شد
۷۷	تاثیر حل ناترازی بانک ها بر کاهش تورم چه خواهد بود؟
۷۹	نیازمند بازنگری در ساختار نظام بانکی هستیم

دلارزدایی در میدان عمل

می‌کند، این است که امسال برای اولین بار به‌صورت عملی در جهت دلار زدایی واقعی گام برداشته شده است. برخلاف گذشته، نظام بانکی در سال جاری ارز زائران اربعین را با دینار عراق پرداخت کرده و از تخصیص ارزهای واسط مانند دلار و یورو خودداری کرد. این اقدام مثبت، نه تنها یک نمود عملی از کمرنگ کردن نقش ارز آمریکایی بود، بلکه از رونق بازار غیررسمی دلار در ایران و عراق نیز جلوگیری کرد. این رویکرد عمل‌گرایانه و منطقی بانک مرکزی، در حالی انجام شده است که کشور ما با شرایط سخت تحریم‌های ظالمانه آمریکا روبه‌رو است. تحریم‌هایی که با هدف تضعیف اقتصاد و پول ملی ایران اعمال شده و دسترسی به ارز و تسهیلات بین‌المللی را برای کشور محدود کرده است. در چنین شرایطی، بانک مرکزی با استفاده از منابع داخلی و اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه، توانسته است به نحو قابل قبولی بازار ارز را مدیریت کرده و ارزش پول ملی را حفظ کند. از این‌رو، حذف ارزهای واسط از مبادلات فرهنگی و تجاری ایران با سایر کشورها به‌خصوص کشورهای همسایه، در حفظ ارزش پول ملی کشور و رواج مبادلات براساس ارزهای ملی نقش بسیار مؤثری خواهد داشت. اکنون اگر این رویه ادامه پیدا کرده و حذف ارزهای واسط به‌صورت گسترده در تمام تعاملات تجاری، فرهنگی، مذهبی و سیاسی ایران با کشورهای منطقه پیاده‌سازی شود، می‌تواند بستر بسیار مناسبی را برای کاهش هزینه‌ها، توسعه تجارت و پایان دادن به آقایی دلار در منطقه فراهم کند.

مراسم راهپیمایی اربعین حسینی، یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای مذهبی و فرهنگی در جهان است که هر ساله میلیون‌ها زائر از کشورهای مختلف به‌منظور شرکت در این مراسم باشکوه به عراق سفر می‌کنند. این رویداد عظیم، علاوه بر ابعاد معنوی و اخلاقی، نیازمند توجه و مدیریت اقتصادی نیز خواهد بود. یکی از مسائل مهم در این زمینه، تخصیص و پرداخت ارز مسافرتی به زائران است که در سال‌های گذشته با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است. بحث تخصیص ارز مسافرتی به زائران اربعین، موضوع پرچالش و حساسی است که در سال‌های گذشته با سوءمدیریت و سیاست‌گذاری نادرست منجر به آشفته‌گی در بازار شده بود. روند نامطلوبی که در سال ۱۳۹۷ به اوج خود رسید و زائران با چالش‌های فراوانی در تأمین ارز روبه‌رو شدند. در آن سال، زائران به‌منظور اخذ ارز اربعین می‌بایست در صف‌های طولانی حاضر می‌شدند و از میان سوراخ دیوارها ارز موردنیاز خود را مطالبه می‌کردند.

اما بانک مرکزی در دوره جدید مدیریت خود با رویکردی عمل‌گرایانه و منطقی، تلاش کرد تا نظام بانکی کشور را بازسازی کرده و مشکلات و ناهنجاری‌های آن را رفع کند. اکنون بازتاب این نظم و ساختارمندی به‌وضوح در فرآیند تخصیص ارز به زائران اربعین امسال نمود پیدا کرده است. در سال جاری، نظام بانکی با برنامه‌ریزی صحیح و مناسب، روند تخصیص این ارز را به حداقل زمان ممکن رسانده و دیگر شاهد صف‌های طولانی، بی‌نظمی و انتظارات منفی در بازار نبودیم. اما آنچه ارزش این تلاش‌ها را دوچندان



دکتر محمد رضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی علل ناترازی بانک‌ها را بررسی کرد

۸۸ درصد تامین مالی کشور توسط بانک‌ها انجام می‌شود

- تخصیصی کردن بانک‌ها در دستور کار قرار دارد و در آینده دیگر در تمام بانک‌ها یک اساسنامه نخواهیم داشت
- اگر اجازه بدهیم همچنان خلق پول صورت بگیرد و نرخ رشد پول را داشته باشیم، قطعاً در بلندمدت نمی‌توانیم تورم را کنترل کنیم
- در حال حاضر، ۸۸ درصد کل تامین مالی در کشور از طریق نظام بانکی انجام می‌شود
- مجموع سهم سرمایه‌گذاری خارجی و بورس در تامین مالی کشور، تنها ۱۲ درصد است

منابع
قرض الحسنه
امروز به صورت
تسهيلات
تکلیفی به
بانک‌ها تکلیف
می‌شود و بانک
نمی‌تواند منابع
را به مصارف
دیگر اختصاص
دهد

بانکداری اسلامی در چند دهه اخیر، رشد و توسعه بسیار خیره‌کننده‌ای داشته است. در حوزه مالی اسلامی امروزه نه تنها کشورهای اسلامی، بلکه کشورهای غیراسلامی از ابزارهای بانکداری اسلامی در حوزه‌های تجاری و عملیاتی استفاده می‌کنند و با تحولات بسیار خوبی در بانکداری اسلامی روبرو بودیم به طوری که در بسیاری از کشورها توانسته سهمی از بازار بانکداری را به خود اختصاص دهد.

در حوزه بانکداری اسلامی چند مسئله و مشکل اساسی وجود دارد، البته اقدامات بسیار خوبی در تدوین قانون بانک مرکزی و قانون بانکداری در سال‌های اخیر صورت گرفته است. توافقات خوبی نیز انجام شده و قانونی که به عنوان قانون بانکداری در مجمع تشخیص است، در صورت تصویب کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

خارج از بحث قانون، ما چند مشکل در بانکداری اسلامی داریم که یکی موضوع نظارت است. وقتی براساس عقدی، تسهیلات اعطای کنیم، نظارت بعد از عقد بسیار اهمیت دارد. در بانک‌های خارجی نیز این نظارت بسیار جدی گرفته می‌شود، وقتی در روسیه یک بانک تسهیلات می‌دهد، تا چند تراکنش بعدی را نیز رصد می‌کند و اینگونه نیست که بعد از تسهیلات نظارت نشود و باید حتماً منابع در محل خود اختصاص یابد. یکی از مشکلات ما در این زمینه مسئله نظارت بر مصرف است. ما از عقود اسلامی استفاده می‌کنیم و پرداخت تسهیلات شرعی می‌شود، ولی چون نظارت لازم را انجام نمی‌دهیم، موضوعی می‌شود. اینجا یکی از دغدغه‌های اساسی به وجود می‌آید و ما باید بتوانیم نظارت لازم را تا چند مرحله انجام دهیم که حتماً تسهیلات در جای خود بنشینند. در بانک مرکزی نیز این مشکل را داریم و با ضعف نظارت بر بانک‌ها روبرو هستیم. در همین راستا، در قانون مواردی دیده شده، ولی ما در بانک مرکزی برنامه‌های مشخصی را برای تقویت نظارت بر بانک‌ها داریم. یک مسئله دیگر در نظام بانکداری که باعث می‌شود نتوانیم بانکداری اسلامی را به معنای واقعی خود پیاده‌سازی کنیم، این است که بانک‌ها تخصص‌محور نیستند. ما به همه بانک‌ها یک اساسنامه داده‌ایم و همه آنها با یک اساسنامه کار می‌کنند. قواعد ما در نظارت بانک‌ها تخصصی نیست و در مورد بانک‌های توسعه‌ای و تجاری و سایر بانک‌ها به یک شکل برخورد می‌کنیم، در حالیکه باید به بانک‌های توسعه‌ای اجازه دهیم تا

از عقود مشخصی استفاده کنند و دانش و آموزش مشخص را هم داشته باشند. همچنین باید به بانک تجاری اجازه دهیم تا از عقود مبادله‌ای استفاده کند و نیروی لازم را نیز برای این کار در اختیار داشته باشد. ما بانک‌ها را دسته‌بندی تخصصی نکردیم و دچار مشکل هستیم و می‌خواهیم همه بانک‌ها در همه عقود کار کنند که امکان‌پذیر نیست و امکان نظارت وجود ندارد. اگر ما بتوانیم بانک‌ها را تخصصی کنیم و براساس حوزه مشخص کار کنند، نظارت بر مصرف نیز به وجود خواهد آمد.

یکی از مواردی که در دستور کار ما قرار دارد، موضوع تخصصی کردن بانک‌هاست و در آینده دیگر در تمام بانک‌ها یک اساسنامه نخواهیم داشت و اینگونه نخواهد شد که تمام بانک‌ها بتوانند در تمامی بخش‌ها با استفاده از همه عقود، تجهیز مالی کنند. بانک‌ها باید به صورت تخصصی اداره شده و از عقود مشخص هم استفاده کنند.

مسئله دیگر در بانکداری اسلامی، بحث اعتبارسنجی است. قاعده بانکداری اسلامی می‌گوید اگر عدم بازپرداخت تسهیلات ناشی از نوسانات اقتصادی است، می‌توانید مهلت بدهید، اما اگر ناشی از تخلف است باید جریمه نیز بشود. ما در این زمینه نیازمند نظام اعتبارسنجی هستیم، چرا که در نظام اعتبارسنجی فعلی نمی‌توانیم تشخیص دهیم و مقررات نظارتی ما براین اساس تعریف نشده و به مدیر بانک اجازه نمی‌دهد که وقتی تشخیص داد تسهیلات گیرنده به دلیل ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات، تأخیر کرده به وی تخفیف بدهد و یا اینکه بتواند مبتنی بر قانون اقدامی را انجام دهد. نهادهای نظارتی ما چنین اجازه‌ای را نمی‌دهند و امکان‌پذیر نیست و در این شرایط نهادهای نظارتی ورود می‌کنند. فعالیت بانک‌ها و عقود گسترده هستند و هیات مدیره‌ها نمی‌توانند به تنهایی ورود کنند و در این زمینه نیازمند طراحی یک سیستم هستیم.

از مسائل دیگر در حوزه بانکداری اسلامی، مسئله نهادی و ساختاری است و در این بخش نیز ساختارها بر اساس بانکداری اسلامی شکل نگرفته است. همین موضوع قرض الحسنه که مسائل و مشکلات مردم را در بخش خرد حل می‌کند، باید متناسب با تأمین اعتبار انجام شود و منابع و مصارف هر دو قرض الحسنه باشد. نمی‌توان منابعی را با صوری‌سازی به نام قرض الحسنه بشناسیم و افراد باید با نیت واقعی قرض الحسنه در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند. امروز در نهادهای موازی با بانک‌ها در محلات

این کار انجام می‌شود و ما باید در سیستم بانکی فضایی را فراهم کنیم که اگر فردی بخواهد منابعی را برای قرض الحسنه اختصاص دهد، به بانک مراجعه کند. در این صورت منابع قرض الحسنه می‌تواند بیشتر از چیزی باشد که در حال حاضر در بانک‌ها اختصاص می‌یابد. البته در سال‌های اخیر سهم منابع قرض الحسنه در نظام بانکی افزایش پیدا کرده است، هرچند که به دلیل حجم مشکلات مردم، راضی‌کننده نیست. درباره تسهیلات تکلیفی که تمامی منابع قرض الحسنه در این بخش قرار می‌گیرد، این سوال مطرح می‌شود که آیا تسهیلات تکلیفی هدایت اعتبار است؟ منابع قرض الحسنه امروز به صورت تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها تکلیف می‌شود و بانک نمی‌تواند به مصارف دیگر اختصاص دهد. در هر صورت بانکداری اسلامی مبنای بانکداری در کشور است و باید تمام نهادسازی‌ها هم در این چارچوب قرار بگیرد. در این زمینه نهادسازی‌های خوبی در کشور انجام شده، ولی هنوز راضی‌کننده نیست و خود بانکداران هم راضی نیستند و جامعه مذهبی کشور نیز رضایت کامل ندارند و کار بسیار زیادی باقی مانده که باید انجام شود. باید بر اساس طبقه‌بندی تخصصی بتوانیم در چند سال آینده پیشرفت بسیار بیشتری در حوزه بانکداری اسلامی داشته باشیم. در زمینه ناترازی بانک‌ها، باید گفت که بالای ۸۸ درصد تامین مالی در کشور توسط بانک‌ها صورت می‌گیرد و سهم سرمایه‌گذاری خارجی، بورس و ... مجموعاً به ۱۲ درصد نمی‌رسد. تمام نظام تامین مالی کشور بر دوش نظام بانکی قرار گرفته و حتی بخش زیادی از تامین مالی دولت نیز از طریق بانک‌ها انجام می‌شود. بنابراین فشار بسیار زیادی بر نظام بانکی برای تامین مالی گذاشته می‌شود و این ناترازی‌ها را افزایش می‌دهد. با اینکه ناترازی بانک‌ها دلایل مختلفی دارد، ولی یک مورد ناترازی بودجه دولت است که به ناترازی بانک‌های دولتی و خصوصی تبدیل

می‌شود. در قانون برنامه هفتم توسعه، توسط وزارت اقتصاد و بانک مرکزی یک همفکری به وجود آمد که ناترازی سرایت نیابد و در قانون برنامه تلاش می‌کنیم که بخشی از مشکلات را نیز حل کنیم.

مسئله دیگر در ناترازی بانک‌ها، کفایت سرمایه است. کفایت سرمایه بانک‌ها در بخش دولتی و خصوصی مناسب نیست و به ناترازی در بانک‌ها تبدیل شده است. وقتی می‌گوییم ناترازی یعنی هم ناترازی ناشی از کمبود نقدینگی و هم ناترازی ناشی از کمبود سرمایه. کسی که بانک ایجاد می‌کند باید سرمایه مناسب را بیاورد، چرا که اگر افزایش سرمایه ندهند، ناترازی افزایش می‌یابد. یک مشکل ناترازی بانک‌ها این است که ما به بازل ۸ نرسیدیم و باید نظام بانکی به این سمت حرکت کند و سهامدار بخش خصوصی و دولتی باید سرمایه لازم را بیاورند.

نکته سوم در ناترازی بانک‌ها این است که در یک دوره‌ای مجلس تصمیم گرفت که تمام پول دولت به بانک مرکزی بیاورد و حدود ۴۰۰ همت پول دولت در بانک‌ها که می‌توانستند از آن استفاده کنند به بانک مرکزی آمده و این مسئله به ناترازی بانک‌ها دامن زده است. درست است که این تصمیم برای هدایت اعتبار و فراهم شدن امکان کنترل نقدینگی از طریق بانک مرکزی گرفته شد، ولی در یک دوره یک تا دو ساله باعث افزایش ناترازی بانک‌ها خواهد شد. در واقع این ناترازی هزینه اجرای یک سیاست‌گذاری پولی است. در دهه ۹۰ چندین بار تمام اضافه برداشت‌ها را به خط اعتباری تبدیل کردند، ولی در این دوره اضافه برداشت‌ها را به خط اعتباری تبدیل نکردیم و سخت‌گیری انجام دادیم که یک سیاست انقباضی را داشته باشیم که جلوی خلق پول را بگیریم و این باعث شد که رشد نقدینگی از ۴۰ به ۲۷ درصد کاهش یابد، پس توانستیم یک جایی را مدیریت کنیم که جلوی رشد پول گرفته شد. بانک مرکزی سمت چپ و راست ترازنامه بانک‌ها

در سال‌های
اخیر سهم منابع
قرض الحسنه در
نظام بانکی
افزایش پیدا
کرده است
هرچند که به
دلیل
حجم
مشکلات مردم
راضی‌کننده
نیست



کاهش ۱۳ واحد درصدی رشد نقدینگی با سیاست انقباضی

در دهه ۹۰ چندین بار تمام اضافه برداشت‌ها را به خط اعتباری تبدیل کردند، ولی در این دوره اضافه برداشت‌ها را به خط اعتباری تبدیل نکردیم و سخت‌گیری انجام دادیم که یک سیاست انقباضی را داشته باشیم که جلوی خلق پول را بگیریم و این باعث شد که رشد نقدینگی از ۴۰ به ۲۷ درصد کاهش یابد.



سیستم بانکی صورت می‌گیرد. اینها نمونه‌ای از سخت‌گیری‌هایی است که انجام دادیم، چرا که در یک دهه نرخ رشد مستمر پول داشتیم و تورم تقریباً ۲۰ درصد بالاتر از نرخ متوسط دهه ۷۰ و ۸۰ است که این میزان باید به نحوی مدیریت شود که البته هزینه دارد. اگر اجازه بدهیم همچنان خلق پول صورت بگیرد و نرخ رشد پول را داشته باشیم، قطعاً در بلندمدت خواهیم توانست تورم را کنترل کنیم. این هم یک مسئله است که وقتی به بحث ناترازی می‌پردازند به این موضوع اشاره نمی‌شود که بانک مرکزی توانسته است نرخ رشد نقدینگی را کنترل کند. این اضافه برداشت نیست که تورم ایجاد می‌کند، بلکه رشد نقدینگی است که منجر به تورم می‌شود. اضافه برداشت یک سیاست پولی بانک مرکزی

را کنترل کرد و به راحتی خط اعتباری ارائه نکردیم و بانک‌ها تحت فشار قرار گرفتند که ما بتوانیم سیاست پولی را اجرا کنیم، در صورتی که با دو اقدام می‌توانستیم همه اینها را به خط اعتباری تبدیل کنیم و دوباره خلق اعتبار صورت گیرد. سیاست‌گذار باید اجازه دهد که بانک مرکزی برنامه‌های خود را اجرا کند. اگرما اجازه نمی‌دهیم که اضافه برداشت بانک‌ها به خط اعتباری تبدیل شود، این ناشی از سیاست پولی ما است وگرنه این کار به راحتی می‌تواند انجام شود. از طرف دیگر تمام پول شرکت‌های دولتی را به بانک مرکزی آوردیم، ولی تامین مالی بسیاری از شرکت‌ها هنوز در سیستم بانکی انجام می‌شود، یعنی سپرده‌هایشان به بانک مرکزی آمده، ولی تامین اعتبارشان توسط

یکی از دلایل
ناترازی
بانک‌های
دولتی و
خصوصی
ناترازی بودجه
دولت است
در قانون برنامه
هفتم توسعه
توسط وزارت
اقتصاد و بانک
مرکزی یک
همفکری به
وجود آمد که
ناترازی دولت به
بانک‌ها سرایت
نکند

مسئله دیگر هدایت اعتبار است. هدایت اعتبار چیست؟ آیا چیزی که امروز به عنوان تسهیلات تکلیفی عنوان می‌شود، هدایت اعتبار است؟ خیر. اینکه بودجه را به مجلس می‌برند و هر جا که کسری بوده بگویند تسهیلات باید پرداخت شود، را نمی‌توانیم هدایت اعتبار بنامیم. پس هدایت اعتبار چیست؟ هدایت اعتبار اولاً در کشورهای صنعتی انجام می‌شود و تا برنامه توسعه صنعتی نباشد، نمی‌توان هدایت اعتباری انجام داد. اول نیاز به برنامه توسعه صنعتی داریم و این کار وزارت صمت است و یک برنامه صنعتی باید برای کشور نوشته شود که اولویت‌های صنعتی کشور تا پنج سال آینده را مشخص کند و برای تمامی بخش‌ها و شهرها، بدانیم کدام اولویت‌ها وجود دارد که منابع را هدایت کنیم. نه اینکه هر صنعتی و هر جایی بتواند بر اساس فشارها تسهیلات بگیرد، این هدایت اعتبار نیست و برای این کار نیازمند نقشه صنعتی هستیم. تامین مالی زنجیره‌ای یک اقدام بسیار خوب بوده که برای تقویت آن برنامه داریم. اوراق گام، برات الکترونیک و... اقدامات بسیار خوبی بوده که سال قبل حدود ۵۳ همت اوراق گام اختصاص یافت و برنامه امسال ۱۵۰ همت است. البته یک مشکلی در بورس داریم که وزیر اقتصاد قول داده در این زمینه کمک کند تا حل شود. تاکنون به دلیل محدودیت‌ها پیشرفت خوبی نداشتیم، ولی با حل مشکلات، تا ۱۵۰ همت می‌توانیم اوراق گام را استفاده کنیم. اوراق حوزه مسکن، اوراقی که بانک‌ها بتوانند برای پروژه‌های خود بفروشند و ... بخشی از هدایت اعتباری است. هدایت اعتباری باید از طریق بانک مرکزی با پاداش و تنبیه همراه باشد و کنترل هدفمند ترانزنامه و تنزیل مجدد ابزاری است که در هدایت اعتباری توسط بانک مرکزی می‌تواند استفاده شود. هدایت اعتباری در کشورهای دیگر با زیرساخت انجام شده و تا زمانی که ما زیرساخت‌ها را فراهم نکنیم، هدایت اعتباری موفق نخواهد شد. در اقتصاد مباحث نسبی است و نقاط ضعف و قوت را داریم. هنوز در کشور ما زیرساخت‌های هدایت اعتباری فراهم نیست، اگرچه اقدامات خوبی در زمینه انتشار اوراق گام و برات الکترونیک انجام شده که می‌تواند تقویت شود.

- این متن مربوط به سخنرانی دکتر محمد رضا فرزین، رییس کل بانک مرکزی در افتتاحیه سی و سومین همایش بانکداری اسلامی است که در روزهای هفتم و هشتم شهریورماه سال جاری برگزار شده است.

است که می‌تواند به خط اعتباری و ریپو تبدیل شود، در این زمینه می‌توان از ابزارهای مختلفی استفاده کرد، ولی مهم این است که ما توانستیم جلوی خلق نقدینگی را بگیریم. سخت است که در یک دوره‌ای بخواهیم نرخ رشد نقدینگی را کاهش بدهیم، اما حاکمیت کشور انتخاب کرده و مجموعه سیاست‌گذاران اقتصادی هزینه‌های آن را نیز می‌پردازند. بسیاری از مدیران بانک‌ها انتقاد می‌کنند که بانک آنها تحت فشار قرار گرفته است. اگر ما بخواهیم در بلندمدت نرخ تورم را کنترل کنیم باید نقدینگی را کنترل کنیم و اگر بخواهیم نقدینگی را کنترل کنیم نیز باید از ابزار سیاست‌گذاری پولی استفاده کنیم و اگر از ابزار سیاست پولی استفاده کنیم، در کوتاه مدت هزینه خواهد داشت.



پروفسور «فیلیپ آگیون»، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور عالی بانک جهانی
در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

۵ ساله می‌توان ریال را تقویت کرد

- ایجاد نهادها و سیاست‌های مناسب در عبور از اقتصاد نفتی، باید در اولویت باشد
- ارزش ریال ایران می‌تواند در یک دوره ۵ ساله به سطوح مناسب بازگردد
- ایران در کنار استفاده از نیروی کار ماهر، از منابع نفتی نیز می‌تواند برای تحقق رشد بلندمدت در سرمایه‌گذاری استفاده کند



پروفسور "فیلیپ آگیون"، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور عالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، معتقد است در کمتر از پنج یا ده سال در کشوری مانند ایران که از نیروی کار بسیار ماهر برخوردار است و دانشگاه‌های بسیار خوبی هم دارد، می‌توان شاهد تقویت ریال بود.

"فیلیپ آگیون" (Philippe Aghion)، استاد اقتصاد کالج فرانسه و مدرسه اقتصادی لندن است. وی همچنین استاد دانشگاه هاروارد بوده است. علاوه بر این، وی در دانشگاه‌های MIT، کالج لندن و آکسفورد تدریس کرده است. آگیون عضو انجمن اقتصادی آمریکا، انجمن هنر و علوم آمریکا و در سال ۲۰۱۶، توسط بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، به عنوان عضو گروه تخصصی که به کمیسیون عالی اشتغال و رشد اقتصادی مشاوره می‌دهد، منصوب شد که توسط "فرانسوا اولاند"، رئیس جمهور اسبق فرانسه و "ژاکوب زوما" از آفریقای جنوبی، ریاست مشترک داشتند. در سال ۲۰۲۱، او به عضویت گروه مشاوران عالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در زمینه بهبود و رشد پایدار و فراگیر، همچنین به ریاست مشترک ماری پانگستو، سیلا پازارباسی اوغلو و نیکلاس استرن منصوب شد.

آگیون در سال ۲۰۰۱ جایزه بهترین اقتصاددان زیر ۴۵ سال اروپا دریافت کرد. کتاب مشترک وی با عنوان "قدرت تخریب خلاق: تحول اقتصادی و ثروت ملل" که با همکاری "سلین آنتونین و سیمون بونل"، نوشته شده است به تحولات اقتصادی جهان پرداخته است و به سوالات زیادی مانند چرا انقلاب صنعتی در کشور کوچکی مانند انگلستان رخ داد، نه در چین که هم جمعیت زیادی داشت و هم اکتشافات بسیار؟ پاسخ می‌دهد.

"آگیون" همچنین در کتاب "نشریه رشد درون‌زا" و در حالی که آثار دیگر بر جنبه خاصی مانند تجارت یا همگرایی تأکید دارند، نظریه جامعی از بحث‌های نظری و تجربی مطرح شده در قالب نظریه رشد مدرن ارائه می‌دهد.

او در این کتاب می‌نویسد: "اقتصادهای پیشرفته از زمان انقلاب صنعتی، افزایش فوق‌العاده‌ای در رفاه مادی تجربه کرده‌اند. نوآوری‌های مدرن مانند

رایانه‌های شخصی، جراحی لیزری، هواپیماهای جت و ارتباطات ماهواره‌ای، ما را ثروتمند کرده و شیوه زندگی و کار ما را متحول کرده است. اما تغییرات تکنولوژیکی مشکلات اجتماعی مختلفی را نیز به همراه داشته است. در مقاطع مختلف علت افزایش نابرابری دستمزد و درآمد، بیکاری، فرسودگی سرمایه فیزیکی و انسانی، وخامت محیط زیست و رکودهای طولانی مدت بوده است.

برای درک تأثیرات متناقض تغییرات تکنولوژیکی بر اقتصاد، باید جزئیات ساختاری فرآیند نوآوری را بررسی کرد تا چگونگی تأثیر قوانین، نهادها، آداب و رسوم و مقررات بر انگیزه و توانایی مردم برای ایجاد دانش جدید و کسب سود از آن را تحلیل کرد. برای نشان دادن اینکه چگونه می‌توان این کار را انجام داد، "فیلیپ آگیون" و "پیتر هویت" از مفهوم تخریب خلاقانه شومپیتر استفاده می‌کنند، فرآیند رقابتی که در آن کارآفرینان دائماً به دنبال ایده‌های جدیدی هستند که ایده‌های رقیب را منسوخ می‌کند. متن زیر حاصل گفتگوی هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با "فیلیپ آگیون"، استاد دانشگاه هاروارد و مشاور عالی بانک جهانی است که از نظرمی گذرد:

شما کتابی با عنوان "نظریه رشد درون‌زا" نوشته‌اید که توسط موسسه تکنولوژی ماساچوست آمریکا (MIT) منتشر شده است. سوال اصلی و فرضیه شما در این کتاب چه بوده است؟

این کتاب در مورد "تخریب خلاق" (creative destruction) به عنوان موتور اصلی رشد و توسعه است. تخریب خلاق فرآیندی است که در آن نوآوری‌های جدید جایگزین فناوری‌های قدیمی می‌شوند. رشد از طریق تخریب خلاق، متضمن این تناقض است. از یک سو، این چشم‌انداز رانت‌های نوآوری است که شرکت‌ها و افراد را به نوآوری تشویق می‌کند. اما از سوی دیگر، مبتکران دیروز و سوسه می‌شوند که از رانت‌های نوآوری خود برای جلوگیری از نوآوری‌های بعدی استفاده کنند، زیرا نمی‌خواهند خود در معرض تخریب خلاقانه قرار بگیرند. موضوع مهم در اینجا این است که چگونه این تناقض را مدیریت کنیم؟ و در این میان نقش دولت و جامعه مدنی چیست؟

چین و سایر کشورهای آسیایی داستان موفقیت کشورهایی هستند که توانسته‌اند به سرعت به کشورهای پیشرفته‌تری تبدیل شوند



اگر اقتصاد به مدت طولانی رشد صفر داشته باشد درک بهبود استانداردهای زندگی برای مردم سخت است

در مدل‌های جهانی اگر یک اقتصاد پس از یک دوره چندساله رشد منفی یا صفر، شروع به رشد مثبت می‌کند، چقدر زمان لازم است تا آثار مثبت آن نمایان شود؟

همه چیز به نهادها و سیاست‌ها بستگی دارد. برای محافظت از رانت‌های نوآوری نیاز به حمایت خوب از حقوق مالکیت است، اما همچنین به آموزش نیاز دارد، زیرا نیروی کار بی‌سواد بعید است که نوآوری کند و نوآوری‌های پیشرفته‌تر را پشت سر بگذارد. باز بودن تجارت نیز برای تسهیل همکاری کشورهای کمتر توسعه یافته به سمت استانداردهای زندگی کشورهای پیشرفته‌تر مهم است. چین و سایر کشورهای آسیایی داستان موفقیت کشورهای هستند که توانسته‌اند به سرعت به کشورهای پیشرفته‌تری تبدیل شوند. از سوی دیگر، به دلیل تداوم موسسات ضعیف، سایر کشورها به ویژه در آفریقا موفق نمی‌شوند.

اگر در همین اقتصاد یک دهه رشد نزدیک به صفر تجربه شده باشد، از چه زمانی آثار مثبت رشد توسط مردم قابل لمس است؟

اگر اقتصاد به مدت طولانی رشد صفر داشته باشد، درک بهبود استانداردهای زندگی برای مردم سخت است. از این رو استقرار نهادها و سیاست‌هایی که به نفع رشد هستند، اهمیت دارد. همچنین حمایت از حقوق مالکیت، آموزش، بهداشت، باز بودن تجارت و... نیز در این بخش مطرح است.

پیشنهاد می‌کنید یک اقتصاد نفتی که به صورت تدریجی در حال کاهش سهم نفت از بودجه خود است، چه راهکارهایی را

برای استمرار رشد مثبت به کار گیرد؟

بیشتر اقتصادهای مبتنی بر نفت چیزی را تجربه می‌کنند که ما آن را "نفرین منابع" (resource curse) می‌نامیم، یعنی این واقعیت است که درآمدهای نفتی سیاست‌های نامناسب از جمله فساد را تغذیه می‌کنند و ایجاد نهادها و سیاست‌های مناسب برای تقویت نوآوری را به تأخیر می‌اندازند و باعث عقب‌نشینی فناوری می‌شوند. نروژ یک استثنا است، زیرا منابع نفتی را تنها پس از اعمال نهادها و سیاست‌های مناسب کشف کرد. براین اساس، ایجاد نهادها و سیاست‌های مناسب باید در اولویت باشد.

چه اقداماتی می‌تواند روند شکل گرفته رشد مثبت اقتصادی پس از سال‌ها رشد منفی و حدود صفر را دوباره متوقف و به سطوح منفی بازگرداند؟

چرا می‌خواهید روند رشد مثبت رشد اقتصادی را قطع کنید؟ برخی استدلال می‌کنند که مبارزه با تغییرات آب و هوایی مستلزم رشد منفی است، اما این اشتباه است. نوآوری سبز به آشتی دادن رشد مثبت و تلاش برای رفاه بیشتر با فوریت مبارزه با گرمایش جهانی کمک می‌کند.

چقدر زمان لازم است تا ریزش ارزش پول ملی یک کشور که به دلیل رشدهای مکرر منفی اتفاق افتاده، ترمیم و به حد قابل قبول بازگردد؟

کمتر از پنج یا ده سال در کشوری مانند ایران که از نیروی کار بسیار ماهر برخوردار است و دانشگاه‌های بسیار خوبی دارد، به علاوه منابع نفتی که می‌تواند برای رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری شود، لازم است تا ارزش ریال را به سطوح قابل قبول بازگرداند.



بیشتر اقتصادهای مبتنی بر نفت چیزی را تجربه می‌کنند که ما آن را "نفرین منابع" (resource curse) می‌نامیم، یعنی این واقعیت است که درآمدهای نفتی سیاست‌های نامناسب از جمله فساد را تغذیه می‌کنند و ایجاد نهادها و سیاست‌های مناسب برای تقویت نوآوری را به تأخیر می‌اندازند و باعث عقب‌نشینی فناوری می‌شوند.

یعقوب اصلان، نماینده روزنامه آیدینلیک ترکیه در تهران، در گفتگو با تازه‌های اقتصاد:

رسانه‌های غرب‌گرا در ترکیه یکی از عوامل کاهش ارزش لیره‌ستند

- بانک مرکزی در ماه‌های اخیر سیاست‌های مناسبی را در حوزه ارزی اتخاذ کرده و همچنین مرجعیت خبری و رسانه‌ای را نیز در دست گرفته است که این دو عامل باعث آرامش در بازار ارز ایران شده است
- در فضایی که رسانه‌ها به طور مداوم از آینده‌ای مبهم سخن می‌گویند امکان رشد اقتصادی کمتر می‌شود
- رسانه‌ها با تولید اخبار و محتوای اقتصادی، در تعیین مسیر اقتصاد ترکیه تأثیر می‌گذارند
- اخبار تحریف شده و به دور از واقعیت، مانند سم مهلک عمل می‌کنند و به تدریج اقتصاد یک کشور را از پای در می‌آورند
- رسانه در ترکیه به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در نوسانات ارزی مطرح است



۱۳



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

برخی
ستون نویسان
روزنامه‌های
مهم ترکیه
به شدت بر
سازگاری با
اقتصاد آمریکا
و غرب به
عنوان تنها راه
برون رفت از
بحران تاکید
می کنند

رسانه یکی از ابزارهایی است که در ایجاد آرامش اقتصادی تاثیر بسزایی دارد. از این رو، انتشار اخبار صحیح، شفاف و منطبق با واقعیت می تواند افق روشنی را پیش روی جامعه قرار دهد تا مردم در تحولات گذرا، تصمیم های اقتصادی خود را براساس شایعات و اطلاعات نادرست اتخاذ نکنند. کارشناسان عقیده دارند، انتظارات به میزانی در تغییر شاخص های اقتصادی به ویژه تورم تاثیرگذار است که حتی می تواند عملکردهای درست دولت ها را نیز تحت الشعاع قرار دهد. به بیانی، اگر جامعه به هر دلیلی، انتظار داشته باشد که نرخ ها در بازار ارز، خودرو، مسکن، طلا، سکه و ... تغییر خواهند کرد، به احتمال زیاد چنین اتفاقی خیلی زود خواهد افتاد، حتی اگر دولت ها عملکرد مناسبی نیز در این بازارها داشته باشند و تمامی داده ها نادرستی انتظارات را تایید کند. به گفته کارشناسان و اقتصاددانان ترکیه ای، اقتصاد این کشور نمونه بارزی از وجود انتظارات منفی بوده و یکی از مهم ترین چالش ها و مسائلی که دولت ها در این کشور همواره با آن روبرو بوده اند، کنترل انتظارات تورمی بوده است. به دلیل وجود شباهت هایی بین اقتصاد ترکیه و ایران و همچنین وجود انتظارات منفی در اقتصاد هر دو کشور، هفته نامه تازه های اقتصاد گفتگویی با یعقوب اصلان، عضو هیئت مدیره شورای جهانی روزنامه نگاری و مجری - کارشناس ترکیه ای که چندین سال در تهران به عنوان نماینده شبکه اولوسال کانال و روزنامه آیدینلیک حضور داشته و از نزدیک تحولات اقتصادی ایران و ترکیه را دنبال کرده است، انجام داده است که در زیر می آید.

در گفتگویی که هفته نامه تازه های اقتصاد، با یعقوب اصلان انجام داده، تاثیر اخبار خلاف واقع بر ایجاد انتظارات تورمی، خدشه دار کردن اعتماد عمومی نسبت به نهادهای رسمی و اختلال در چرخه تولید و دیگر مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است که شرح آن از نظر می گذرد:

شما به عنوان یک فعال رسانه ای که تجربه کار برون مرزی نیز دارید و از نزدیک خط خبری رسانه های ترکیه را دنبال می کنید و در جریان اخباری هستید که رسانه های ترکیه به ویژه در حوزه اقتصاد منتشر می کنند، نقش اخبار رسانه ها در شکل گیری انتظارات در جامعه را چگونه می بینید؟ آیا اخبار خلاف واقع و کذب، می تواند زمینه ساز انتظارات تورمی در آینده باشند؟

اخبار تحریف شده، فضای مسمومی را در اقتصاد هر کشوری ایجاد می کنند. انتشار این اخبار در رسانه های ترکیه طبیعتاً نمی تواند بر روی ارقام اعلامی سازمان آمار ترکیه (TÜİK) تاثیر بگذارد، اما اعتماد عمومی را نسبت به این سازمان دولتی خدشه دار می کند. به عبارتی دیگر، اگرچه هجمه رسانه ای ممکن است نتواند تغییری در آمار اعلامی ایجاد کند، اما به اعتبار سازمان های مربوطه لطمه وارد خواهد کرد. در ترکیه به خصوص در دوره های اخیر، برخی سعی می کنند بابت اعتبار کردن سازمان آمار کشور، ارقام دیگری را از سوی سازمان ها به اصطلاح جایگزین اعلام کنند.

بُرش



نقش رسانه های ترکیه در هدایت اقتصاد ترکیه به سمت غرب

برخی ستون نویسان روزنامه های مهم ترکیه به شدت بر سازگاری با اقتصاد آمریکا و غرب به عنوان تنها راه برون رفت از بحران تاکید می کنند. این روزنامه نگاران که وابسته به جریان های مختلفی هستند، به طور پیوسته در رسانه های خود سکان اقتصاد کشور را به سمت مدل اقتصادی نئولیبرال هدایت و در اخبار و برنامه های تلویزیونی خود، تبعیت از برنامه های غربی را به عنوان تنها راه نجات ترکیه معرفی می کنند. در نتیجه این تبلیغات است که اقتصاد ترکیه به سمت مدل های غربی سوق داده شده است.

اگرچه همه
رسانه‌ای ممکن
است نتواند
تغییری در آمار
اعلامی ایجاد
کند، اما به اعتبار
سازمان‌های
مربوطه لطمه
وارد خواهد کرد

متأسفانه در این میان برخی ستون‌نویسان روزنامه‌های مهم ترکیه هم به شدت بر سازگاری با اقتصاد آمریکا و غرب به عنوان تنها راه برون‌رفت از بحران تأکید می‌کنند. این روزنامه‌نگاران که وابسته به جریان‌های مختلفی هستند، به طور پیوسته در رسانه‌های خود سکان اقتصاد کشور را به سمت مدل اقتصادی نئولیبرال هدایت و در اخبار و برنامه‌های تلویزیونی خود، تبعیت از برنامه‌های غربی را به عنوان تنها راه نجات ترکیه معرفی می‌کنند. در نتیجه این تبلیغات است که اقتصاد ترکیه به سمت مدل‌های غربی سوق داده شده است.

**در واقع منظور شما این است
که اگرچه رسانه‌ها را نمی‌توان
عامل اصلی بحران اقتصادی
در ترکیه دانست، اما در
برجسته‌سازی مدل اقتصادی
نئولیبرال موثر بوده‌اند.
اینطور نیست؟**

بله، رسانه عامل اصلی نیست، اما یکی از عوامل است. رسانه‌ها با تولید اخبار و محتوای اقتصادی در تعیین مسیر اقتصاد ترکیه تأثیر می‌گذارند. برای مثال شما کشوری را در نظر بگیرید که رسانه‌های آن این موضوع را القا می‌کنند که بدون وابستگی اقتصادی به غرب نمی‌توان به ثبات اقتصادی رسید. در اینجا اتفاقی که رخ می‌دهد آن است که نگاه‌ها به مدل اقتصادی نئولیبرال معطوف می‌شود.

**به نظر شما رویکرد این رسانه‌ها
در کاهش ارزش لیر ترکیه نیز
موثر بوده است؟**

به شخصه فکر می‌کنم تا حدودی بر نوسانات ارزی تأثیر گذاشته است. اخبار تحریف شده و به دور از واقعیت مانند سم مهلک عمل می‌کنند و به تدریج اقتصاد یک کشور را از پای در می‌آورند. اخبار جعلی، روند طبیعی بورس را تحت الشعاع قرار می‌دهند و بورس نیز بر بازارها تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، باعث می‌شود که عده‌ای از مردم، از جمله بازاریان و سرمایه‌گذاران خرد به سمت خرید ارز متماثل شوند و طبیعتاً با افزایش غیرمعمول تقاضا، نرخ ارز نیز افزایش پیدا می‌کند. این تحولات که به صورت زنجیروار رخ می‌دهد، بر روی انتظارات تورمی جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. البته در ترکیه برای ممانعت از انتشار اخبار

این وضعیت به تدریج بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد و انتظارات تورمی را در عرصه اقتصادی کشور شکل می‌دهد، از سویی مردم نسبت به آینده بدبین می‌شوند و به جای آنکه در زمینه تولید کالاهای مورد نیاز کشور سرمایه‌گذاری کنند، به خرید املاک و مستغلات، خودرو، طلا و کالاهای دیگر روی می‌آورند و این برای اقتصاد یک کشور ویرانگر است. هنگامی که چرخه تولید مختل شود، تورم آغاز می‌شود. در آن صورت چون شما مجبور هستید کالاهای مورد نیاز را وارد کنید، این امر منوط به برداشت از ذخایر ارزی خواهد بود. از سوی دیگر، اگر صادرکننده باشید دیگر از محل مورد نظر ارزآوری نخواهید داشت.

**در واقع طبق گفته شما، اخبار
کذب و به دور از واقعیت، علاوه
بر چرخه تولید، امنیت روانی و
اقتصادی جامعه را هم تهدید
می‌کند. این برداشت درستی
است؟**

بله، درست است. سرمایه، از جایی که هراس داشته باشد می‌گریزد. در چنین فضایی که رسانه‌ها به طور مداوم از آینده‌ای مبهم سخن می‌گویند، امکان رشد اقتصادی کمتر می‌شود. البته دولت با ایجاد شفافیت مالی وظیفه دارد که از طریق رسانه مردم را در جریان آخرین تحولات اقتصادی قرار دهد. اصل مهم آن است که مراکز آماري بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند.

**در سال‌های اخیر پس از انتشار
اخباری مبنی بر وجود تنش در
روابط آنکارا و واشنگتن، ارزش
لیر ترکیه سیر نزولی به خود
گرفت. به نظر شما رسانه چه
نقشی در این موضوع داشت
و به طوری کلی سیاست‌های
اقتصادی ترکیه به چه میزان از
رسانه تأثیر می‌پذیرند؟**

هنگامی که کشوری مورد هدف قرار می‌گیرد، اقدامات چندجانبه‌ای از جهات مختلف علیه آن انجام می‌شود. عملیات رسانه‌ای هم یکی از این اقدامات است. برای اینکه اعتماد به اقتصاد ترکیه از بین برود، اخباری تولید می‌شود که مقامات دولتی، سرمایه‌گذاران و تجار ترک را دچار نگرانی کند.



بخشی از
نوسانات ارزی
در ایران طی
چندسال
گذشته
حاکمی از برخی
عددسازی‌های
غیرواقعی و
اخبار نادرستی
بود که در
رسانه‌های
خارج از کشور
منتشر می‌شد



افکار عمومی دارند از سوی سفارتخانه‌های خارجی حمایت می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که دخالت آمریکا از طریق رسانه احساس می‌شود و تأثیرات آن در اقتصاد ترکیه ملموس است.

سوال آخرمادر باره تجربه کاری شما در ایران است. از حضور در ایران به عنوان خبرنگار یک شبکه ترکیه‌ای چه تجربه‌هایی را کسب کرده‌اید؟ می‌توانید به این سوال از جنبه اقتصادی پاسخ دهید.

بله همانطور که به آن اشاره کردید از آنجایی که موضوع مورد بحث ما تأثیر رسانه بر روند اقتصادی است، به سوال شما از دیدگاه اقتصادی پاسخ خواهم داد. زمانی که من در ایران بودم اتفاقاتی در عرصه اقتصادی روی می‌داد که با واقعیت‌های اقتصادی کشور شما همخوانی نداشت. بخشی از نوسانات ارزی چندسال گذشته حاکمی از برخی عددسازی‌های غیرواقعی و اخبار نادرستی بود که در رسانه‌های خارج از کشور منتشر می‌شد. ایران دارای معادن بسیار و ذخایر عظیم نفت و گاز جهان است. پشتوانه قوی اقتصادی دارد و به طور کلی اقتصاد ایران متکی بر بدهی خارجی نیست. بنابراین ارقامی که برای نرخ دلار در برخی کانال‌های غیر رسمی منتشر می‌شود، واقعیت را منعکس نمی‌کند. در چند ماه اخیر، بانک مرکزی ایران سیاست خوبی را اتخاذ کرده است که علاوه بر ایجاد نوعی ثبات اقتصادی، مرجعیت خبری را در دست گرفته و نوسانات ارزی را به کمترین میزان رسانده است. ادامه سیاست تثبیت اقتصادی، انتظارات تورمی را در جامعه ایرانی کاهش می‌دهد و مردم تغییرات را در زندگی خود احساس خواهند کرد.

کذب، اقداماتی انجام و قوانینی وضع شده‌اند، اما در هر صورت این قوانین نتیجه مورد انتظار را در پی نداشته‌اند. به طوری که امروزه در ترکیه رسانه به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در نوسانات ارزی مطرح است.

به نظر شما آیا می‌توان ردپای قدرت‌های خارجی را در ناسامانی اقتصادی ترکیه مشاهده کرد؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید توجه کرد که رسانه‌های ترکیه از چه طریقی تأمین مالی می‌شوند. واقعیت این است که آمریکا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رسانه‌های ترکیه سرمایه‌گذاری دارد. برخی از ستون‌نویسان روزنامه‌ها که نقش مهمی را در شکل‌گیری



ردپای تأمین مالی غرب در رسانه‌های ترکیه

آمریکا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رسانه‌های ترکیه سرمایه‌گذاری دارد. برخی از ستون‌نویسان روزنامه‌ها که نقش مهمی را در شکل‌گیری افکار عمومی دارند از سوی سفارتخانه‌های خارجی حمایت می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که دخالت آمریکا از طریق رسانه احساس می‌شود و تأثیرات آن در اقتصاد ترکیه ملموس است.

نشست علمی «ظرفیت‌ها و فرصت‌های بانکداری هوشمند در نظام بانکی ایران»

نسل جدید بانکداری هوشمند در راه است



● عظیمی:
امروزه بسیاری از
داده‌ها از طریق
هوش مصنوعی
تولید می‌شود و
بانک‌ها می‌توانند
از این بستر
استفاده کنند

● پلتفرمی که در
آینده می‌خواهیم
بانکداری را به آن
وصل کنیم، باید
از حالت جزیره‌ای
خارج شود و به
سمت تجمع
حرکت کنیم



● قشمی:
به دلیل ضعف در
اکوسیستم‌سازی،
کیف پول مردم در
بانک‌ها خالی‌تر از
پلتفرم‌ها است
● بانک باید یک
دیتای درست از
تامین‌کنندگان و
شرکای خود و اشیائی
که به بانک وصل
هستند و از مرتبطانی
مانند فین‌تک‌ها و
تک‌پارته‌ها
انواع رفتار مصرفی
ایجاد کند



● اینالوئی:
در نسل یک یا
بانکداری شعبه،
بانک‌ها در یک
ساعت مشخص
بازگشایی و شروع
به کار می‌کردند
● کار بانک
حداکثر سازی
تولید است، ولی
فین‌تک‌ها برای
مشتریان خاص و
هدف، محصول
خاص و موقعیت
خاص ارائه
می‌کنند



در بانکداری
دیجیتال
یک سرویس
یا خدمت را
ارائه می‌کنیم
و بانکداری
هوشمند یعنی
ما از این داده‌ها
و بسترهایی
که بانکداری
دیجیتال ایجاد
کرده، به نوعی
برای ارائه
سرویس‌ها
استفاده
می‌کنیم

نشست علمی «ظرفیت‌ها و فرصت‌های بانکداری هوشمند در نظام بانکی ایران» با هدف تبیین علمی موضوع دهمین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت (آبان ۱۴۰۲) و با حضور آقایان دکتر فرهاد اینالوئی (معاون فناوری اطلاعات بانک ایران زمین)، دکتر ساسان عظیمی (مدیر نوآوری و آینده‌پژوهی هلدینگ بهسازان فردا)، دکتر آرش قشمی (مدیر توانمندسازی بین‌الملل هلدینگ فناپ) و دکتر رامین مجاب (عضو هیئت علمی و مدیر گروه مطالعات بانکداری پژوهشکده پولی و بانکی - مجری - کارشناس) در ساختمان پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی برگزار شد.

استفاده از تکنولوژی در صنعت بانکداری طی دو دهه اخیر تجربه موفق‌تری در جهان بوده و به نوعی باعث تغییرات عمده در بخش‌های کمی و کیفی این صنعت شده است. همچنین بررسی روند توسعه و ایجاد روش‌ها و ساختارهای جدید در صنعت بانکداری، این انتظار را ایجاد کرده که در آینده نیز تغییرات بسیار عمده‌ای از سمت بروز و ظهور تکنولوژی‌ها در صنعت به وجود خواهد آمد. در مدل‌های رشد اقتصادی، همواره در کنار نیروی کار و سرمایه، رشد تکنولوژی نیز مورد توجه بوده و رشد تکنولوژی در این مدل‌ها به عنوان یک پایه و اساس مهم و قابل اعتنا شناخته می‌شود. اما اگر بخواهیم بحث تکنولوژی را در بانکداری مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان آن را در عناوینی مانند نقش بانکداری دیجیتال (و در ذیل آن بانکداری هوشمند)، در مقوله‌های اقتصادی مانند خلق پول، ریسک، مدیریت شبکه و ارائه خدمات، به بحث گذاشت. اما از منظر دیگر نیز باید دید که کارکرد بانکداری دیجیتال و بانکداری هوشمند چیست و مخاطب آن چه کسانی هستند. در این دسته‌بندی یک دسته از مخاطبین فعالین صنعت خواهند بود که

تمرکز آنها روی مدل‌های تجاری بانک‌ها است و آنها بیشتر به سودآوری توجه دارند. در مدل‌های تجاری بحث افزایش بهره‌وری و تخصیص بهینه نیروی کار مطرح است.

البته در این حوزه نگاه‌ها باز هم از زوایای مختلف است، هر چند که بانکداری دیجیتال می‌تواند در مجموع به عنوان یک سیستم بهره‌ور شناخته شود، اما در مدل‌های تجاری، شرکت‌های کوچک‌تر یا بانک‌های کوچک‌تر در رقابت نقطه ضعف‌هایی دارند و بانک‌های بزرگ‌تر از رشد تکنولوژی بیشتر منتفع می‌شوند. اما دسته دومی که می‌تواند مخاطب فرایند رشد تکنولوژی در صنعت بانکداری باشد، مقام ناظر است. در این مقوله بحث به این صورت است که مقام ناظر نمی‌تواند از رشد تکنولوژی عقب بماند و در بحث‌هایی مانند خلق نقدینگی، رشد بانک‌ها و مدیریت فرایندها، نقش نهاد ناظر برجسته می‌شود. مقام ناظر با رشد تکنولوژی می‌تواند از مدل‌های پایدارتر، منظم‌تر و شفاف‌تری استفاده کند و سرعت و دقت را در ایجاد سیستم‌های نظارتی، مدیریت و توسعه‌ای بیشتر کند. در این مبحث نیز، قدرت جمع‌آوری داده‌ها و بررسی آنها مطرح می‌شود و مطمئناً بانک مرکزی از طریق رشد تکنولوژی می‌تواند برخی چالش‌ها را بهتر مدیریت کند.

در مقابل این رشد تکنولوژی، به عنوان مثال در بخش‌های امنیتی و بحث‌های تایید هویت و غیره چالش‌هایی نیز ایجاد می‌کند. یا اینکه رشد فین‌تک‌ها (FinTech) در ساختارهای رقابتی می‌تواند برای بانک‌ها چالش‌زا شود و مقام ناظر باید این بحث‌ها را مورد بررسی قرار دهد. در حوزه رشد تکنولوژی و از جایگاه مقام ناظر موضوعاتی مثل رواج ارزهای شخصی یا بحث دارایی‌های دیجیتال، از جمله مواردی است که بانک مرکزی باید در آنها مقررات و تنوع پوشش‌ها را مورد بررسی قرار دهد و در مورد آنها تصمیم‌گیری کند و در واقع بانک مرکزی باید بررسی کند که آیا



اگر بتوانیم
داده‌ها را
تحلیل کنیم و
در یک فرآیند
ارائه سرویس
داده‌ها را به
ارائه‌دهندگان
خدمات
برسانیم و در
لحظه‌ای که
نیاز است از آن
داده استفاده
شود، بانکداری
هوشمند شکل
می‌گیرد

برخی خدمات، دیگر به متصدی بانک مراجعه نکنند. در این نسل، شما می‌توانستید در ساعات غیراداری نیز یکسری سرویس‌ها را از بانک بگیرید. نسل سوم بانکداری، بانکداری الکترونیک بود که در کنار شعب بانک و خودپردازها، دستگاه‌های کارتخوان، موبایل بانک‌ها و اینترنت بانک‌ها اضافه شدند و در هر نقطه، محل و زمان، تعداد کثیری از افراد می‌توانستند از سرویس‌های ارائه شده بهره‌مند شوند. نسل چهارم بانکداری که بانکداری دیجیتال است، رویکرد متفاوتی دارد و با نسل‌های گذشته بسیار متفاوت است. در اینجا نقش Third Party، مثل ثنوبانک‌ها، برجسته می‌شود. در این دیدگاه، بانک به سمت مشتری‌مداری حرکت می‌کند و بیشترین تمرکز خود را بر تعامل با مشتری می‌گذارد. اما همانطور که مشخص شد، در این تقسیم‌بندی‌های ارائه شده، حرفی از بانکداری هوشمند نیست. پس این هوشمندی کجاست و وقتی در مورد بانکداری هوشمند صحبت می‌کنیم، این بانکداری چه ویژگی‌ها و صفاتی دارد؟

باید گفت مادر حال حاضر در نسل چهارم در زمانه بانکداری دیجیتال زندگی می‌کنیم که این نوع از بانکداری خصوصیات خاص خودش را دارد. بانکداری دیجیتال سرویس‌محور است، یعنی به جای اینکه بانک محصول ارائه‌کند، خدمات و سرویس ارائه می‌کند و محصولات را کسانی دیگر ایجاد می‌کنند که امروزه به آنها فین‌تک گفته می‌شود. چرا ما به این سمت می‌رویم؟ به دلیل آنکه کار بانک حداکثرسازی تولید است، ولی فین‌تک‌ها برای مشتریان خاص و هدف، محصول خاص و موقعیت خاص ارائه می‌کنند. بنابراین، در این نسل بانک‌ها تنها زیرساخت ایجاد می‌کنند و دیگر محصول ارائه نمی‌کنند.

حالا بحث هوشمندی کجاست؟ از نظر من بانکداری هوشمند یک نمود یا بخشی از ماهیت بانکداری دیجیتال است. اگر این دو مفهوم را بخواهیم با یکدیگر مخلوط کنیم، در بانکداری دیجیتال یک سرویس یا خدمت را ارائه می‌کنیم و بانکداری هوشمند یعنی ما از این داده‌ها و بستریایی که بانکداری دیجیتال ایجاد کرده، به نوعی برای ارائه سرویس‌ها استفاده می‌کنیم. یعنی اگر بتوانیم داده‌ها و بسترها را درک کنیم و از آنچه به وجود آمده استفاده و یک سرویس ارائه دهیم، بانکداری هوشمند اتفاق افتاده است. حالا اینکه داده‌ها کجا تولید می‌شود، چطور از آنها سرویس ارائه می‌شود و فین‌تک‌ها از این سرویس‌ها چگونه استفاده می‌کنند، نیازمند بحث‌های مفصلی است که به آن می‌پردازیم.

مقررات و نظارت‌های جاری ریسک‌های ناشی از بروز این پدیده‌ها را پوشش می‌دهد؟ اما گروه سوم از مخاطبین این بحث، کارآفرین‌ها و سرمایه‌گذاران هستند. مسلماً ایجاد فرصت‌ها بدون رشد تکنولوژی امکان‌پذیر نخواهد بود و در این گروه شاید بحث فین‌تک‌ها بسیار برجسته‌تر باشد، زیرا فین‌تک‌ها با توجه به ارتباطاتی که با مشتریان ایجاد کرده‌اند و داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیار دارند، در ارتباط مشتریان با بانک و فرآیند اعطای اعتبار نقش مؤثری پیدا کرده‌اند یا مثلاً کاهش نیاز به حضور فیزیکی که از طریق فین‌تک‌ها ایجاد می‌شود که این نیز در مقوله رشد تکنولوژی و بانکداری هوشمند قابل بحث است.

در دسته آخر نیز پژوهشگران و توسعه‌دهندگان قرار می‌گیرند. تکنولوژی از پژوهش‌ها تأثیر می‌پذیرد و بحث آموزش نیز در رشد تکنولوژی تأثیرگذار است. دسته چهارم به نوعی در نقش به وجود آورنده و متقاضی تکنولوژی رفتار می‌کند. بنابراین، با توجه به این دسته‌بندی‌ها می‌توان بحث رشد تکنولوژی در صنعت بانکداری و بانکداری هوشمند را مورد بررسی قرار داد.

متن زیر حاصل برگزاری میزگرد ظرفیت‌ها و فرصت‌های بانکداری هوشمند در بانکداری ایران است که با حضور فرهاد اینالوئی، معاون فن‌آوری بانک ایران زمین، دکتر آرش قشمی، مدیر توانمندسازی بین‌الملل هلدینگ فناپ و دکتر ساسان عظیمی، مدیر آینده پژوهی هلدینگ بهسازان فردا برگزار شد.

به عنوان نخستین سوال برای شروع بحث، پرسش این است که بانکداری هوشمند چیست و تکنولوژی در کجای بانکداری هوشمند قرار می‌گیرد؟

اینالوئی: برای پاسخ به این سوال باید به دسته‌بندی و سیر توسعه بانکداری نگاه کنیم. اولین نسخه بانکداری مدرن،



بانک‌های شعبه بود. در زمانی که بانک‌های شعبه ظهور کردند، مردم به شعب بانک‌ها مراجعه می‌کردند و از سرویس‌هایی که توسط بانک‌ها ارائه می‌شد بهره‌مند می‌شدند. در نسل یک یا بانکداری شعبه، بانک‌ها در یک ساعت مشخص بازگشایی و شروع به کار می‌کردند.

نسل دوم بانکداری با ورود خودپردازها شکل گرفت. در این زمان در کنار شعب بانک‌ها، یکسری دستگاه (خودپرداز) اضافه شد که مشتریان می‌توانستند از آنها سرویس دریافت کنند و برای



در دیدگاه سنتی، اینطور بود که شخصی می‌آمد و داده‌ها را همسان‌سازی می‌کرد اما الان اینطور نیست و هوش مصنوعی می‌تواند این کار را در لحظه و به صورت آنلاین انجام دهد

در بانکداری دیجیتال منظور از داده، تنها داده‌های مالی نیست. به این معنا که در این نوع از بانکداری ضمن برخورداری از داده‌های مالی، منحنی مطلوبیت مشتری را نیز می‌توانید رسم کنید. یعنی توانسته‌ایم یک الگویی از رفتارها و ترجیحات مشتری نیز به دست آوریم که این نیز به عنوان داده محسوب می‌شود. حالا اگر بتوانیم این داده‌ها را تحلیل کنیم و در یک فرآیند ارائه سرویس، داده‌ها را به ارائه‌دهندگان خدمات برسانیم و در لحظه‌ای که نیاز است از آن داده استفاده شود، بانکداری هوشمند شکل می‌گیرد. همچنین وقتی از الگوریتم‌های هوش مصنوعی استفاده می‌کنیم، این هم نوعی از هوشمندی است.

اما وقتی ما می‌گوییم بانک هوشمند، در واقع در مورد بانکی صحبت می‌کنیم که در داده‌ها و فرآیند به دست آوردنشان بتواند هوشمند عمل کند. این داده‌ها هم داده‌های مالی و هم داده‌های رفتاری و الگویی است. داده‌هایی که در تعریف بیگ دیتا قرار می‌گیرد. من ترجیح می‌دهم از جایگاه یک بانک تجاری به این موضوع بپردازم و نه از جایگاه بانک مرکزی. ما در مدل اقتصاد دیجیتال که بانکداری دیجیتال نیز بخشی از آن است، سه لایه داریم: یک لایه زیرساخت است که دستگاه‌های پردازشگر، نرم‌افزارها، سخت‌افزارها و به نوعی قوانین در این لایه قرار می‌گیرند. یک لایه میانی داریم که به آن لایه اقتصادی گیگ یا (gigeconomy) گفته می‌شود که شما یک خدمات‌رسان را به یک مصرف‌کننده وصل می‌کنید مثلاً راننده و مسافر را به یکدیگر می‌رسانید. لایه دیگر، شیرینگ اکونومی (sharingeconomy) است که در آن سرویس‌های اشتراکی مثل اسنپ و فین‌تک‌ها ارائه می‌شود.

حالا اگر این سه لایه را بخواهیم در مفهوم بانکداری دیجیتال بررسی کنیم، زیرساخت‌ها مانند زیرساخت‌های داده‌ای، زیرساخت‌های پردازشی، زیرساخت‌های گروهی و غیره در لایه اول قرار می‌گیرند. لایه دوم در بحث بانکداری دیجیتال انواع پلتفرم‌ها مثل شعب دیجیتال، APM ها، باشگاه‌های مشتریان و هر آنچه که در قالب مفهوم (AAS) قرار می‌گیرد. مادر لایه سوم که لایه اشتراکی است، کسب و کارهای دیجیتال قرار می‌گیرند. اینها در بانکداری دیجیتال به فین‌تک‌ها و نتوبانک‌ها تقسیم می‌شوند که تفاوت اساسی بین فین‌تک و نتوبانک نیز وجود ندارد و فقط نتوبانک به عنوان یک بانک کامل بدون شعبه، خدمات متفاوتی نسبت به فین‌تک‌ها ارائه می‌کند. هوشمندسازی نیز در هر سه لایه اتفاق می‌افتد.

یعنی در زیرساخت باید جمع‌آوری، تقسیم‌بندی و غیره انجام شود و این می‌تواند با مفاهیمی

از هوشمندی همراه شود، در لایه پلتفرم هوشمندسازی از طریق ایجاد داده‌های هوشمند و انتقال داده از لایه پایینی به بالایی است و در لایه کسب و کار اشتراکی نیز هوشمندسازی وجود دارد. فرض کنید فردی می‌خواهد خریدی انجام دهد و همین الان به دو میلیون تومان اعتبار نیاز دارد، رساندن داده در لحظه که مشتری (کسب و کار) بتواند از آن استفاده کند، یک فرآیند هوشمند است که می‌تواند تکمیل شود و یک تجربه خوشایند مشتری را به ارمغان آورد.

تجربه مشتری نیز در فرآیند اتفاق می‌افتد و اگر داده شخصی‌سازی شده باشد، هوشمندی می‌تواند در این بستروما هیت اتفاق بیافتد.

راهکار بانکداری هوشمند برای افزایش شفافیت و مدیریت ریسک خدمات چیست؟

عظیمی: در ابتدا اجازه دهید از نگاه مفهوم هوش مصنوعی به بحث وارد شویم. اگر بخواهیم مفاهیم و کاربردهای بانکداری هوشمند را بیان کنیم، می‌توانیم این را





در سه دسته قرار دهیم: یک بحث بازاریابی و فروش محصولات بانکی است. یک بحث دیگر توسعه محصول است که باید به صورت جداگانه مورد بحث قرار گیرد و این بحث در دنیای امروز به شدت متأثر از هوش مصنوعی است. یک بحث دیگر نیز سامانه های مشاور و تصمیم سازی که مشتری (پلتفرم ها یا سرویس گیرندگان از بانک) انتظار دارد بانک را به صورت یک ابزار هوشمند در کنار خودش ببیند.

در حوزه اول، بحث داده ای که مشتری انتظار دارد در اختیارش قرار بگیرد مطرح است که امروزه خیلی از این داده ها از طریق هوش مصنوعی تولید می شود و بانک ها می توانند از این بستر استفاده کنند. اما فراتر از آن، در بسترهای دیجیتالی موجود می توانیم خیلی از داده ها را در لحظه سفارشی کنیم و ارائه دهیم و این داده ها برای مشتری خاص سرویس گیرنده، ویرایش شود.

در دیدگاه سنتی، اینطور بود که شخصی می آمد و داده ها را همسان سازی می کرد اما الان اینطور نیست و هوش مصنوعی می تواند این کار را در لحظه و به صورت آنلاین انجام دهد. همچنین

بحث های تحلیل احساسات را می توان مثال زد که در آنالیز ترجیحات خرید کاربر مورد استفاده قرار می گیرد و ما این را می توانیم از طریق دیتاها و تراکنش های مالی از کاربر بگیریم. اینها از جمله مواردی است که در چارچوب بانک هوشمند تعریف می شود و می توان روی آنها سرمایه گذاری کرد.

در دنیای امروز یک جهش شدید روی ایجنت های هوشمند اتفاق افتاده و بسترهایی داریم که توانسته از طریق سنتز گفتار تا ۴۰ دقیقه با مشتری مکالمه را جلو ببرد.

پس این فرصت هایی است که پیش روی ماست.

اگر بخواهیم در حوزه توسعه محصول صحبت کنیم، الگوریتم ها و بات هایی که امروزه شروع به فعالیت کرده اند می تواند به توسعه دهنده ها کمک کنند، مثلاً دابل پروگرامیک ها که در زمان کد زدن به شما کمک می کند و اشتباهات را می گیرد و راهکار بهتر ارائه می دهد.

پس هوش مصنوعی در یک فضای پویا که همه چیز در حال تغییر است، به ما کمک می کند تا یکسری اضافه ها و حذف ها را تشخیص دهیم.





حتی مسئله هوش را می‌توان به اداره کسب و کار و نحوه سرمایه‌گذاری‌ها گسترده کرد. همچنین می‌توان گفت، یک بانک هوشمند، بانکی است که درست سرمایه‌گذاری می‌کند، مصوبات درستی دارد و قواعد درستی را در اجرا به کار می‌گیرد. با گفته جناب دکتر اینالوئی موافقم که اینجا فقط و فقط بر مبنای داده‌هاست و ابزارهایی که جناب دکتر عظیمی فرمودند، ابزارهای در دسترس هستند.

به عنوان مثال در برخی شعبه‌ها و بانک‌های اروپایی و آمریکایی سیستمی وجود دارد که با ورود مشتری به شعبه، دوربین چهره‌آورا تشخیص می‌دهد و به تمام کسانی که باید متوجه شوند که یک مشتری ثروتمند و با اعتبار بالا وارد بانک شده، اطلاع‌رسانی می‌شود.

اینجا ابزاری است که باید دید کجا کاربرد دارد. آیا در حال حاضر می‌تواند برای ما به عنوان سرمایه‌گذاری محسوب شود؟ و اگر ما بخواهیم و بدون توجه به عواقبی که در پی دارد اینها را وارد کنیم، باعث می‌شود که در فرآیند دچار هزینه شویم و هوشمند عمل نکرده باشیم.

اینجا به اصطلاح باید گفت، کم‌هوشی در هوشمندی به وجود می‌آید. در دوره الکترونیکی شدن از این زیاده‌روی‌ها بسیار انجام شد و دوستانی که در واحدهای آی‌تی بانک‌ها هستند می‌توانند شهادت دهند که ما با انبوهی از سامانه‌ها و سیستم‌های فرسوده مواجه هستیم.

بنابراین هوشمندی از نظر من اگر بخواهد به آن اهدافی که دکتر اینالوئی و دکتر عظیمی فرمودند، برسد دو پایه خیلی قوی نیاز دارد که براساس آنها تعریف بانک هوشمند منعقد شود.

دکتر اینالوئی فرمودند بانک هوشمند نوعی از

بحث سوم سامانه‌های مشاور و تصمیم‌ساز است که الان در دنیای جدید این ابزارها می‌توانند صورتجلسه را بنویسند، می‌توانند پیش‌نویس‌ها را تنظیم کنند و خیلی از مستنداتی که برای یک موضوع می‌خواهیم را برای ما گردآوری کنند.

در حال حاضر ما مشکل مستندسازی داریم، ولی اگر ایجاد شود دیتای خوبی در اختیار ما می‌گذارد که همه اینها را هوش مصنوعی می‌تواند برای ما انجام دهد.

بحث‌های پایگاه دانش و جایی که می‌خواهیم دانش را بیکارچه کنیم، نیاز از جمله مواردی است که هوش مصنوعی به ما کمک خواهد کرد. در مجموع می‌توان این موارد را فرصت‌های پیش روی بانکداری ایران در راستای هوشمند شدن بانک‌ها دانست.

قشمی: وقتی در مورد هوش مصنوعی صحبت می‌شود، سوال پیش می‌آید که معنای هوش در اینجا چیست؟ وقتی



صحبت بانکداری هوشمند می‌کنیم می‌توان انتظار داشت که بانک ما قدرت تحلیل، قدرت درک روابط عالی و صحیح و همچنین استدلال درست را داشته باشد.

تمام مخاطرات و فرصت‌ها اینجا به وجود می‌آید که چطور به یک ساختار استدلالی و یک بانک قاعده محور برسیم و این قواعد آنقدر قوی و صحیح و نشان‌دهنده درک صحیح از شرایط و در راستای عملیات بانک‌ها باشد که بتواند برای ارائه خدمات با هزینه کمتر و با بازدهی بیشتر کمک کند.

اگر این قابل سنجش نباشد احتمالاً شانس تبدیل شدن اسباب هوشمندی بانک‌ها از سرمایه‌گذاری به هزینه افزایش می‌یابد.

اگر این هوشمندی نباشد، فرصت‌ها به هزینه تبدیل می‌شود. مثلاً در دوره بانکداری الکترونیک آنقدر دستگاه کارتخوان (POS) وارد کشور کردیم که با پول آن می‌توانستیم چند کارخانه تولید پوز و یک آزمایشگاه سطح بالای pci ایجاد کنیم و دارای هشتمین آزمایشگاه بزرگ دنیا بشویم و نه تنها از این دانش استفاده کنیم بلکه صادرات انجام دهیم و درآمد به دست آوریم.

در آن زمان، شبکه پرداخت به دلیل اشتباهی زیادی که در توسعه اینگونه خدمات داشت هزینه و فرصت را به درستی انجام نداد. کار درست‌تر را غیر هوشمندانه انجام دادند و این موضوع، انبوهی از دستگاه‌های فرسوده را جلو روی ما گذاشت، در صورتی که می‌توانست یک مزیت رقابتی باشد و ما را به بازدهی قابل توجهی برساند.

در دوره
بانکداری
الکترونیک
آنقدر دستگاه
کارتخوان (POS)
وارد کشور
کردیم که با پول
آن می‌توانستیم
چند کارخانه
تولید پوز و
یک آزمایشگاه
سطح بالای pci
ایجاد کنیم و
دارای هشتمین
آزمایشگاه بزرگ
دنیا شویم

بانکداری
هوشمند یک
نمود یا بخشی از
ماهیت
بانکداری
دیجیتال است
اگر این دو
مفهوم را
بخواهیم با
یکدیگر مخلوط
کنیم، در
بانکداری
دیجیتال یک

سرویس یا
خدمت ارائه
می کنیم
و بانکداری
هوشمند یعنی
ما از این داده ها
و بسترهایی
که بانکداری
دیجیتال ایجاد
کرده به نوعی
برای ارائه
سرویس ها
استفاده
می کنیم



متناسب، به وجود نخواهد آمد. بانک باید یک دیتای درست از تامین کنندگان و شرکای خود و اشیائی که به بانک وصل هستند و از مرتبطانی مانند فین تک ها و تک پارتی ها و انواع رفتار مصرفی ایجاد کند و در این شرایط است که امکان هوشمندی به وجود می آید.

بنابراین یکی اینکه بانک ضرورتاً باید دیجیتال باشد تا بتواند هوشمندی را ایجاد کند در غیر این صورت به رفتار غیرهوشمند در حوزه هوشمندسازی دچار می شویم. یعنی جای سرمایه گذاری دچار هزینه می شویم.

دومین مسئله نگاه اکوسیستمی است. از نظر بانک مرکزی سیاست گذار و ناظر قادر است مثلاً انواع بانک را تعریف کند و مقررات و آیین نامه بنویسد و بر آنها نظارت کند. اما انواع بانک های جدید که تحت عنوان بانکداری هوشمند و از این دست ظهور کرده اند، نهادهایی نیستند که قابلیت کدگذاری به شکل سنتی بانک مرکزی داشته باشند و به همین دلیل رفتارهای انسدادی به وجود می آید. یعنی بانک مرکزی می گوید الان این حوزه برای من قابل قانون گذاری نیست، پس من جلو فعالیت های آن را می گیرم.

بانک مرکزی ما در این حوزه اگر می خواهد از هوشمندی و قابلیت های آن استفاده کند، اجازه توسعه و نظارت و رگولیشن سیستم را باید به خود بانک ها واگذار کند. چون این برای بانک مرکزی ترسناک است و شاید فکر کند که رفتار از کنترل او خارج می شود، بنابراین رفتار انسدادی در پیش می گیرد.

الان در فضای اقتصادی ایران مشاهده می شود که بانک ها در آخر صف اکوسیستم سازی قرار گرفته اند. برخی پلتفرم ها در اکوسیستم سازی



بانک دیجیتال است. پس اگر دیجیتال نباشد، هوشمندی کامل و رافع نیازهای بانک نیست و نمی تواند در فضایی که قرار دارد، به داده های کافی و وسعت دید مناسب برای استفاده از این ابزارها دست پیدا کند.

یعنی بانک ها الان می توانند هوشمند رفتار کنند. اما اگر بخواهیم بگوییم یک بانک هوشمند است این وصل می شود به دیجیتال بودن آن. یعنی اگر بانک دیجیتال باشد خودش دیتا درست می کند و از چرخه دیتاهای تعریف شده و از آن قواعد تعریف شده دارد به طور هوشمند استفاده می کند. پس این حلقه زمانی کامل می شود و به سرمایه گذاری تبدیل می شود که آن بانک، دیجیتال باشد. اگر دیجیتال نباشد، هوشمندی تعریف درستی نمی پذیرد.

داده های بانکی منظم است اما باقی داده های محیط اینطور نیستند. وقتی من خریدی را انجام می دهم، بانک داده های من را ذخیره می کند. یعنی می داند فرد از فلان صنف خرید انجام داده است، اما اگر بخواهد رفتار خرید من را حدس بزند فقط در صورتی می تواند این کار را انجام دهد که اکوسیستمی دایر باشد. یعنی من به ابزارها یا اکوسیستمی که در آن بانک در حال سرویس دهی است، مثل فروشگاه های اینترنتی، دسترسی داشته باشم و آنجاست که بانک می تواند به ابعاد جدیدی از رفتار مشتری دست یابد و مشاهده کند.

حالا این رفتار لزوماً رفتار نامناسب نیست و می تواند در قالب رفتارهای مصرفی و طراحی تجربه خوش آیند مشتری مورد استفاده قرار گیرد. اگر رفتارها اکوسیستمی نباشد، آن اندازه گیری یا تجزیه و تحلیل کافی برای ایجاد قواعد درست و

بانک ضرورتاً باید دیجیتال باشد تا بتواند هوشمندی را ایجاد کند در غیر این صورت به رفتار غیر هوشمند در حوزه هوشمندسازی دچار می شویم یعنی جای سرمایه گذاری دچار هزینه می شویم

طوری موفق عمل کرده اند که گردش مالی آنها از برخی بانک ها بالاتر است. این کوتاهی بانک ها در مدیریت اکوسیستم است. جای خالی بانک را نگاه می کنیم. در حالی که اعتماد به بانک بیشتر است و بانک ها خیلی اعتمادپذیرتر هستند، عملاً می بینیم که به دلیل ضعف در اکوسیستم سازی، کیف پول مردم در بانک ها خالی تر از پلتفرم ها است. بانک مرکزی باید یک میزانی از آزادی را برای بانک ها ایجاد کند تا بتوانند فضای اکوسیستمی خودشان را ایجاد کنند. بانک ها می توانند وظیفه رگولیشنی خود را انجام دهند. از این رو اگر مقام ناظر و سیاست گذار در مورد کسب و کارهای اکوسیستمی نگاهش را کمی عوض کند می توانیم به سرعت فضای بانکداری دیجیتال را به سمت هوشمندی ببریم. اینجا دیتا لازم است و دیتا سازی نیز یک اکوسیستم نیاز دارد و این دیتا را با استفاده از پلتفرم ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می توانیم ایجاد و استفاده کنیم.

ابنالوئی: دکتر قشمی به درستی فرمودند که فضای دیجیتال در حال حاضر رها شده است. حالا بیاییم و



بینیم فضای درست چیست؟ در سال ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا پروتکل PSD2 را مصوب و در سال ۲۰۱۸ اجباری کرده است. پنج سال است که استاندارد PSD2 در حوزه بانکداری دیجیتال یا اوپن بنکینگ در حال اجرا است. آنجا چه گفته می شود و ما چه میزان با آن تطبیق داریم؟ PSD2 می گوید اگر کسی می خواهد در یک کشوری خدمات مالی ارائه بدهد، اول باید بانک مرکزی او را احراز صلاحیت کند. کار بانک مرکزی اینجا تمام می شود و بعد از احراز صلاحیت، بانک وارد می شود و رگولیشن فین تک ها را بر عهده می گیرد. در واقع وقتی بانک می خواهد به یک فین تک خدمات ارائه دهد، اول چک می کند که آیا مجوز دارد یا خیر. اگر داشت، باز هم در دسته بندی ها

مشخص می شود که تا چه سطحی می تواند به او خدمات ارائه دهد و بعد سرویس در اختیار فین تک قرار می گیرد.

استانداردهایی نیز دارد، مثلاً می گوید اگر فلان خدمات به یک شرکت یا فین تک خاص ارائه شد، نمی تواند در اختیار سایرین قرار نگیرد و فضای رقابت را به هم زد. بانک مرکزی در این پروتکل می گوید اگر کسی از طرف من احراز صلاحیت شد، بانک الزام دارد به آن خدمات بدهد.

این موضوع در ایران برعکس شده و بانک مرکزی به بانک می گوید خودت احراز صلاحیت کن و بنا به صلاح خودت، تصمیم بگیر که به چه کسی سرویس داده شود. همچنین بانک مرکزی می گوید برخی از سرویس ها را اگر می خواهی ارائه کنی، به بانک ارائه کن و بانک مرکزی به فین تک ارائه می کند. یعنی بانک مرکزی در ایران می گوید، بانک با فین تک ارتباط نداشته باشد، بلکه داده ها را در اختیار من بگذارد و احراز صلاحیت فین تک نیز انجام شود تا من سرویس را به آن ارائه کنم.

برای اینکه مشکل را متوجه شویم، باید توجه داشت که بانکداری باز به سمت توزیع شدگی بیشتر می رود و رفتار بانک مرکزی ایران تمرکزگرایانه است.

در واقع وقتی در بستری قرار داشته باشیم که فین تک ها اجازه فعالیت می یابند به سمت توزیع شدگی می رویم و نمی توان در این بستر گرایش به تمرکزگرایی داشت. پس اگر برخلاف این توزیع شدگی، سرویس متمرکز ایجاد کنیم و بگویم که همه اینها از کانال بانک مرکزی توزیع شود، اینها برخلاف استاندارد و تکنولوژی و بانکداری دیجیتال است.

بانک مرکزی می گوید اگر این سرویس از کانال من رد نشود، نمی توانم آن را مدیریت کنم در حالی که دستورالعمل های موجود در دنیا می گوید بانک مرکزی اصلاً نیاز به مدیریت کردن ندارد و این نهاد باید احراز صلاحیت کند و بانک ها مدیریت را خود انجام می دهند. این موضوع تا حل نشود، ارائه خدمات با مشکل ایجاد می شود. اگر بخشی



بانک هوشمند کدام است؟

بانک هوشمند نوعی از بانک دیجیتال است. پس اگر دیجیتال نباشد، هوشمندی کامل و رافع نیازهای بانک نیست و نمی تواند در فضایی که قرار دارد، به داده های کافی و وسعت دید مناسب برای استفاده از این ابزارها دست پیدا کند.

از استاندارد را اجرا کنیم و بخشی را کنار بگذاریم، رفتاری آن به مراتب بیشتر از اجرا نکردن است و نمی‌توان نظارت متمرکز داشت و سرویس‌ها توزیع شده باشد. بنابراین نیاز است تا نظارت توزیع شده را یاد بگیریم.

نکته دیگر این است که هوشمندی در هوش مصنوعی نیست. بانک هوشمند ابزارهای خودش را دارد. البته نباید زیاد مفهوم هوشمندی را وسیع کرد که نتوان دیگر تعریفش کرد. از نظر من بانک هوشمند باید از سمت مشتری هوشمند باشد. یعنی بانکی که تشخیص بدهد که مشتری این سرویس هوشمند را می‌گیرد. اگر این تعریف را در نظر بگیریم، می‌توانیم پلتفرم‌ها و رگولاتورها را نیز در کنارش قرار دهیم.

عظیمی: بحث‌هایی که مطرح شد کاملاً درست بود و اینکه ما باید زیرساخت داشته باشیم و مشتری باید تشخیص دهد که سرویس ارائه شده هوشمند است.

ما باید فضایی ایجاد کنیم که مشتری (سرویس‌گیرنده از بانک) تشخیص دهد که این هوشمند است. اما در نگاهی دیگر باید بحث ورود فین‌تک‌ها و آینده‌پژوهی این اتفاق را بررسی کنیم. نگاه کنیم که الان دنیای پلتفرم و زیرساخت هوش مصنوعی به کجا می‌رود.

طی سال‌های گذشته می‌گفتیم که باید یک دیتا لرن ایجاد کنیم و بخشی برای تجزیه و تحلیل یا پالایش بگذاریم و الگوریتمی داشته باشیم، مسئله را بشناسیم و بدانیم از کدام زیرساخت هوش مصنوعی باید استفاده کنیم و در پایان مسئله را حل می‌کردیم. اما در سه یا چهار سال گذشته یک مفهومی در حوزه هوش مصنوعی به وجود آمد به نام فاندیشنال مدل (Foundational moodle).

در فاندیشنال مدل اینطور مطرح می‌شود که شاید برای شما به صرفه نباشد که یک دیتا را به یک مسئله کوچک تبدیل کنید و آن را با ابزارهای هوش مصنوعی حل کنید. در این روش شما ۱۰۰ برابر دیتایی که دارید را جمع می‌کنید و این مدل‌ها نه تنها آن موضوع مورد نظر را بررسی می‌کند، بلکه ۱۰۰ آنالیز یا حل مسئله یا دیتاسازی دیگر را نیز انجام می‌دهد. بنابراین پلتفرمی که در آینده می‌خواهیم بانکداری را به آن وصل کنیم، باید از حالت جزیره‌ای خارج شود و به سمت تجمع و ساختن چنین دیتایی حرکت کنیم.

حالا چرا هر بانکی به طور مستقل این کار را انجام ندهد؟ چون هزینه ساخت آنها بسیار بالاست. پس در آینده وقتی در مورد دیتاسازی صحبت می‌کنیم

باید برویم به سمت ساخت فاندیشنال مدل‌هایی که سیستم بانکی روی آنها قرار گیرد و هوش مصنوعی روی آنها سوار شده و بعد با تنظیم‌گری و بالانس خیلی کم، سه چهار برابر قبل جواب بگیریم. نکته دیگر اینکه نوآوری در فین‌تک‌ها ایجاد می‌شود، اما یک مقدار فضای تولید فین‌تک‌ها در ایران با فضای موجود در دنیا فرق دارد. یعنی ما باید توجه کنیم به اینکه فین‌تک‌ها چطور ایجاد، نگهداری و مدیریت می‌شوند. بنابراین ایجاد و نگهداری اکوسیستم بانکداری هوشمند برای ایران سخت‌تر و حیاتی‌تر است.

قشقی: هوش را باید مشتری احساس کند و این یک موضوع اساسی است. اما در تمام کارکردهایی که از طرف مشتری



قابل احساس است، مانند بحث مدیریت ثروت که بانک به مشتری پیشنهاد مدیریت دارایی را می‌دهد. اگر این پیشنهاد مدیریت ثروت از طرف بانک ارائه شود می‌تواند بخشی از نیاز مشتری را نیز برطرف کند. البته مشتری نیازهای متعددی دارد مانند اینکه زمان ارائه خدمات کم شود یا فرایند احراز هویت حذف شود، اما اگر بخواهیم بین اینها اولویت‌بندی کنیم، می‌توان بحث مدیریت سرمایه را در اولویت قرار داد.

مثال این را می‌توان در مدیریت زنجیره تامین دید. اگر این موضوع در اکوسیستم قرار گیرد خیلی جذاب است. مثلاً در یکی از بانک‌ها به افراد گفته می‌شود که من یک سبد سرمایه‌گذاری دارم و می‌توانید سرمایه‌گذاری خود را از طریق سبد سرمایه‌گذاری من بهینه کنید. پروژه‌هایی که قطعاً بانک روی آنها نظارت دارد و فرد اگر بیاورد و آنها خرید دین انجام دهد، عملاً این زنجیره کامل اکوسیستم را تحت کنترل خود آورده است.

مسئله اول کشور الان مدیریت سرمایه‌های مردم است و بانکداری دیجیتال و بانکداری هوشمند می‌تواند در این زمینه اثرگذار باشد. هوشمندی می‌تواند این را به یک کار سودآور تبدیل کند. یعنی این طرح اگر هوشمند نباشد می‌تواند شکست بخورد و به هزینه تبدیل شود. پس در حوزه زنجیره تامین شاید تامین‌کننده اشتباه انتخاب شود و پروژه شکست بخورد.

موضوع دیگری که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که مفهوم هوشمندی به شدت درهم تنیده و در حال بلوغ است و این موضوع بازگوکننده آن است که برای ایجاد هوشمندی نیاز به زمان داریم تا بلوغ ایجاد شود.

مثلاً نیاز است چت بات‌ها ۵ یا ۶ سال خود را در

هوشمندی در
هوش مصنوعی
نیست. بانک
هوشمند
ابزارهای
خودش را دارد
البته نباید
زیاد مفهوم
هوشمندی
را وسیع کرد
که نتوان دیگر
تعریفش کرد
بانک هوشمند
باید از سمت
مشتری
هوشمند
باشد. یعنی
بانکی که
تشخیص بدهد
که مشتری
این سرویس
هوشمند را
می‌گیرد

مسئله اول
کشور الان
مدیریت
سرمایه های
مردم است
و بانکداری
دیجیتال و
بانکداری
هوشمند
می تواند در
این زمینه
اثرگذار باشد
هوشمندی
می تواند این
را به یک کار
سودآور تبدیل
کند

۲۶



● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

معرض مکالمه و ارتباط با مشتری قرار دهند و با تکرار خود را ارتقا دهند و توسعه یابند. پس باید بپذیریم که توسعه فین تک ها یا ایجاد هوشمندی در سیستم و ابزارها، نیازمند زمان است و در حال حاضر هزینه این زمان را هیچکس متقبل نمی شود. حتی در دولت نیز نگاه کوتاه مدت داریم و می خواهند به سرعت نتیجه بگیریم. بنابراین اگر از فکر زودبازده بودن فاصله بگیریم و بدانیم که بلوغ زمانبر است، می توانیم بهتر پیش برویم. حمایت واقعی این است که ما هزینه و زمان را برای فین تک ها در نظر بگیریم.

برای ایجاد بانکداری هوشمند چه تغییراتی در سیاست گذاری و رویکردهای بانک مرکزی مورد نیاز است؟

اینالونی: به این موضوع بپردازیم که فضای استارتآپی ایران با کشورهای پیشرو در این زمینه متفاوت است و باید در این فضا چه کار کرد؟ در حال حاضر حمایت ها از شرکت های استارتآپی محدود به تامین سخت افزاری و تامین محیط کسب و کار شده است. این مدل در ایران جواب نمی دهد و مدل نوآوری نیست. این فضای فیزیکی در یک کافی شاپ نیز تامین می شود. حالا راهکار میانه چیست و چکار کنیم که سیستم به بلوغ برسد؟ زیرا که این صبر نیز حدی دارد.

یک مدل و راهکار این است که فین تک روی موضوعی که سرمایه گذار با حمایت کننده تعیین می کند کار کند. پس فضای میانی این است که موضوع از طریق بانک ها یا کارفرما یا حمایت کنندگان داده شود و به استارتآپ ها گفته شود که در این چارچوب کار کنید. که این، احتمال موفقیتش بیشتر است. در مورد سرویس ها، موضوع فضای تجارت است و افراد به دنبال آن هستند که دارایی هایشان مدیریت شود و بانک بتواند از دارایی ها ارزش ایجاد کند. اصل موضوع بحث اقتصادی است و افراد می خواهند برای دارایی هایشان ارزش ایجاد شود. ما روی مالکیت، حاکمیت و مدیریت داده ها نیز بحث داریم و اگر اینها حل نشود، حتما به مشکل برمیخوریم.

عظیمی: وقتی می خواهیم وارد بحث هوش مصنوعی شویم و زیرساخت ها را ایجاد کنیم، مسلماً یک سری موانعی از سمت خود بانک ها به وجود می آید و آنها دوست

دارند سیستمی که ایجاد می شود و الگوریتم هایی که به کار گرفته می شود، توسط بانک قابل فهم و ردیابی باشد. بنابراین وقتی در مورد جهش هوش مصنوعی صحبت می کنیم، باید این موضوع را در نظر بگیریم که در حوزه رگولاتوری نیز باید جهش داشته باشیم.

بحث های نئوبانک و دیگر پایه ها و بسترهایی که وارد شده اند، باعث شد تا نوع بازی تغییر کند و دیگر نمی شود با قواعد قبلی ادامه داد و نیاز است متناسب با این بازی، در مقررات، نظارت و رگولاتوری نیز تغییرات ایجاد کنیم.

قشمی: بحث وظایف بانک مرکزی تابعی از مدل های اقتصادی پذیرفته شده در جامعه است. در مدل های



بسته تر و مبتنی بر مدیریت متمرکز، نقش بانک مرکزی پررنگ تر می شود.

موضوعی که در اینجا مورد توجه قرار می گیرد این است که سیستم بانکداری یا مدیریتی که در اقتصاد ما رایج است، یک مقداری با بحث بانکداری باز تفاوت دارد. در واقع فیزیک اقتصادهای باز، کمی متفاوت با سیستم بانک مرکزی است که در حال حاضر داریم. بانک مرکزی اگر علاوه بر موقعیتش که در بانکداری سنتی حفظ کرده است، یک مقدار در حوزه بانکداری دیجیتال از این موقعیتی که دارد عقب نشینی می کرد و باز بودن و توزیع شدگی را برای بازار می پذیرفت، می توانستیم نتایج بهتری دریافت کنیم.

ما در حال حاضر، در بانک مرکزی رفتار اجرایی را شاهد هستیم. یعنی بانک مرکزی در زمانی که احتیاجات بانکداری دیجیتال یا حوزه فین تک مطرح شد، حتی قائل به توسعه اکوسیستمی نبود و اینکه هر اکوسیستم می تواند رگولاتور خود را داشته باشد و تمرکزگرایی را کم کنیم را باور نداشت. در حال حاضر بانک مرکزی دارد وارد اجرا می شود و سیستم طراحی و توسعه می دهد که چندان جالب نیست. اگر حوزه بانکداری دیجیتال و رفتار اکوسیستمی را همانگونه که آن بازار می طلبد رگولیشن کنیم، می توانیم نتیجه بهتری بگیریم.

در پایان لازم به ذکر است که دهمین همایش سالانه بانکداری الکترونیک و نظام های پرداخت با موضوع «گذار به بانکداری هوشمند» در تاریخ ۲۹ و ۳۰ آبان ۱۴۰۲ به همت پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی و با حمایت شرکت ملی انفورماتیک در سالن همایش های بین المللی صدا و سیما برگزار می شود.



بازیگران ناترازی در نظام بانکی

- خلق نقدینگی مازاد بر تولید یکی از عوامل اصلی تورم است
- یکی از اثرات ناترازی نظام بانکی، افزایش رشد نقدینگی است
- دارایی‌های منجمد در ترازنامه بانک‌ها چالش‌هایی از جمله کاهش نقدینگی و ریسک عملیاتی به همراه دارند
- تسهیلات بی کیفیت را می‌توان به عنوان یکی از عوامل موثر در تداوم ناترازی بانک‌ها عنوان کرد

ناترازی نظام بانکی یک مسئله جهانی است که بسیاری از کشورها در مقاطع مختلف با این چالش روبه‌رو بوده‌اند و بانک‌های ناتراز با مشکلات مالی و اعتباری متعددی مواجه می‌شوند و ممکن است بحران‌های گوناگونی را در سطح کلان به اقتصاد وارد کند. عوامل متعددی بر ناترازی نظام بانکی در دنیا و به طور خاص در ایران اثرگذار است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

تسهیلات بی کیفیت را می‌توان به عنوان یکی از عوامل موثر در تداوم ناترازی بانک‌ها عنوان کرد. این تسهیلات عموماً وام‌هایی است که بانک به مشتریان خود اعطا می‌کند و به دلایل مختلف، مشتریان قادر به بازپرداخت آنها نیستند. این تسهیلات به عنوان دارایی در ترازنامه بانک ثبت می‌شوند، اما ممکن

در ادبیات اقتصادی، ناترازی نظام بانکی به عدم تطابق بین دارایی‌ها و بدهی‌های ترازنامه بانک‌ها اشاره دارد. به بیان دیگر، وجود ناترازی در شبکه بانکی به معنای عدم توازن میان دارایی‌هایی است که بانک‌ها در اختیار دارند و همچنین بدهی‌هایی که بانک‌ها به سایر افراد یا نهادها دارد. ناترازی بانک‌ها می‌تواند منجر به عدم توانایی بانک در تأمین نیازهای مالی مشتریان و سپرده‌گذاران و در نتیجه به بحران بانکی منجر شود. از سوی دیگر خلق نقدینگی مازاد بر تولید یکی از عوامل اصلی تورم است و یکی از اثرات ناترازی نظام بانکی، افزایش رشد نقدینگی است و رسیدگی به وضعیت ترازنامه بانک‌ها، یکی از الزامات مهم در مهار تورم است.



ناترازی نظام بانکی یک مسئله جهانی است که بسیاری از کشورها در مقاطع مختلف با این چالش روبه رو بوده اند



است از طریق کانال کاهش سودآوری منجر به کاهش سرمایه بانک شود. بانک مرکزی در دوره جدید، تمرکز ویژه ای بر این قلم دارایی بانک ها کرده است و با اجرای سیاست احتیاطی کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک ها، اجازه نداده بانک های ناتراز مانده تسهیلات خود را همچون سابق و بدون در نظر گرفتن سایر متغیرها افزایش دهند.

عدم صحت ارزشگذاری دارایی های بانک ها نیز از دیگر بازیگران ناترازی نظام بانکی است. بانک ها ممکن است ارزش دارایی های خود را به طور نادرست تعیین کنند یا از روش های نامناسبی برای ارزشگذاری استفاده کنند. این موضوع می تواند منجر به وجود اطلاعات نادرست در ترازنامه بانک شود و به ناترازی نظام بانکی منجر شود. همچنین ماهیت تورمی اقتصاد ایران منجر شده تا ارزش برخی اقلام دارایی بانک ها، همچون املاک و مستغلات به روز نباشد که چالش هایی را به وجود می آورد.

شیوه مدیریت و اداره بانک ها و به طور کلی حکمرانی بانکداری را نیز می توان به عنوان یکی دیگر از مواردی برشمرد که بر ناترازی نظام بانکی دامن می زند. به عنوان نمونه بانک ها ممکن است سیاست های نامناسبی در مدیریت ریسک داشته باشند. این موضوع می تواند منجر به اعطای وام های بدون تحقیق و بررسی کافی، عدم توجه به ارزشگذاری صحیح دارایی ها، عدم اعتبارسنجی مشتریان و اعطای تسهیلات به اشخاص وابسته و شرکت های زیرمجموعه شود.

عدم پایبندی به قوانین و مقررات از جمله دیگر عواملی است که موجب ناترازی بانک ها در طول سال های گذشته شده است. بانک ها ممکن است قوانین و مقررات مالی را رعایت نکنند و عملکرد بعضا نامناسب بانک ها همچون اعطای تسهیلات کلان بی ضابطه، عدم مدیریت ریسک و کفایت سرمایه، عدم

پایبندی به نرخ سپرده قانونی و عدم پایبندی به ضوابط اعطای تسهیلات به اشخاص وابسته و شرکت های زیرمجموعه، ناترازی شبکه بانکی را تشدید کند.

برای مقابله با ناترازی نظام بانکی، بسیاری از کشورها اقدامات مختلفی را انجام داده اند. این اقدامات شامل تقویت نظارت و کنترل بر بانک ها توسط مقام ناظر یعنی بانک مرکزی، تغییر در سیاست ها و مقررات مالی، ارتقاء شفافیت و افزایش آگاهی عمومی درباره ریسک های بانکی و تشدید تحقیقات و بازرسی های مقام ناظر می شود.

لزوم توجه به افزایش کیفیت سمت راست ترازنامه

پیش تر به عدم برخورداری کیفیت لازم برخی از ردیف های اقلام دارایی بانک ها اشاره شد. یکی دیگر از ردیف های سمت راست ترازنامه

بـرش



چگونه ناترازی بانک ها تشدید می شود؟

بانک ها ممکن است ارزش دارایی های خود را به طور نادرست تعیین کنند یا از روش های نامناسبی برای ارزشگذاری استفاده کنند. این موضوع می تواند منجر به وجود اطلاعات نادرست در ترازنامه بانک شده و به ناترازی نظام بانکی منجر شود.



شیوه مدیریت
و اداره بانک‌ها
و به طور کلی
حکمرانی
بانکداری را
نیز می‌توان
به عنوان یکی
دیگر از مواردی
بر شمرده که بر
ناترازی نظام
بانکی دامن
می‌زند

ارزش دارایی‌های خارجی مانند ارز کشورهای گوناگون ممکن است در طول زمان تغییر کند و بانک را در معرض ریسک بیشتر قرار دهد. دارایی منجمد، بانک را با ریسک نقدینگی نیز مواجه خواهد کرد. وجود دارایی‌های منجمد باعث افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود و اگر بانک نتواند دارایی‌های منجمد را به سرعت به نقدینگی تبدیل کند، ممکن است نتواند نیازهای نقدینگی خود را برآورده کرده و در معرض چالش‌های جدی قرار گیرد. به طور کلی، دارایی‌های منجمد در ترازنامه بانک‌ها چالش‌هایی از جمله کاهش نقدینگی، ریسک عملیاتی، عدم تطابق زمانی، ریسک نقدینگی و برخی هزینه‌های نگهداری را به وجود می‌آورند.

لزوم توجه به آثار تسهیلات تکلیفی

عواملی که پیش‌تر به عنوان بازیگران ناترازی نظام بانکی بر شمرده شد، عموماً یا درون‌زا بودند یا بانک‌ها در کنترل آن می‌توانستند نقش ایفا کنند، اما یکی از مواردی که تحت اختیار بانک‌ها نیست و دولت‌های مختلف یا مجلس به نظام بانکی تحمیل می‌کنند، تسهیلات تکلیفی است. تسهیلات تکلیفی در ناترازی نظام بانکی نیز در سال‌های گذشته نقش داشته و چالش‌هایی را برای بانک‌ها به وجود آورده است. تسهیلات تکلیفی باعث افزایش ریسک اعتباری بانک می‌شود و زمانی که بانک به مشتریان خود تسهیلات تکلیفی یا شبه تکلیفی اعطا می‌کند، احتمال عدم بازپرداخت این تسهیلات بالاست و تسهیلات را در معرض نکول قرار می‌دهد.

تسهیلات تکلیفی ممکن است منجر به کاهش سودآوری بانک شود و این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر توانایی بانک در اعطای وام‌های دیگر داشته باشد. همچنین وجود تسهیلات تکلیفی باعث افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود. اگر تسهیلات تکلیفی به سرعت بازپرداخت نشود، ممکن است بانک نتواند نیازهای نقدینگی خود را برآورده کند و در معرض ریسک نقدینگی قرار گیرد. به طور کلی، تسهیلات تکلیفی در ناترازی نظام بانکی، عواملی از جمله کاهش سرمایه، ریسک اعتباری، کاهش سودآوری و ریسک نقدینگی را به وجود می‌آورند و باید همزمان با حل چالش‌های ناترازی نظام بانکی، سازگار تخصیص تسهیلات تکلیفی نیز به موازات ساماندهی شود.



بانک‌ها که نقش مهمی در ناترازی برخی بانک‌های کشور دارد، دارایی خارجی بانک‌ها است که ممکن است به آن دارایی دسترسی نداشته باشند و منجر به کاهش کیفیت این ردیف دارایی می‌شود. همچنین در طول زمان بخشی از بدهی‌های بخش دولتی یا غیردولتی به مطالبات غیرجاری تبدیل شده و بخشی از تسهیلات نکول شده و عملاً بانک به آن دارایی دسترسی ندارد و به اصطلاح منجمد است. در نتیجه یکی از الزامات رسیدگی به موضوع ناترازی بانک‌ها، توجه به افزایش کیفیت سمت راست ترازنامه بانک‌ها است.

دارایی منجمد در ترازنامه بانک‌ها به معنای دارایی‌هایی است که به طور معمول نمی‌تواند به سرعت به نقدینگی تبدیل شود. این دارایی‌ها ممکن است شامل تسهیلاتی باشند که تسهیلات‌گیرندگان قادر به بازپرداخت آنها نباشند یا دارایی‌های غیرقابل نقل و انتقال مانند دارایی‌های خارجی را شامل شوند. دارایی منجمد در ترازنامه بانک‌ها چالش‌هایی را به وجود می‌آورند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. وجود دارایی‌های منجمد باعث کاهش نقدینگی بانک می‌شود و این مسئله ممکن است هنگامی که بانک نیاز به پرداخت نقدینگی فوری دارد، مشکلاتی را به وجود آورد.

همچنین دارایی‌های منجمد معمولاً با ریسک عملیاتی بیشتری همراه هستند. به عنوان مثال،



بن شالوم برنکی ناخدای فدرال رزرو

● برنکی در سال ۲۰۰۷ با ظهور اولین نشانه‌های بحران اقتصادی، نرخ بهره بین بانکی را کاهش داد

● برنکی در یک ابتکار عمل منحصر به فرد، پول را به صورت گسترده در بازار عرضه کرد و بدین ترتیب، ارزش پول و نرخ بهره کاهش یافت

● نتیجه اقدامات برنکی برای مهار بحران مالی ۲۰۰۸ در مسند ریاست فدرال رزرو، موجب کاهش نرخ بیکاری شد

● سرعت گردش سپرده‌های دیداری و سپرده‌های پس انداز از سال ۲۰۰۸ به شدت کاهش یافته، به طوری که به کمترین میزان خود در ۶۰ سال اخیر در آن بازه رسید

تولد، کودکی و خانواده نوبلیست نابغه اقتصادی از زبان خودش

بن برنکی، با نام کامل بن شالوم برنکی، در بخش‌های کوتاهی از کتاب مشهور و پرفروش "شجاعت عمل: خاطرات یک بحران و پیامدهای آن" که در سال ۲۰۱۵ به چاپ رسید و پس از آن، ۲۷ مرتبه دیگر تجدید چاپ شد، در باب تولد، کودکی و خانواده خود چنین می‌گوید:

"من، بن شالوم، فرزند اول یک خانواده یهودی مهاجر اتریشی - لهستانی، در واپسین روزهای سرد سال ۱۹۵۳ یعنی در تاریخ ۱۳ دسامبر، در آگوستای جورجیا به دنیا آمدم، اما در خیابان جفرسون شرقی در دیلون، ایالت کارولینای جنوبی، کودکی و نوجوانی خود را گذراندم. پدرم، فیلیپ برنکی، یک داروساز و مدیر سالن تئاتر بود که به همراه عموی من، جرارد برنکی، مالک و مدیر داروخانه‌ای بودند که از پدر بزرگم، یوناس برنکی، خریداری کرده بودند. مادرم، ادنا، معلم دلسوز یک مدرسه ابتدایی در دیلون بود که پس از به دنیا آمدن من، شغل خود را به عنوان معلم دبستان رها کرد و در داروخانه

خانوادگی، مشغول به کار شد. پس از من نیز دو خواهر و یک برادر کوچکتر به دنیا آمدند و برنکی را تبدیل به یک خانواده شاد ۶ نفره کردند. برادرم، ست، امروز یک وکیل زبده در کارولینای شمالی است و خواهرانم، شارون و مدیسانا، در حوزه آکادمیک در موسیقی فعالیت دارند که من به هر سه آنها، به شدت افتخار می‌کنم (برنکی، ۲۰۱۵)." .

بن شالوم و کنش‌هایی که معلمان را شگفت زده کرده بود

بن برنکی در دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود، شرایط جالبی را پشت سر گذاشت. تمکن مالی خاندان برنکی، آنها را در زمره خانواده‌های متوسط رو به بالای شهر قرار داده بود، اما بن شالوم، علاقه وافری به کار کردن، در کنار تحصیل داشت و تلاش می‌کرد، تامین هزینه‌های تحصیل را به دوش خانواده نیا نندازد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

او ابتدا در داروخانه پدر و عموی خود، مشغول به کار شد و سپس در دوران نوجوانی، در



وام‌های مسکن
فروخته شده به
صاحبان خانه‌ها
در ایالات متحده
عامل اصلی
مجموعه‌ای
از رویدادهای
اقتصادی
بحران آفرین
سال ۲۰۰۸ شده
بود که به موجب
آن، تریلیون‌ها
دلار ضرر بر
اقتصادهای
سراسر جهان
تحمیل شد



دوران ابتدایی در مدرسه شرقی، هم در دوران دبیرستان در J.V. مارتین و دبیرستان دیلون ادامه پیدا کرد، به طوری که بن در سال ۱۹۶۵ در مسابقه ملی پژوهش در ریاضیات ایالات متحده، با کسب بالاترین امتیاز ممکن در آزمون، به عنوان جوان‌ترین "محقق شایسته"، برنده جایزه ۱۵۰۰ دلاری شد (برنکی، ۲۰۱۵).

ورود به هاروارد، سرآغاز شکوفایی آکادمیک در زندگی برنکی

بن برنکی، در سال ۱۹۷۱، موفق به پذیرش در دوره لیسانس اقتصاد دانشگاه هاروارد شد. وی در دوران تحصیل خود دانشجویی تراز اول و ممتاز بود که همین امر موجب شد پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه هاروارد، بلافاصله در سال ۱۹۷۵، بورس کامل تحصیلی دوره دکتری رشته فلسفه اقتصاد را از موسسه فناوری ماساچوست (MIT) اخذ نموده و در سال ۱۹۷۹ با ارائه رساله‌ای با عنوان "تعهدات بلندمدت، بهینه‌سازی پویا و چرخه تجاری" با راهنمایی پروفسور استنلی فیشر، فارغ

بیمارستانی در حال ساخت، فعالیت می‌کرد. قبل از رفتن به کالج، در رستورانی در نزدیکی جنوب دیلون و پس از آن در یک پارک تفریحی، در نزدیکی زادگاهش در هامر، کارولینای جنوبی، کار می‌کرد (ویکیپدیا، ۲۰۲۳). به گفته خودش، بن برای تامین هزینه‌های کالج، در سراسر تابستان‌ها در جنوب دیلون، مشغول به فعالیت و کار مستمر بوده و از این موضوع، به شدت لذت می‌برده است (برنکی، ۲۰۱۵). همچنین بن با وجود سن کم، استعداد یادگیری منحصر به فردی در مواد درسی مختلف داشت. او عاشق ریاضیات بود و در موقع زنگ تفریح، که همه بچه‌ها در حال استراحت بودند، در کلاس درس می‌ماند و مسائل ریاضی را حل می‌کرد. بارها پیش آمده بود که معلمان در هنگام عبور از کلاس‌ها، متوجه نوجوانی می‌شدند که با شوق و ذوق، در حال خواندن کتاب حساب دیفرانسیل و انتگرال بود که از هم‌قطاران دبیرستانی خود قرض گرفته بود. همین مسئله معلمان او را شگفت‌زده کرده بود (بریتانیکا، ۲۰۲۳). به گفته برنکی، موفقیت‌های وی، هم در



حجم اوراق
خریداری شده
توسط فدرال
رزرو از سال ۲۰۰۸
تا سال ۲۰۱۴ از
۵۰۰ میلیارد دلار
تا ۴۲۰۰ میلیارد
دلار افزایش
یافت و حدوداً ۴
برابر شد

التحصيل شود (موسسه بروکینگز، ۲۰۲۳).

برننکی پس از اتمام دوره دکتری در ماساچوست، به دلیل علاقه وافر به فضای آکادمیک و تخصص بالا در این زمینه، از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ به عنوان استادیار رشته اقتصاد و از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ به عنوان دانشیار در دانشکده تحصیلات تکمیلی بازرگانی استنفورد، به تدریس دروس مختلفی همچون اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد پولی و تاریخ اقتصاد پرداخت. در همین بازه زمانی مذکور نیز، برننکی به عنوان استاد مدعو آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های نیویورک و MIT، مشغول به کار بود. بن از سال ۱۹۸۵ تا زمان ریاست بر فدرال رزرو در سال ۲۰۰۶، به عنوان استاد رشته اقتصاد و امور عمومی در حوزه تاریخ اقتصاد و اقتصاد کلان، در دانشگاه پرینستون به فعالیت خود ادامه داد و در این مدت، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲، به عنوان ریاست دپارتمان اقتصاد این دانشگاه منصوب شد (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).

فعالیت‌های علمی و اختراعات آکادمیک رئیس برننکی

بن شالوم برننکی جز معدود اقتصاددانان جهان است که هم در حوزه اقتصاد خرد و هم در حوزه اقتصاد کلان، متخصص و صاحب‌نظر محسوب شده و سال‌های متمادی است که کتب تالیفی درسی وی در هر دو شاخه مذکور، به عنوان منبع و رفرنس اصلی در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌های مطرح جهان نظیر هاروارد، استنفورد و پرینستون، تدریس می‌شود (موسسه بروکینگز، ۲۰۲۳).

به گفته خود برننکی، وی بیش از ۴۰ سال است که به مطالعه، تدریس و پژوهش علمی در شاخه‌های مختلف اقتصاد نظیر "اقتصاد پولی"، "اقتصاد کلان مدرن"، "بحران‌های مالی"، "هدف‌گذاری‌های تورمی"، "سیاست‌های پولی

صنعت بانکداری" و "تاریخ اقتصاد" پرداخته و در این سال‌ها، کتب، مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های متعدد و متنوعی از وی در نشریات، مجلات و خبرگزاری‌های مشهور جهان، به چاپ رسیده است (برننکی، ۲۰۱۵). بخشی از فعالیت‌های پرربار آکادمیک رئیس برننکی، شامل کتب علمی مختلف به شرح زیر است:

- کتاب "سیاست پولی سیستماتیک و آثار شوک قیمت نفت"، همراه با گرتلر و واتسون، سال ۱۹۹۷
- کتاب "اقتصاد کلان"، سال ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴
- ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹
- کتاب "هدف‌گذاری تورمی: درس‌هایی از تجربیات بین‌المللی" همراه با لوباخ، میشکین، پوسن و آدام، سال ۲۰۰۱
- کتاب "مقالاتی در باب رکود بزرگ در اقتصاد آمریکا"، سال ۲۰۰۴
- کتاب "مباحث در باب هدف‌گذاری تورمی، کتاب ۳۲ دفتر ملی مطالعات تحقیقات اقتصادی در موضوع چرخه‌های تجاری"، همراه با وودفورد، سال ۲۰۰۷
- کتاب "اصول اقتصاد کلان"، همراه با رابرت فرانک، سال ۲۰۱۲
- کتاب "مجموعه مقالات مالی بین‌الملل: جریان‌های سرمایه بین‌الملل و بازگشت به دارایی‌های ایمن در ایالات متحده"، سال ۲۰۱۳
- کتاب "مجموعه مباحث مالی و اقتصاد: جایگزین‌های سیاست پولی در مرز صفر: یک ارزیابی تجربی"، سال ۲۰۱۳
- کتاب "موارد انتخابی در اقتصاد خرد"، سال ۲۰۱۳
- کتاب "شجاعت عمل: خاطرات یک بحران و پیامدهای آن"، سال ۲۰۱۵
- کتاب "فدرال رزرو و بحران مالی"، سال ۲۰۱۵
- کتاب "یادداشت‌هایی از شجاعت عمل"،



مهم‌ترین تصمیم فدرال رزرو در دوران بن برننکی

به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی، برننکی، مهم‌ترین رئیس فدرال رزرو در تاریخ این نهاد محسوب می‌شود، زیرا کمی پس از آغاز به کار او در جایگاه ریاست بانک مرکزی آمریکا، بزرگترین بحران مالی ۳۰ سال اخیر ایالات متحده به وقوع پیوست و بن برننکی با تمام توان علمی و مدیریتی خود با استفاده از اختیارات اضطراری و هزینه‌کرد بیش از یک تریلیون دلار، اقتصاد این کشور را از ورطه نابودی محض نجات داد.

سال ۲۰۱۶

- کتاب "اطفای حریق: بحران مالی و درس‌های آن"، سال ۲۰۱۹
- کتاب "اولین پاسخ دهندگان: استراتژی داخلی ایالات متحده برای مبارزه با بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۹"، همراه با گتنروپولسن، سال ۲۰۲۰

- کتاب "سیاست پولی قرن بیست و یکم: فدرال رزرو از تورم بزرگ تا کووید ۱۹"، سال ۲۰۲۲
- کتاب "اقتصاد کلان نوین"، همراه با اندرو آبل و دین کروشور، سال ۲۰۲۳ (آمازون، ۲۰۲۳)
- همچنین بخش دیگری از کارنامه درخشان بن برنکی، به افتخارات علمی و آکادمیک ملی و بین‌المللی وی تعلق دارد:
- عضویت در انجمن اقتصاد سنجی ایالات

متحد، ۱۹۹۷

- عضویت در آکادمی هنر و علوم آمریکا، ۲۰۰۱
- عضویت در انجمن فلسفه آمریکا، ۲۰۰۶
- کسب جایزه رهبری برجسته دولتی از مدرسه بازرگانی کلمبیا، ۲۰۰۸
- در سال ۲۰۰۹، کمیسیون دپارتمان حمل و نقل کارولینای جنوبی (SCDOT) قطعنامه‌ای را در ۲۱ فوریه تصویب کرد تا خروجی ۱۹۰ را در امتداد بزرگراه بین ایالتی ۹۵ در شهرستان دیلون، به نام بن برنکی نامگذاری کند.

- انتخاب به عنوان مرد سال مجله تایم، ۲۰۰۹
- دریافت جایزه مرزهای دانش بنیان از دپارتمان "اقتصاد، مالی و مدیریت BBVA"، ۲۰۲۰
- عضویت در آکادمی ملی علوم، ۲۰۲۱
- دریافت جایزه نوبل اقتصاد همراه با داکلاس دیلیو دایموند و فیلیپ اچ. دیویگ، ۲۰۲۲ (ویکپدیا، ۲۰۲۳)

برنکی بر بلندای علمی جهان، او شایسته دریافت نوبل اقتصاد بود

بن برنکی در سال ۲۰۲۲ موفق شد جایزه نوبل اقتصاد را به طور مشترک با دو اقتصاددان دیگر یعنی داکلاس دایموند و فیلیپ اچ. دیویگ به جهت "پژوهش در مورد بانک‌ها و بحران‌های مالی، به ویژه ارائه تحلیل پیچیده و ساختارمند از رکود بزرگ ۱۹۳۰"، دریافت کند. پایه‌های تحقیقات بانکداری مدرن توسط برنکی، دایموند و دیویگ در اوایل دهه ۱۹۸۰ پایه‌گذاری شده بود. پژوهش این ۳ دانشمند اقتصادی که منجر به دریافت نوبل در علوم اقتصادی برای آنها شد، از طریق تجزیه و تحلیل آماری و تحقیقات منابع تاریخی، نشان داد که چگونه بانک‌های ورشکسته، نقش تعیین‌کننده‌ای در

رکود جهانی دهه ۱۹۳۰ ایفا کردند. آنها در تحقیق خود اذعان داشتند که بحران‌های بانکی به طور بالقوه می‌توانند عواقب فاجعه باری برای کل نظام اقتصادی ملی و بین‌المللی کشورها داشته باشند که چنین بینشی، اهمیت وجود مقررات بانکی متناسب و منعطف را بیش از پیش نشان می‌دهد (سایت آکادمی نوبل، ۲۰۲۳).

دوران حرفه‌ای کاری بن برنکی و آمادگی برای ریاست فدرال رزرو

عمده فعالیت‌های دوران حرفه‌ای کاری برنکی در حوزه دانشگاهی و علمی بوده است، اما وی سال‌ها نیز در سطوح بالای مدیریت شغلی، حضور موثری داشته که برخی از آنها شامل موارد زیر است:

- عضویت در هیأت رئیسه شورای حکام فدرال رزرو، ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵
- رئیس شورای مشاوران اقتصادی ریاست جمهوری آمریکا در زمان جرج دبلیو بوش (پسر)، ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۵
- ریاست بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) در دو دوره متوالی، ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ (موسسه بروکینگ، ۲۰۲۳)

آغاز سکنداری بن برنکی بر امپراطوری فدرال رزرو

به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی، برنکی، مهم‌ترین رئیس فدرال رزرو در تاریخ این نهاد محسوب می‌شود، زیرا کمی پس از آغاز به کار او در جایگاه ریاست بانک مرکزی آمریکا، بزرگترین بحران مالی ۳۰ سال اخیر ایالات متحده به وقوع پیوست و بن برنکی با تمام توان علمی و مدیریتی خود با استفاده از اختیارات اضطراری و هزینه کرد بیش از یک تریلیون دلار، اقتصاد این کشور را از ورطه نابودی محض نجات داد (بریتانیکا، ۲۰۲۳).

سکنداری بن برنکی بر امپراطوری فدرال رزرو از یک فوریه ۲۰۰۱ آغاز و پس از نزدیک به ۸ سال (۷ سال و ۳۶۴ روز)، در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۱۴ به پایان رسید. بن برنکی، دور اول مدیریت خود بر فدرال رزرو را در زمان ریاست جمهوری جرج بوش (پسر) تجربه کرد و پس از به روی کار آمدن باراک اوباما، با اعتماد مجدد رئیس جمهوری جدید آمریکا، بار دیگر هدایت این نهاد مهم پولی و مالی را بر عهده گرفت (فدرال رزرو هیستوری، ۲۰۲۳).

گسترش شفافیت سیاست‌های پولی، اولین مأموریت برنکی در بدو ورود به فدرال رزرو
برنکی در کتاب "شجاعت عمل: خاطرات

موسسه مالی
واشنگتن
میوچوال نیز با
۳۰۷ میلیارد دلار
دارایی
طی ماه سپتامبر
۲۰۰۸ اعلام
ورشکستگی کرد
که این واقعه
بزرگ‌ترین
ورشکستگی
بانک‌ها در تاریخ
آمریکا به شمار
می‌رفت

۳۳



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

میزان ذخیره
بانک‌ها از سال
۲۰۰۸ تا سال
۲۰۱۴ از حدود
۱۰ میلیارد دلار
به ۲۵۰۰ میلیارد
دلار و میزان
ذخیره مازاد
بانک‌ها از سال
۲۰۰۸ تا سال
۲۰۱۴ از حدود ۲
میلیارد دلار به
۲۰۰۰ میلیارد دلار
افزایش یافت

یک بحران و پیامدهای آن"، در باب اولین هدف خود پس از قرار گرفتن برسکان هدایت فدرال رزرو و اوقات پراشتاب آن روزها می‌گوید: " هنگامی که در فوریه ۲۰۰۱، بر مسند ریاست فدرال رزرو قرار گرفتم، شرایط سختی را تجربه کردم. می‌دانستم دیر یا زود، بحران خانه‌های رهنی، گریبان اقتصاد آمریکا را خواهد گرفت و من چاره‌ای جز آمادگی برای رویارویی با روزهای سخت پیش‌رو ندارم.

در تاریخ ۷ فوریه، مدیران کل مناطق فدرال رزرو را برای یک صبحانه کاری به دفتر خود دعوت کرده و اعلام کردم که اولویت اول همه ما تا پایان سال ۲۰۰۱، تلاش برای گسترش شفافیت اقدامات و تصمیم‌سازی‌های فدرال رزرو، بویژه شفاف‌تر کردن و باز کردن سیاست‌های پولی تا حد امکان، در جهت پاسخگویی بهینه به جراید، رسانه‌ها، متخصصان اقتصادی و افکار عمومی، خواهد بود. من در آن زمان، مانند امروز، معتقد بودم شفافیت در سیاست‌های پولی، عنصر اساسی استراتژی فدرال رزرو برای دستیابی به اهداف اقتصادی بوده و خواهد بود و عقیده داشتم که این اقدامات شفاف‌سازانه، درک و اعتماد عمومی را افزایش داده، افعال آگاهانه را در مورد ترویج گزینه‌های سیاستی متنوع، توسعه می‌دهد، مسئولیت‌پذیری سیاست‌گذاران پولی را در قبال اهداف تعیین‌شده، بالا برده و در نهایت، اثرگذاری سیاست‌ها را با تشدید ارتباط بین آنها، بهبود می‌بخشد. البته دیری نپایید که قانون اصلی تلاش‌های ما در فدرال رزرو، معطوف واکنش به بحران مالی و پیامدهای آن شد، اما فعالیت‌های شفافیت‌گستر ما در همین یک سال و ۵ ماه،

عمق بحران مالی ۲۰۰۸ را کاهش داد (برنکی، ۲۰۱۵).

بن برنکی معتقد بود که انتظارات عمومی در باب اقدامات سیاست پولی آتی، برای امروز هر اقتصادی اهمیت دارد زیرا این انتظارات، تأثیرات مهمی بر شرایط مالی جاری داشته که این امر به نوبه خود بر تولید، اشتغال و تورم در طول زمان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، از آنجایی که سرمایه‌گذاران می‌توانند آزادانه بین نگهداری یک اوراق بهادار بلندمدت یا جایجایی یک سری اوراق بهادار کوتاه مدت انتخاب کنند، امروزه نرخ‌های بهره بلندمدت، ارتباط نزدیکی با انتظارات فعالان بازار در مورد چگونگی تحول نرخ‌ها در کوتاه‌مدت دارد (بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۱۳).

بر مبنای همین رویکرد، کمیته بازار آزاد فدرال (FOMC) در بیانیه‌ای در آگوست ۲۰۰۱، اهداف و استراتژی سیاست‌های فدرال رزرو در دوره جاری را به صورت رسمی و عمومی، اعلام کرد. در این بیانیه، فدرال رزرو به طور شفاف، ماموریت دوگانه اهداف سیاست پولی خود از کنگره آمریکا را، حداکثرسازی اشتغال و ثبات قیمت‌ها اعلام کرد. در چارچوب ماموریت دوگانه FOMC، کمیته، ثبات قیمت را مطابق با هدف تورمی بلندمدت دو درصدی قرار داده و در بخش اشتغال، ماموریت خود را به رساندن نرخ بیکاری به زیر محدوده نرمال بلندمدت یعنی بین ۵٫۲ تا ۶ درصد تعیین کرد (برنکی، ۲۰۱۳).

بحران مالی ۲۰۰۸، بدترین فاجعه اقتصادی برای بن برنکی

سال پرتلاطم و دهشتناک ۲۰۰۸ بالاخره آغاز شد.

بـرش



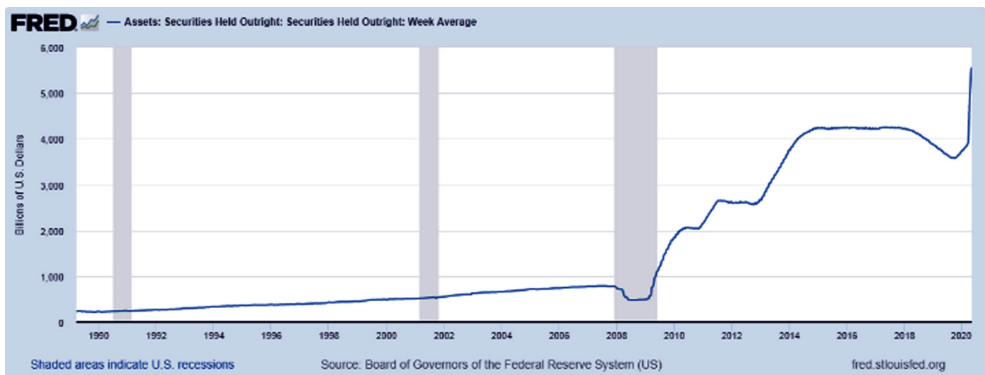
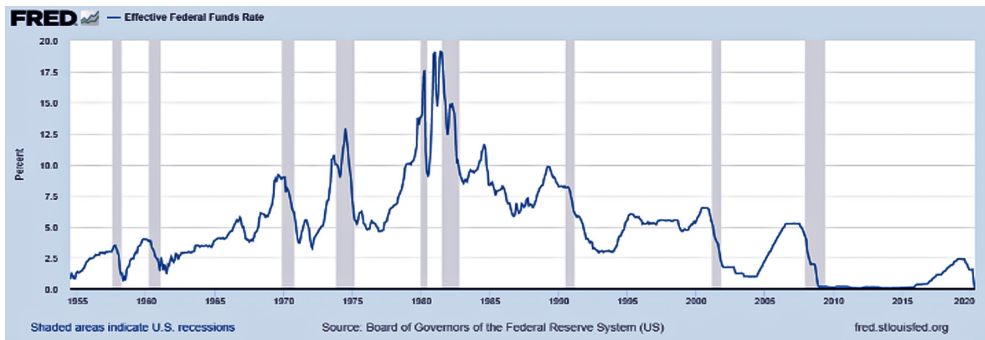
فروکش کردن عمق بحران مالی سال ۲۰۰۸

من در آن زمان، مانند امروز، معتقد بودم شفافیت در سیاست‌های پولی، عنصر اساسی استراتژی فدرال رزرو برای دستیابی به اهداف اقتصادی بوده و خواهد بود و عقیده داشتم که این اقدامات شفاف‌سازانه، درک و اعتماد عمومی را افزایش داده، افعال آگاهانه را در مورد ترویج گزینه‌های سیاستی متنوع، توسعه می‌دهد، مسئولیت‌پذیری سیاست‌گذاران پولی را در قبال اهداف تعیین‌شده، بالا برده و در نهایت، اثرگذاری سیاست‌ها را با تشدید ارتباط بین آنها، بهبود می‌بخشد. البته دیری نپایید که قانون اصلی تلاش‌های ما در فدرال رزرو، معطوف واکنش به بحران مالی و پیامدهای آن شد، اما فعالیت‌های شفافیت‌گستر ما در همین یک سال و ۵ ماه، عمق بحران مالی ۲۰۰۸ را کاهش داد.

۳۴



• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •



نمودار ۱۰

آمریکا بود که هر سهم این موسسه به قیمت ۱۰ دلار به موسسه جی پی مورگان فروخته شد، این در حالی بود که قیمت سهام این موسسه مالی، در سال گذشته میلادی بیش از ۱۵۴ دلار دادوستد می شد. موسسه مالی لمن برادرز هم بعد از ۱۰۰ سال فعالیت، طی ماه سپتامبر ۲۰۰۸ اعلام ورشکستگی کرد (برننکی، ۲۰۱۳).

ورشکستگی و بحران مالی موسسات مالی و بانک های آمریکایی، سرمایه گذاران بین المللی را با شوک جدی رو به رو کرد. پس از ورشکستگی موسسه لمن برادرز، دولت آمریکا و مقام های فدرال رزرو و وزارت دارایی به فکر نجات سایر بانک ها و موسسات مالی این کشور افتادند. دیگر مردم آمریکا به هیچ بانک سرمایه گذاری اعتماد نداشتند و بازار سهام نیز با ناطمینانی شدیدی رو به رو شده بود (برننکی، ۲۰۲۲).

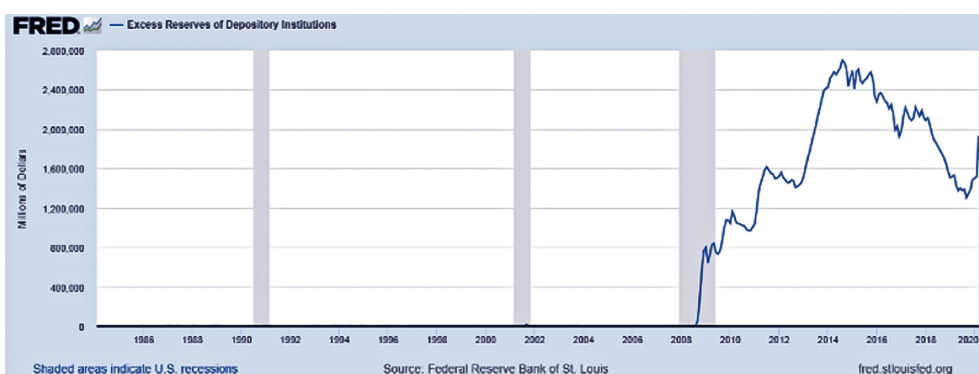
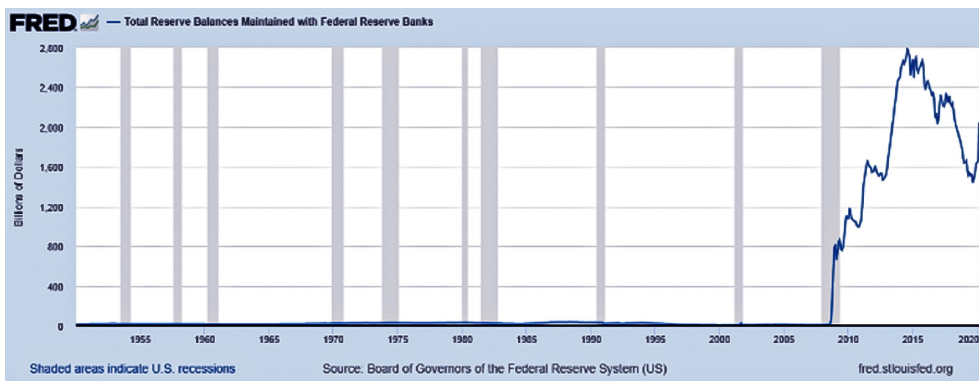
از همه مهم تر، کاهش شدید قیمت مسکن در آمریکا و افزایش بی خانمان ها در این کشور، موجب کاهش ارزش سهام شرکت ها و صندوق های مسکن شده بود (برننکی، ۲۰۱۳).

موسسه مالی واشنگتن میوچوال نیز با ۳۰۷

وام های مسکن فروخته شده به صاحبان خانه ها در ایالات متحده، عامل اصلی مجموعه ای از رویدادهای اقتصادی بحران آفرین سال ۲۰۰۸ شده بود که به موجب آن، تریلیون ها دلار ضرر بر اقتصاد های سراسر جهان، تحمیل شد. به جرات می توان گفت که بر اثر این بحران، سیستم مالی جهانی در یک مدت زمان بسیار کوتاه، فروپاشید و منجر به ثبت تاریخی بدترین بحران اقتصادی از زمان رکود بزرگ دهه ۳۰ میلادی شد (برننکی، ۲۰۲۲).

مهم ترین تحولات اقتصادی در نظام مالی و بانکی ایالات متحده و همچنین جهان در این سال به طور مختصر عبارت است از سقوط قیمت نفت، ورشکستگی بانک های آمریکایی، کاهش شدید در قیمت مسکن و رکود در این بخش، کمک ۷۰۰ میلیارد دلاری فدرال رزرو به بانک ها، ادامه بحران و جهانی شدن آن و سقوط ۴۰ درصدی ارزش معاملاتی بورس های مطرح آمریکا و جهان. (برننکی، ۲۰۱۲).

نخستین رویداد مهم سال ۲۰۰۸، در آستانه ورشکستگی قرار گرفتن موسسه بیراستیرنز



۲۰۰۸، پرسیده بود و همچنین اذعان کرده بود که به گفته روسای پیشین فدرال رزرو، بزرگترین چالش در رویارویی با بحران‌ها، پیش‌بینی سناریوها و سیگنال‌های متعدد آتی قابل وقوع و دشواری تصمیم‌گیری در زمان واقعی است، بیان می‌کند:

"خب من همیشه اعتقاد دارم، نگاه کردن به تاریخ اقتصادی یک کشور، بهترین راه برای به دست آوردن سرنخ‌هایی در مورد نحوه مواجهه با وضعیت فعلی است. زمانی که رئیس فدرال رزرو بودم و با بحران مالی ۲۰۰۸ دست و پنجه نرم می‌کردم، سعی کردم از تمامی اقدامات موثری که در دوران رکود بزرگ دهه ۳۰، ابرتورم دهه ۷۰ میلادی و هرآنچه که تا قبل از آغاز هزاره جدید در جهت بهبود شرایط اقتصاد آمریکا انجام شده بود، الگوبرداری کنم و همچنین از انجام همه کارهایی که ما را در آن دوران، به پرتگاه‌های غیرقابل برگشت هدایت کرده بود، اجتناب کنم. بنابراین فکر می‌کنم مهم است که به تاریخ نگاه کنیم. بحران مالی ۲۰۰۸،

میلیارد دلار دارایی، طی ماه سپتامبر ۲۰۰۸ اعلام ورشکستگی کرد که این واقعه، بزرگ‌ترین ورشکستگی بانک‌ها در تاریخ آمریکا به شمار می‌رفت (برننکی، ۲۰۱۲).

بانک مرکزی آمریکا تصمیم گرفت موسسه مالی مریل لینچ را در اختیار بگیرد. موسسه مالی واچووپا آمادگی خود را برای خرید موسسه سرمایه گذاری فارگو اعلام کرد. بانک‌های سرمایه گذاری گلدمن ساکس و مورگان استنلی نیز یک شبه به بانک‌های تجاری تبدیل شدند (برننکی، ۲۰۱۳).

دولت آمریکا ۱۵۰ میلیارد دلار به شرکت بیمه AIG، اوراق قرضه داد و کنترل موسسات مالی فنی می و فردی مک رابرهده گرفت (برننکی، ۲۰۲۲). در این برهه، شرایط اقتصادی آمریکا به شدت نگران‌کننده و غیرقابل پیش‌بینی شده بود. بن برننکی سال‌ها بعد، در مصاحبه با کای ریس‌دال، مجری مشهور برنامه "Marketplace"، در پاسخ به سوال این مجری که در مورد نحوه مواجهه و تلاش برای برون‌رفت از بحران مالی



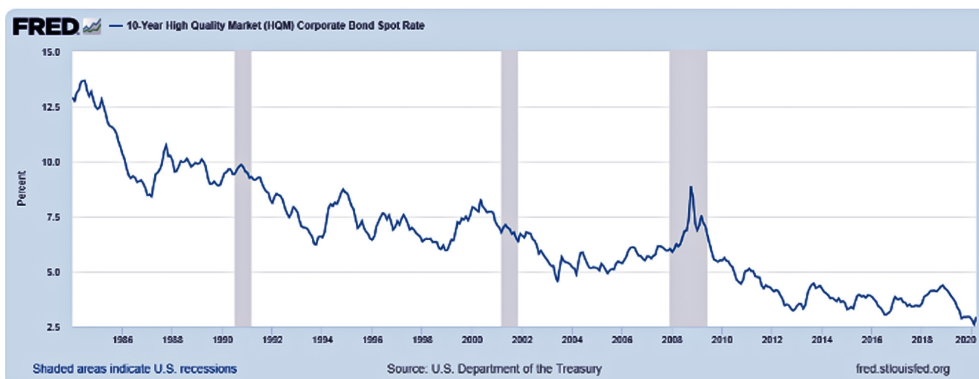
نمودار ۴۳

۳۶



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •



▲
نمودار ۵

برننکی در سال ۲۰۰۷ با ظهور اولین نشانه‌های بحران اقتصادی، نرخ بهره بین بانکی را کاهش داد. همانطور که در نمودار مشاهده می‌کنید نرخ بهره بین بانکی از اوایل سال ۲۰۰۷ تا اوایل سال ۲۰۰۹ از ۵.۲۵ درصد تا ۰.۱۵ درصد کاهش پیدا کرد. کاهش نرخ بهره بانکی تا سال ۲۰۱۵ ادامه پیدا کرد (برننکی، ۲۰۲۲). (نمودار ۱)

کاهش نرخ بهره برای تسکین آثار اقتصادی منفی ناشی از بحران مالی ۲۰۰۸ صورت گرفت تا کسب و کارهای بیشتری در ناحیه موجه اقتصادی قرار بگیرند، به عبارت دیگر، هدف برننکی از کاهش نرخ بهره، افزایش گستره توجیه‌پذیری اقتصادی برای کسب و کارها و گند کردن روند رکود اشتغال‌زایی بود تا صاحبان مشاغل در آمریکا، فعال نگه داشته شوند و نرخ بیکاری ناشی از این بحران، کاهش یابد (برننکی، ۲۰۱۳).

اقدام بعدی برننکی در سال ۲۰۰۸ همزمان با ریزش شاخص بورس صورت گرفت. این اقدام در راستای سیاست انبساط اقتصادی با تزریق نقدینگی و چاپ دلار انجام شد. تزریق نقدینگی نیز با خرید اوراق قرضه انجام گرفت. در این دوره خرید اوراق قرضه به دستور برننکی به طور چشمگیری افزایش یافت. حجم اوراق خریداری شده توسط فدرال رزرو از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴ از ۵۰۰ میلیارد دلار تا ۴۲۰۰ میلیارد دلار افزایش یافت که موجب افزایش پایه پولی به همین تناسب شد و پایه پولی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ از ۸۲۰ میلیارد دلار به ۴۰۰۰ میلیارد دلار رسید. (برننکی، ۲۰۲۲) (نمودار ۲)

در طی شش سال (۲۰۰۸-۲۰۱۴)، پایه پولی چهار برابر شد. نکته جالب توجه این است که شیب افزایش پایه پولی در هیچ دوره‌ای به این شدت

یک رویداد کاملاً منحصر به فرد بود و به همین دلیل، خواندن سیگنال‌های آتی تورم، اشتغال، رشد و رکود برای فدرال رزرو بسیار دشوار شده بود. لذا ما تلاش کردیم که به اقدامات روسای پیشین نظیر آلن گرینسپین و پل ولکر و دیگران توجه کنیم. می‌خواستیم بدانیم هنگامی که آنها با این مشکلات روبرو شدند، به چه چیزی نگاه کردند و چگونه در مورد آن فکر کردند. این امر به ما کمک کرد تا بدانیم مسئله چیست و این بحران، با اتخاذ چه سیاست‌های بهینه‌ای، قابل حل و فصل است" (مصاحبه برنامه اقتصادی مارکت پلیس با بن برننکی، ۲۰۲۲).

آنچه که رئیس برننکی برای خروج از بحران مالی ۲۰۰۸ انجام داد

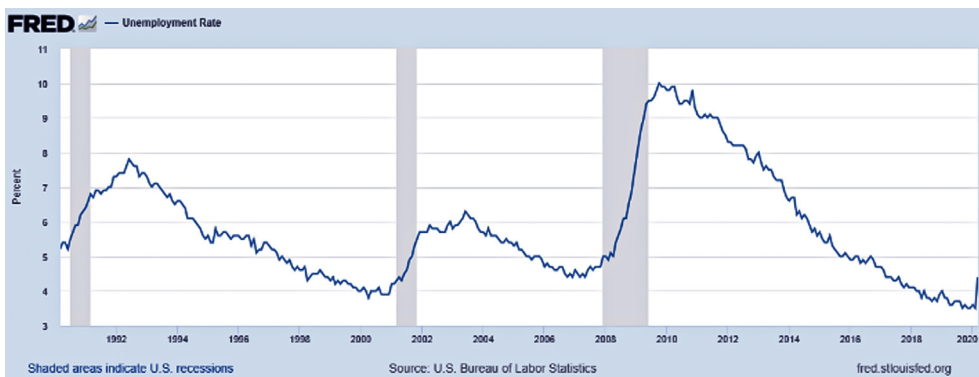
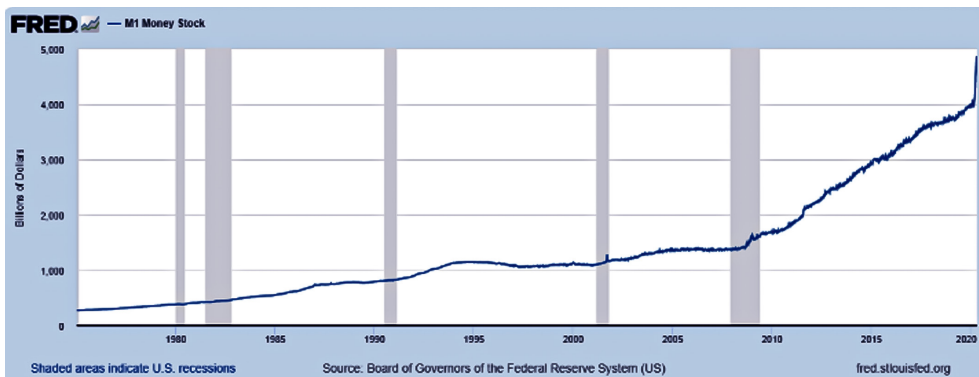
با افزایش ۱۲۴ درصدی قیمت مسکن از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶، بسیاری از فعالان اقتصادی با توجه به نقش سرمایه‌ای که مسکن پیدا کرده بود اقدام به اخذ وام با نرخ بهره پایین با استفاده از وثیقه ملکی از بانک‌های آمریکا کردند. میزان وام دریافتی در طی این مدت بیش از ۱۲۴ تریلیون دلار شده بود. افزایش قیمت مسکن موجب جذابیت این بخش برای سرمایه‌گذاری شد. بنابراین سرمایه‌گذاری در بخش مسکن طی سال‌ها افزایش یافت که موجب افزایش عرضه شد. افزایش عرضه موجب کاهش قیمت تعادلی مسکن در آمریکا شد. گیرندگان وام قادر به پرداخت اقساط خود نبودند و از طرف دیگر افزایش عرضه مسکن موجب بروز رکود در بازار مسکن شد. ۴ میلیون خانه فروش نرفته ژانویه ۲۰۰۸ در اختیار بانک‌ها بود. همه این موارد، شرایط را برای کنترل بحران توسط برننکی سخت کرده بود (نیویورک تایمز، ۲۰۲۲).

۳۷



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●



ارزش پول و نرخ اجاره پول (نرخ بهره) کاهش یافت و به موجب آن، افزایش حجم پولی، موجب کاهش نرخ تامین دارایی برای اشخاص حقیقی و حقوقی شد، به طوری که نرخ بهره اوراق قرضه از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴ از حدود ۷ درصد تا ۴ درصد کاهش پیدا کرد (برننکی، ۲۰۲۲). (نمودار ۵)

اقدام بعدی برننکی، رشد پایه پولی بود. رشد پایه پولی موجب رشد نقدینگی (سپرده های دیداری) شد، به طوری که از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴ میزان سپرده های دیداری از ۱۰۳ میلیارد دلار تا ۲۰۸ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. همانطور که در نمودار مشخص است از سال ۲۰۰۸ میزان سپرده های دیداری با شیب ۴۵ درجه افزایش یافته است (برننکی، ۲۰۲۲). (نمودار ۶)

نتیجه اقدامات برننکی برای مهار بحران مالی ۲۰۰۸ در مسند ریاست فدرال رزرو، موجب کاهش نرخ بیکاری شد، به طوری که نرخ بیکاری از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴ از حدود ۹ درصد به حدود ۶ درصد کاهش یافت و در ادامه با رسیدن به نرخ بیکاری ۳۰۵ درصد بهترین رکورد از سال ۱۹۵۳ را

نبوده است. پایه پولی آمریکا در سال ۱۹۷۰ حدود ۷۵ میلیارد دلار بود که در طی ۲۰ سال یعنی تا سال ۱۹۹۰ حدود ۳۰۰ میلیارد دلار (۴ برابر) شد. تزریق نقدینگی و سیاست انبساطی موجب افزایش میزان ذخیره و ذخیره مازاد بانک ها شد، به طوری که میزان ذخیره بانک ها از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴ از حدود ۱۰ میلیارد دلار به ۲۵۰۰ میلیارد دلار و میزان ذخیره مازاد بانک ها از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴ از حدود ۲ میلیارد دلار به ۲۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یافت. در طی این سال ها، بانک ها هیچ مشکلی بابت تامین نقدینگی نداشتند. (برننکی، ۲۰۲۲) (نمودار ۳ و ۴)

در ارتباط با اقدام بعدی برننکی در مسیر مهار این بحران باید گفت همان طور که می دانید افزایش عرضه کالا، موجب کاهش ارزش کالا و همچنین کاهش ارزش اجاره کالا و افزایش عرضه مسکن موجب کاهش قیمت مسکن و همچنین کاهش اجاره بهای مسکن می شود. لذا برننکی در یک ابتکار عمل منحصر به فرد، پول را به صورت گسترده در بازار عرضه کرد و بدین ترتیب،



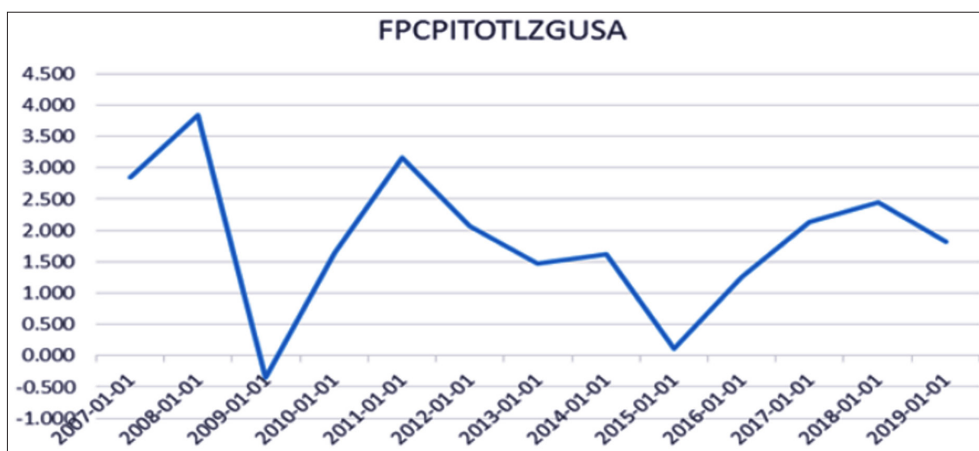
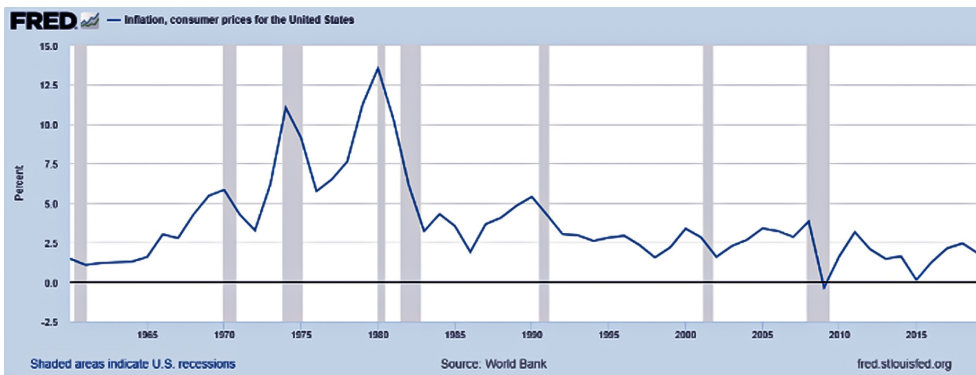
نمودار ۶ و ۷

۳۸



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •



نمودار ۹ و ۸

۳۹



اقتصاد

شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲

داشته است. از سوی دیگر، در طرف دوم، میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم، رشد ملایمی داشته‌اند، اما رشد تولید ناخالص داخلی و تورم در برابر رشد نقدینگی بسیار ناچیز است. بنابراین برای برابری طرفین معادله نتیجه می‌گیریم سرعت گردش پول در این بازه کاهش یافته است. طبق نمودار مشخص است سرعت گردش سپرده‌های دیداری و سپرده‌های پس‌انداز از سال ۲۰۰۸ به شدت کاهش یافته، به طوری که به کمترین میزان خود در ۶۰ سال اخیر در آن بازه می‌رسد (برننکی، ۲۰۲۲) (نمودار ۱۰ و ۱۱)

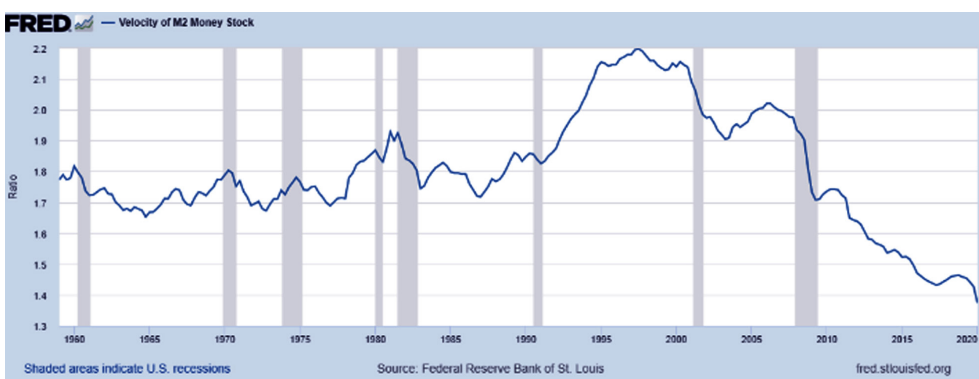
سوالاتی که مطرح می‌شود این است که حجم چشمگیر نقدینگی که از سال ۲۰۰۸ به اقتصاد آمریکا تزریق شده است در چه حوزه‌ای ورود کرده است؟! جواب سوال در نمودار شاخص ویلشایر مشخص است. شاخص ویلشایر از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ از ۳۳ واحد تا ۹۰ واحد افزایش داشته که حدوداً ۳ برابر شده است. سرعت گردش

کسب کرد (برننکی، ۲۰۲۲). (نمودار ۷)

نکته مهم در اقدامات برننکی این بود که با وجود سیاست‌های انبساطی فدرال رزرو، تولید ناخالص داخلی متناسب با رشد پایه پولی و نقدینگی رشد نکرد، یعنی تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ با شیب ملایم از ۱۵۵۰۰ واحد تا ۱۷۰۰۰ واحد (یعنی حدود ۱۰ درصد) افزایش یافت. همچنین تصمیم‌سازی‌های موثر برننکی موجب شد نرخ تورم در طی این سال‌ها با وجود تزریق نقدینگی و رشد چشمگیر آن، از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۴، حدوداً ۱۴ درصد رشد یابد و حتی سال‌هایی با کاهش نیز روبرو باشد (برننکی، ۲۰۲۲).

(نمودار ۹ و ۸)

مسئله بعدی در تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات بن برننکی، کاهش سرعت گردش پول در دوران ریاست او بر فدرال رزرو است. با توجه به نمودارها و دیتاهای موجود فدرال رزرو، از سال ۲۰۰۷ میزان پول و نقدینگی افزایش چشمگیری



اقتصادی همگام با سیاست‌های اقتصادی فدرال رزرو، در بورس سرمایه‌گذاری کرده و نقدینگی اقتصاد به سمت بازارهای مالی (به جای بازار کالا و خدمات) هدایت شود.

مخالفت سرسخت با ریاست برنکی بر فدرال رزرو، یک شکست کامل بود

اقدامات برنکی در جایگاه مدیر بلامنازع نهاد فدرال رزرو، با مخالفت‌های جدی نیز روبرو بوده است. برخی صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند، برنکی نتوانست بحران مالی ۲۰۰۸ را به خوبی مدیریت کند. آنها بیان می‌کنند که برنکی، با بی‌توجهی و کوچک‌شمردن معضل خانه‌های رهنی و انکار وجود حباب در بازار کالا و خدمات، اولین جرقه‌های آتش بحران مالی را در سال ۲۰۰۷، شعله‌ور کرد (فوربس، ۲۰۱۳).

رانندال رای، اقتصاددانی که مخالف سرسخت سیاست‌های برنکی در بحران مالی ۲۰۰۸ بود اعتقاد دارد، به دلیل تصمیم‌سازی‌های پُرسک و پُر از اشتباه برنکی، متوسط خانوارهای

پول در تامین خدمات و کالاها کاهش یافته و این نقدینگی به سمت بازار بورس روانه شده است (برنکی، ۲۰۲۲) (نمودار ۱۲)

مبتنی بر همین مسئله، شاخص حباب وارن بافت نشان می‌دهد که افزایش نقدینگی در دوران ریاست برنکی، موجب بروز تورم در بازار سهام به جای بازار کالا و خدمات شد و او نتوانست بازار کالا و خدمات آمریکا را از ابرتورم فلج‌کننده، مصون بدارد (برنکی، ۲۰۲۲) (نمودار ۱۳ و ۱۴)

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت، عمده اقدامات و تصمیم‌سازی‌های برنکی در دوران ریاست خود بر فدرال رزرو، بویژه از شروع بحران مالی ۲۰۰۸ تا اتمام دوره مدیریتش، کاهش نرخ بهره، تزریق چشمگیر نقدینگی و سرمایه‌گذاری در بازار اوراق قرضه بوده است که موجب کاهش نرخ بیکاری، افزایش نرخ تورم کالاها و خدمات با شیب بسیار کم، کاهش سرعت گردش پول در زمینه خرید کالا و خدمات، افزایش ذخیره بانک‌های آمریکا و ایجاد تورم در بازارهای بورس ایالات متحده بوده که موجب شد فعالان



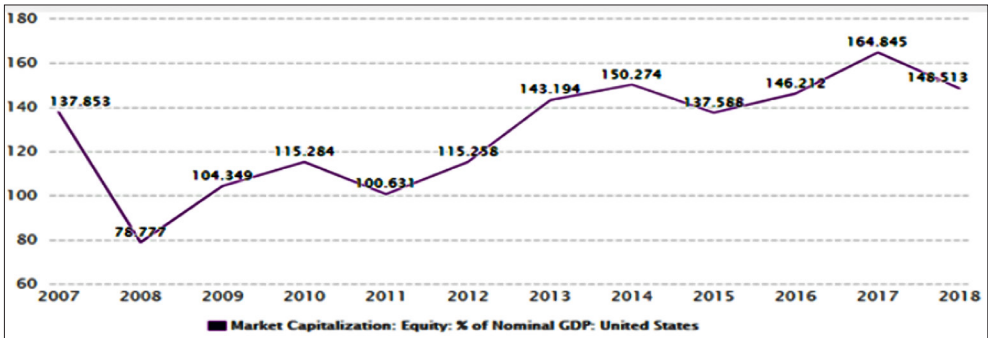
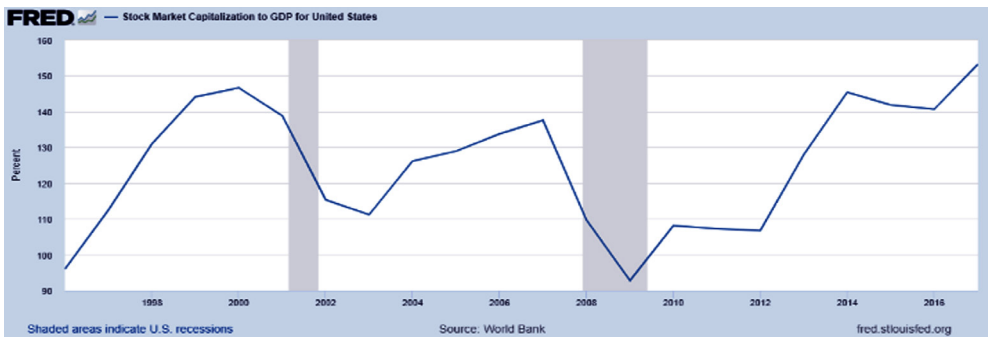
نمودار ۱۱ و ۱۰

۴۰



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •



نمودار ۱۲، ۱۳ و ۱۴

۴۱



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

آمریکا خواهد ماند (فوربس، ۲۰۱۳).

گرگ منکیو، که مانند برنکی، رهبری شورای مشاوران اقتصادی دولت جرج بوش را بر عهده داشت و یکی از دو مشاور ارشد اقتصادی میت رامنی نیز محسوب می‌شد، در انتقاد از نحوه مدیریت برنکی بر بانک مرکزی آمریکا در دوران بحران مالی ۲۰۰۸ اعلام می‌دارد: به گفته کینز، علت اصلی رکود اقتصادی، تقاضای ناکافی است. حال سوال اینجاست با توجه به اینکه برنکی به عنوان یک اقتصاددان کینزین شناخته می‌شود، باید به طور منطقی از او بپرسیم که سیاست‌های

آمریکایی، توانستند تنها ۴۵ درصد از ثروت از دست رفته خود را بازیابی کنند و در واقع از زمان پایان بحران مالی، درآمد واقعی بیشتری را نسبت به قبل از آن از دست داده‌اند. وی بیان می‌کند درست است که بازارهای اوراق قرضه و سهام و همراه با آنها وال استریت، به سبب تصمیمات برنکی رونق گرفتند، اما این امر به طبقه متوسط و فقیر جامعه آمریکا، هیچ کمکی نکرد. راندال رای معتقد است عمل به آموزه‌ها و دستورالعمل‌های کینزی توسط برنکی، فاجعه‌ای به بار آورد که تا سال‌ها بر قیامت اقتصاد

ernors of the US Federal Reserve System, at the National Economists Club Annual Dinner, Herbert Stein Memorial Lecture, Washington DC, 19 November 2013

4. Bernanke, Ben S., "Monetary Policy since the Onset of the Crisis", Speech by Chairman Board of Governors of the Federal Reserve System at the Federal Reserve Bank of Kansas City Economic Symposium Jackson Hole, Wyoming, August 31, 2012.

5. <https://www.bis.org/review/r131120a.htm>

6. <https://www.marketplace.org/2022/05/17/former-chair-ben-bernanke-takes-long-view-of-federal-reserves-current-challenges/>

7. <https://www.bu.edu/articles/2006/new-leadership-and-new-challenges-at-the-federal-reserve/>

8. https://www.amazon.com/Books-Ben-S-Bernanke/s?rh=n%3A283155%2Cp_27%3ABen+S.+Bernanke

9. <https://www.britannica.com/biography/Ben-Bernanke>

10. https://en.wikipedia.org/wiki/Ben_Bernanke

11. <https://www.brookings.edu/people/ben-s-bernanke/>

12. <https://www.federalreservehistory.org/people/ben-s-bernanke>

13. <https://www.nobelprize.org/prizes/economic-sciences/2022/bernanke/facts/>

14. <https://www.nytimes.com/2022/10/10/business/bernanke-fed-crisis-nobel-economics.html#:~:text=He%20worked%20with%20colleagues%20to,bank%20and%20insurance%20company%20portfolios.>

15. <https://www.forbes.com/sites/realspin/2013/09/12/even-by-keynesian-standards-ben-bernanke-has-been-a-dreadful-failure/#:~:text=Since%20Bernanke%20is%20an%20avowed,worked%20in%20strictly%20Keynesian%20terms.>

وی، تا چه حد در شرایط کاملاً کینزی، کارآمد بوده است، یعنی خلق بی سابقه پول توسط برنکی، سرکوب نرخ بهره و دستکاری آن، کمک مالی شدید به وال استریت و حمایت از بازار سهام، باعث افزایش تقاضا شد؟ جواب خیر است. بنایراین باید برنکی را در سیاست های به کار گرفته شده، یک شکست خورده تمام عیار بدانیم (نیویورک تایمز، ۲۰۲۲).

رونالد جی رایان، مدیرعامل Ryan ALM، در انتقاد تند و صریح از عملکرد برنکی بیان کرد: نرخ های بهره سرکوب شده در زمان برنکی، جهان بازنشستگی آمریکائیان را نابود کرد. وی معتقد است که فدرال رزرو در راس آن برنکی، عامل اصلی بین ثباتی مفرط صندوق های بازنشستگی و بیمه بوده است و جبران بخش عظیمی از این خسارات وارده، امکان پذیر نیست. رایان، برنکی را متهم اصلی بازگشت فساد سرمایه داری و رونق سفته بازی در اقتصاد آمریکا می داند و اشاره می دارد که بن، امتیاز ویژه ای برای سوداگران وال استریت و دیگر صاحبان قدرت و ثروت در آمریکا ایجاد کرد و امتداد نرخ های پایین بهره در زمان ریاست او بر بانک مرکزی آمریکا، کنگره را قادر ساخت تا به مخارج کسری انبوه خود ادامه دهد و مطمئن باشد که فدرال رزرو آن را تامین مالی خواهد کرد (فوربس، ۲۰۱۳).

بن برنکی در دوران پسافدرال رزرو

برنکی پس از پایان دوره مدیریت پرتالتهاب و چالش برانگیز خود بر نهاد فدرال رزرو، از سال ۲۰۱۴ عمدتاً به عنوان یکی از اعضای ارشد و برجسته مطالعات اقتصادی در موسسه بروکینگز مشغول به کار است. همچنین بخش دیگری از زمان خود را بیشتر به فعالیت های آکادمیک و دانشگاهی در پرینستون، هاروارد و استنفورد اختصاص داده است (موسسه بروکینگز، ۲۰۲۳).

منابع:

1. Bernanke, Ben S., "21st century monetary policy: the federal reserve from the great inflation to COVID-19", Pub: W.W. Norton & Company, USA, 2022.
2. Bernanke, Ben S., "The Courage to Act: A Memoir of a Crisis and Its Aftermath", Pub: Norton; Illustrated edition, 2015.
3. Bernanke, Ben S., "Communication and monetary policy", Speech by Mr Ben S Bernanke, Chairman of the Board of Gov-

نرخ های بهره سرکوب شده در زمان برنکی، جهان بازنشستگی آمریکائیان را نابود کرد. وی معتقد است که فدرال رزرو در راس آن برنکی عامل اصلی بین ثباتی مفرط صندوق های بازنشستگی و بیمه بوده است و جبران بخش عظیمی از این خسارات وارده امکان پذیر نیست



بانک‌ها از همه جاشفاف‌ترند

چرخه خودکنترلی ترازنامه‌ای بانک‌ها شکل گرفت

- بانک‌ها همواره به دنبال این هستند که کمترین موارد فساد مالی را داشته باشند
- اگر بانک‌ها ریسک نپذیرند، کمک نکنند و تسهیلات ندهند صنعت کشور دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود

دکتر مرتضی ترک‌تبریزی /

رئیس هیات مدیره بانک تجارت



بانک یک موسسه پولی-مالی است و بخش حسابداری و بازرسی فعالی هم دارد. اتفاقاً از خیلی از بخش‌های کشور هم شفاف‌تر است و اگر مواردی هم پیش می‌آید ناشی از نوع کسب و کار بانک است، هر چند این موارد به سرعت کشف، رسیدگی و بررسی می‌شود. بانک‌ها همواره به دنبال این هستند که کمترین موارد فساد مالی را داشته باشند. در این میان، نظارت بر حوزه بانک‌های اصل ۴۴، نسبت به سایر بانک‌ها حتی بیشتر است. چون علاوه بر نظارت‌هایی که در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد بر عملکرد بانک‌ها وجود دارد، به دلیل حضور بانک‌های اصل ۴۴ در بورس، شاهد نظارت دیگری از سوی نهاد ناظر

بورسی در حوزه این قبیل بانک‌ها هستیم. به بیان دیگر، در این نوع بانک‌ها، مجمع عمومی برگزار می‌شود و مدیرعامل و هیات مدیره در مجمع به سهامداران خرد و عمده جوابگو است و به همه مسائل و ابهامات به صورت شفاف رسیدگی می‌شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که در این بانک‌ها (بانک‌های اصل ۴۴) همچنین به دلیل ساختار حاکمیت شرکتی که وجود دارد، هیات مدیره بانک در حوزه‌های مختلف همچون ریسک، حسابداری و تطبیق، در جلسات متعددی که برگزار می‌شود، گزارش‌های مربوطه را در دستور کار قرار می‌دهد و بررسی کارشناسی و فنی در این‌باره دارد.

۴۳



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

در حوزه تسهیلات خرد به جای اینکه مدام مردم را به شعب بیاوریم و هزینه‌های مردم و بانک‌ها را بالا ببریم تلاش کردیم به مرور وام‌های خرد، در بستر نرم‌افزارهای بانکی محقق و اجرایی شود

در حقیقت باید بدانیم که با تمام فشارهایی که وجود دارد، بانک‌ها به دنبال این هستند که با کمترین چالش، فعالیت تخصصی خودشان در حوزه پولی و بانکی را تداوم دهند، همین بانک‌ها هستند که با ارائه تسهیلات و کمکی که به تولید و اقتصاد داشته‌اند، صنعت کشور (که به دلیل تحریم‌های خصمانه به شدت تحت فشار بوده است) را در بسیاری از موارد نجات داده‌اند. یعنی بانک‌ها به خصوص بانک تجارت با تسهیلات و ضمانت‌نامه‌هایی که در بسیاری از بخش‌ها همچون فولاد، مس و پتروشیمی ارائه کرده‌اند، با وجود همه فشارهای مختلف در نظام بانکی و موضوعاتی همچون کنترل ترازنامه، یک هدف مهم را همواره دنبال کرده‌اند و آن چیزی نیست جز تداوم فعالیت صنایع کشور و به اصطلاح تلاش بانک‌ها در این راستا بوده که صنعت کشور سرپا بماند. این اقدام مهمی است چرا که با تداوم فعالیت صنایع بزرگ کشور همچون پتروشیمی و فولاد، شاهد تقویت صادرات و در نهایت ارزآوری برای چرخه اقتصادی کشور خواهیم بود. به بیان دیگر، اگر بانک‌ها ریسک نپذیرند، کمک نکنند و تسهیلات ندهند، صنعت کشور دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود.

بانک‌های اصل ۴۴ با برخی دیگر از بانک‌های کشور، قابل مقایسه نیستند. زیرا از یکسوی بایستی با رگولیشن بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و از سوی دیگر با رگولیشن بورس هماهنگ و همراه باشند، بنابراین نقش این بانک‌ها در حمایت از صنعت و صادرات و ارزآوری برای اقتصاد کشور، با اهمیت و ویژه است. این در حالی است که باید توجه داشت که دولت هم از طریق همین بانک‌های اصل ۴۴، از صنایع کشور حمایت می‌کند.

کنترل ترازنامه جزو وظایف اصلی بانک‌های کشور است. در حال حاضر، در هیأت مدیره بانک تجارت، دائماً گزارش‌های مختلف در حوزه‌هایی همچون ریسک بررسی می‌شود و دائماً آخرین وضعیت ترازنامه بانک بررسی کارشناسی و فنی می‌شود تا روند آتی پیش‌بینی و کنترل شود. همچنین سامانه‌های بانکی همواره در حال به روزرسانی است که کنترل‌های سیستمی و ترازنامه، دقیق‌تر انجام شود و هیأت مدیره نسبت به روند ترازنامه‌ای و اجرای سیاست‌های ابلاغی، آگاه شود.

این‌ها باعث نشده است که بانک‌ها به دلیل کنترل‌های نظارتی و ترازنامه‌ای، از مسیر حمایت

از صنایع و صادرات کشور، دست بکشند و عقب نشینی کنند. بانک‌ها همواره سعی داشته و دارند تا با وصول به موقع مطالبات و با فروش اموال و املاکی که خود مشتری بعضاً به صورت قهری به دلیل بدهی که داشته به بانک داده است، (بانک‌ها) برای بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی کشور، تامین مالی مطلوبی داشته باشد، تا صنعت با وجود تحریم‌های یکجانبه، به فعالیت خود ادامه دهد.

مقررات بالادستی نهاد ناظر و رگولیشن بر نظام بانکی، به گونه‌ای است که همواره در حوزه نقدینگی و خلق پول، اقدامات کنترلی در دستور کار باشد. این روند در نهایت می‌تواند به کنترل تورم در اقتصاد نیز کمک کند. هر چند باید به این نکته هم توجه داشت که تورم تابعی از موضوعات مختلف است و نباید تصور کرد که تنها تابع بانک‌هاست.

در بانک تجارت، در حوزه تکنولوژی انرژی گذاشته‌ایم. مثلاً در بخش تامین مالی زنجیره‌ای اقدامات به گونه‌ای است که بجای اینکه در یک کسب و کار و فعالیت تولیدی، که شامل بخش‌های مختلف است، هر بار چندین مرحله تامین مالی کنیم، تصمیم گرفتیم تا چرخه را تامین مالی کنیم که این اقدام مهم در راستای جلوگیری از متورم شدن ترازنامه بانکی است. به بیان دیگر، به جای اینکه برای یک بیزینس چندین بار نقدینگی ایجاد کنیم، آمدم و با استفاده از ابزارهای مرتبط در حوزه تامین مالی زنجیره‌ای، یکبار این چرخه را (از مواد اولیه تا محصول نهایی و بازار هدف) تامین مالی می‌کنیم. به گونه‌ای که با استفاده از تکنولوژی این روند را اجرایی کردیم.

به عنوان نمونه در بانک تجارت، یک محصول با عنوان اکو-تام در حوزه Supply chain finance (SCF) به کار گرفته شده تا بتواند یک چرخه را از ابتدا تا انتها مانیتور کند و در لحظه نیاز به آن موجودیت خاص تامین مالی کند و این کار چند بار تکرار نشود و همچنین هزینه‌های تامین مالی بخش تولید نیز کاهش خواهد یافت، یا در حوزه تسهیلات خرد به جای اینکه مدام مردم را به شعب بیاوریم و هزینه‌های مردم و بانک‌ها را بالا ببریم، بتوانیم به مرور وام‌های خرد بانک‌ها به مردم، در بستر نرم‌افزارهای بانکی محقق و اجرایی شود، بنابراین این قبیل اقدامات، گام‌های مهمی در راستای کنترل‌های ترازنامه و هزینه‌ای بانک‌هاست و در نهایت به کنترل تورم و تقویت ارزش پولی ملی منجر می‌شود.



بدون صف و در کمترین زمان، ارز اربعین به مردم تحویل داده شد

گام اول دلارزدایی محکم برداشته شد

- بیش از ۸۰ درصد زائران که از مرز عبور کردند، ارز مورد نیاز خود را از طریق شبکه بانکی و در شهر محل اقامت خود، پیش از سفر تهیه کرده اند و از کیفیت خدمات ارائه شده رضایت داشتند

مصطفی نصری /

کارشناس اداره پایش بازار ارز بانک مرکزی



اسکناس ارز مورد نیاز سفر اربعین با تدابیر بانک مرکزی از روش های مختلف تجهیز شد و در ادامه نیز با توجه به هماهنگی های خوبی که انجام شد، تامین اسکناس دینار عراق همزمان با فروش به متقاضیان، به صورت مستمر ادامه یافت. این سازوکار به گونه ای بود که با توجه به امکان پایش و رصد مستمر عملکرد شبکه بانکی و حجم تقاضایی که وجود داشت، متناسب با نیاز و فروشی که انجام می شد، تامین ارز نیز ادامه پیدا کرد.

عرضه ارز اربعین امسال از ۲۸ مردادماه شروع شد و تا ۱۴ شهریورماه ادامه یافت. امسال شش بانک به عنوان بانک های عامل در نظر گرفته شدند تا عرضه ارز اربعین در این بانک ها انجام شود. در ابتدای کار ۱۴۰۰ شعبه

پیش بینی می شد که استقبال از مراسم اربعین و آمار مسافران به کشور عراق امسال به دلیل نبود ویروس کرونا بیشتر از سال گذشته باشد، بنابراین با توجه به تقاضایی که پیش بینی می شد برای ارز اربعین وجود داشته باشد، برای اولین بار تصمیم گرفته شد تا با ارز کشور عراق یعنی دینار، نیاز ارزی زوار اربعین تامین شود. بر این اساس، از ابتدای مردادماه سال جاری هماهنگی های لازم انجام شد و اولین محموله اسکناس در تاریخ ۱۸ مردادماه تامین شد و در ادامه از تاریخ ۱۸ مردادماه، اولین بخش اسکناس دینار عراق تحویل بانک های عامل شد و عرضه ارز اربعین به صورت مستمر در تمام طول دوره به مسافران ادامه پیدا کرده است.

۴۵



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

پیش بینی
می شود بانک
مرکزی بتواند
در ادامه سال
نیاز ارزی
مسافران را از
طریق اسکناس
و استفاده از
پلتفرم های
آنلاین با قابلیت
پرداخت در
کشور مقصد، به
شکل مطلوبی
پاسخ دهد

۴۶



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

بانک برای اینکار در نظر گرفته شد و امسال برای اولین بار، پست بانک شعب روستایی خود را نیز تجهیز کرده بود تا در محل زندگی متقاضیان، نیاز ارزی آنها پاسخ داده شود تا نیاز به سفر به شهر و جابجایی نباشد و در کمترین زمان، به ارز مورد نیاز دست یابند. علاوه بر این، امسال برای اولین بار موضوع فروش اینترنتی ارز اربعین در دستور کار بود و جلساتی از تاریخ ۱۶ مردادماه با بانک های عامل برگزار شد تا هماهنگی لازم حاصل شود. آمار نشان می دهد از همان ابتدای طرح، خرید اینترنتی ارز اربعین فراتر از انتظار بود.

این استقبال باعث شد تا سایر بانک های عامل هم با ممارست و جدیت بیشتری کار را پیگیری کنند و در نهایت امسال بانک های سپه، صادرات و ملی توانستند از طریق پلتفرم های مختلف بانکی، عرضه ارز اربعین را در لیست خدمات خود به زوار داشته باشند.

آمارها نیز نشان می دهد ۴۵ درصد از فروش ارز اربعین امسال از طریق پلتفرم های آنلاین صورت گرفته است. در نتیجه به دلیل بهره مندی از این روش نوین، بخش قابل توجهی از زمان فروش ارز نیز گaste شد.

در مجموع از ابتدای طرح تا روز یکشنبه ۱۲ شهریورماه، یعنی پانزده روز کاری، حدود یک میلیون و ۵۰ هزار تقاضای ارز اربعین، پاسخ داده شد که معادل ارزی آن، ۱۸۰ میلیارد اسکناس دینار عراق است. آمار نیز نشان می دهد عمده افرادی که متقاضی خرید ارز بودند، از همان روزهای نخست، توانستند ارزششان را تامین کنند.

از لحاظ مبلغ نیز هر فرد متقاضی به طور میانگین ۱۷۴ هزار دینار عراق خرید کرده است که نشان می دهد سقف تعیین شده برای میزان فروش اربعین پاسخگوی نیاز هموطنان بوده است. بررسی ها نشان می دهد حدود ۱۰۰ هزار دینار عراق، هزینه هر مسافر اربعین بوده و تقریباً یک یا دو نفر از اعضای خانواده چهار نفره، از طریق همان سهمیه ارزی، هزینه های خانواده را پوشش داده اند.

نرخ فروش ارز اربعین امسال متناسب با نرخ فروش اسکناس خدماتی در سامانه مبادلات الکترونیک (ETS) بود. برخلاف سال های قبل که تقاضای فصلی برای ارز اربعین، نرخ دینار و دلار را تحت تاثیر قرار

فروش ارز اربعین 1402/06/13 07:30

بانک مرکزی

اداره پایش بازار ارز

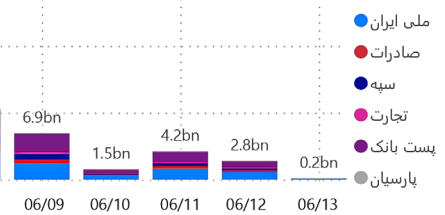
دایره پایش مبادلات

بانک ها و صرافی ها

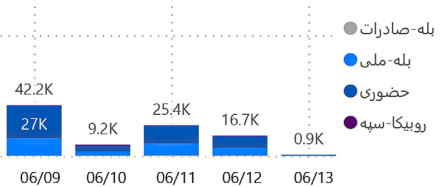
شعب f

شماره ملی	مقدار ارز	Sum of
468,193	83026M	328
345,293	60059M	985
118,842	21810M	145
66,123	12266M	255
35,403	6632M	46
8,607	1622M	25
1,041,012	185414M	1784

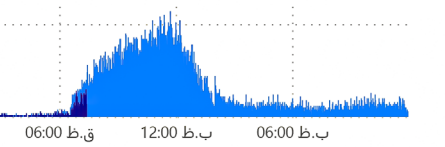
مبلغ فروش



تعداد فروش



فروش ساعتی



می داد، امسال با توجه به هماهنگی ها و تدابیری که اتخاذ شد و ظرفیت خوبی که در شبکه بانکی وجود داشت، بانک مرکزی توانست در همان اوج تقاضای روزهای نخست از طریق شبکه بازار رسمی، تقاضاهای ارزی را پاسخ دهد و نرخ ارز را در بازار رسمی و غیررسمی مدیریت و کنترل کند و در نهایت از نوسان نرخ ارز چه دینار و چه دلار، جلوگیری شد. به نحوی که نرخ دینار از ۳۸۵۰۰ تومان برای صد دینار عراق، حدود ۵ هزار تومان کاهش یافت و به ۳۲۰۰۰ تا ۳۳۰۰۰ تومان در بازار غیررسمی رسید. نرخ امسال برای فروش ارز اربعین، در محدوده ۳۱ هزار و ۵۴۴ ریال برای هر یکصد دینار عراق بود.

هر فرد متقاضی به طور میانگین ۱۷۴ هزار دینار عراق خرید کرده است که نشان می دهد سقف تعیین شده برای میزان فروش ارز اربعین پاسخگوی نیاز هموطنان بوده است

به این ترتیب بود که اولاً بیشترین تعداد شعب بانکی در نظر گرفته شد، حتی در شهرستان های کوچک و روستاها نیز شعب بانکی در خدمت عرضه ارز اربعین بودند. ثانیاً امسال پلتفرم های آنلاین به کمک فروش ارز آمدند و آمار بالایی از طریق فروش اینترنتی رقم خورد و کمک کرد تا تقاضاها متناسب بین شعب بانک ها تقسیم شود و هموطنان بتوانند در زمان کوتاهی ارز مورد نیازشان را خریداری کنند.

همچنین ساعت و کشیک بانک ها به گونه ای تنظیم شد تا متناسب با نیاز ارزی مسافران اربعین، فعالیت داشته باشند. از ابتدای طرح تا روز یکشنبه ۱۲ شهریورماه، بانک ملی ایران بیشترین سهم فروش ارز اربعین را داشت و حدود ۴۵ درصد ارز اربعین را به متقاضیان عرضه کرد و عمده این فروش نیز از طریق پلتفرم آنلاین این بانک رقم خورده است. به بیان دیگر بیشترین آمار فروش غیرحضوری نیز متعلق به بانک ملی و در بستر پلتفرم آنلاین این بانک است.

پست بانک نیز با توجه به داشتن بیشترین شعب یعنی ۹۸۵ شعبه و باجه شهری و روستایی، با ۳۲ درصد بالاترین آمار فروش حضوری را داشته است. از نظر تفکیک استان نیز، امسال استان تهران با ۲۰ درصد، بیشترین تقاضا را با توجه به جمعیت داشته است و در جایگاه های بعدی استان های اصفهان، خراسان رضوی و خوزستان قرار دارند.

با توجه به اینکه ارز دینار عراق جزو ارزهای جهان روا نیست و تقاضای فصلی دارد، بانک مرکزی سعی کرد تا با کمترین میزان اسکناس دینار عراق، پاسخگوی تقاضای

زوار اربعین باشد. در خصوص ارز اربعین، براساس آماری که وجود دارد، اهداف سیاست گذار ارزی از لحاظ نرخ فروش ارز و ثبات آن و همچنین از لحاظ پاسخ به حجم تقاضایی که وجود داشت، به خوبی محقق شد. آمار فروش روزانه ارز اربعین نشان می دهد تقریباً چه به لحاظ میانگین مبلغ خریدی که هر فرد داشته و چه به لحاظ فروش ارز، تقریباً عمده نیاز ارزی متقاضیان بادینار عراق پوشش داده شد.

مطالعات میدانی ما در نقاط مرزی، نشان می دهد بیش از ۸۰ درصد زائران که از مرز عبور کردند ارز مورد نیاز خود را از طریق شبکه بانکی و در شهر محل اقامت خودشان، پیش از سفر تهیه نموده اند و از کیفیت خدمات ارائه شده رضایت داشتند.

با توجه به تجربه موفقی که رقم خورد، سیاست گذار ارزی این تدبیر را در نظر دارد تا برای ادامه سال نیز، نیازهای ارزی هموطنانی که به کشور عراق سفر می کنند را با اسکناس دینار تامین کند و امید است در ادامه نیز بتوان برای سایر کشورهایی که مسافران زیادی دارند، نیاز ارزی متقاضیان را با ارز همان کشور تامین کرد.

این اقدام باعث کاهش هزینه های تبدیل ارز در کشور مقصد نیز خواهد شد. پیش بینی می شود با توجه به برنامه ریزی ها و تدابیر سیاست گذار، در ادامه سال جاری یا برای سال آینده، بانک مرکزی بتواند برای کشورهای مقصد مسافران ایرانی، هم از طریق اسکناس و هم با استفاده از پلتفرم های آنلاین با قابلیت پرداخت در کشور مقصد، نیاز ارزی مسافران را به شکل مطلوبی پاسخ دهد.

برش



کاهش نرخ دینار در بازار غیررسمی برخلاف سال های گذشته

برخلاف سال های قبل که تقاضای فصلی برای ارز اربعین، نرخ دینار و دلار را تحت تاثیر قرار می داد، امسال با توجه به هماهنگی ها و تدابیری که اتخاذ شد و ظرفیت خوبی که در شبکه بانکی وجود داشت، بانک مرکزی توانست در همان اوج تقاضای روزهای نخست از طریق شبکه بازار رسمی، تقاضاهای ارزی را پاسخ دهد و نرخ ارز را در بازار رسمی و غیررسمی مدیریت و کنترل کند و در نهایت از نوسان نرخ ارز چه دینار و چه دلار، جلوگیری شد. به نحوی که نرخ دینار از ۳۸۵۰۰ تومان برای صد دینار عراق، حدود ۵ هزار تومان کاهش یافت و به ۳۲۰۰۰ تا ۳۳۰۰۰ تومان در بازار غیررسمی رسید.

۴۸



● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●



دلار با موفقیت از چرخه ارز اربعین حذف شد

- بانک مرکزی در سال جاری با تغییر رویکرد و نگاه راهبردی نسبت به بازار ارز، در راستای دلارزدایی گام برداشت
- در سرفصل های ارزی که امکان مبادله و تخصیص ارز به غیر از دلار فراهم است، تلاش شود دلار مبنای محاسبه نباشد
- اجرای سیاست جدید ارزی بانک مرکزی، موجب ثبات نرخ دلار در بازار غیر رسمی در دو هفته منتهی به اربعین حسینی شد

۴۹



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

امیرحسین موسوی /

پژوهشگر اقتصادی

بانک مرکزی با
تسهیل فرایند
دریافت ارز
اربعین توسط
زائران، حجم
تقاضای ارز
در این ایام را
مدیریت کرده
و اجازه نداد
افزایش تقاضا
منجر به بروز
جهش نرخ دلار
شود

در سال‌های اخیر در ایام اربعین حسینی به دلیل افزایش تقاضای ارز، رشد نرخ دلار را تجربه می‌کردیم، اما در سال جاری برخلاف رویه سابق، بانک مرکزی در ابتکار عملی به جای تخصیص دلار به زائران، ارز دینار کشور عراق را به متقاضیان ارز اربعین تخصیص داد که این رویه را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق دلارزدایی در سرفصل یکی از نیازهای ارزی کشور برشمرد. به عبارت دیگر بانک مرکزی در سال جاری با تغییر رویکرد و نگاه راهبردی نسبت به بازار ارز در راستای دلارزدایی گام برداشته و همراه با تسهیل فرایند دریافت ارز اربعین توسط زائران، حجم تقاضای ارز در این ایام را مدیریت کرده و اجازه نداد تا افزایش تقاضا، منجر به بروز جهش نرخ دلار شود.

همچنین تسهیل فرایند دریافت ارز توسط زائران نیز، کمک شایانی در به موفقیت رسیدن سیاست دلارزدایی داشته چرا که در صورت وجود موانع بسیار در دریافت ارز یا زمانبر بودن فرایند دریافت ارز، ممکن بود بسیاری از زائران نیاز خود را در بازار غیررسمی تامین کنند و این اتفاق منجر به ایجاد اضافه تقاضا در بازار ارز شده و نهایتاً موجب افزایش نرخ دلار شود، در حالی که با تسهیل فرایند، ایجاد سامانه نوبت دهی آنلاین و امکان خرید ارز اربعین به صورت غیرحضوری، موجب استقبال زائران از اجرای این سیاست توسط بانک مرکزی شد. ثبت نام و خرید ارز اربعین ۱۴۰۲ از اپلیکیشن بله و روبیکا و به صورت آنلاین امکان پذیر بود و قیمت ارز با نرخ دولتی محاسبه شده و برای خرید ارز اربعین تنها کافی بود زائران از طریق این برنامه‌ها ارز مسافرتی خود را خریداری کنند.

در کنار وجه تسهیل‌گری اقدامات بانک مرکزی در پاسخ به نیاز زائران حسینی، اجرای این سیاست نمونه‌ای موفق در راستای سیاست دلارزدایی از اقتصاد ایران است. هنگامی که اقتصاد کشورها دلاریزه شود تمام نیازهای ارزی بر مبنای دلار تعیین

می‌شود و این موضوع برای مصارفی که اساساً به دلار ارتباطی ندارد نیز صدق می‌کند. این اتفاق کشور را به شدت آسیب پذیر کرده و موجب می‌شود سیاست‌های پولی و مالی مستقلاً رانتهای اجرایی کرد. یکی از سیاست‌هایی که کشورها را از این آفت مصون می‌دارد، اجرای سیاست‌های دلارزدایی است. دلارزدایی به این معنا که نیازهای ارزی کشور بر مبنای سایر ارزها تامین شده و تلاش شود، سهم دلار از روابط تجاری و مالی کشور کاهش یابد. به عبارت دیگر در سرفصل‌های ارزی که امکان مبادله و تخصیص ارز به غیر از دلار فراهم است، تلاش شود دلار مبنای محاسبه نباشد و به ارزهای دیگری این تخصیص صورت بگیرد. به عنوان نمونه این رویکرد در ایام اربعین سال جاری توسط بانک مرکزی اجرایی شده و بانک مرکزی با تخصیص دینار به زائران در راستای سیاست دلارزدایی گام برداشته است. همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود، اجرای این سیاست موجب ثبات نرخ دلار در بازار غیررسمی در دو هفته منتهی به اربعین حسینی شده است. (نمودار ۱)

استقبال بیش از یک میلیون نفر از ارز اربعین

آخرین آمار بانک مرکزی ۱۲ شهریور ماه بیانگر آن است که یک میلیون و شصت هزار نفر از ارز اربعین خود را از شعب ۶ بانک عامل تهیه کرده‌اند. با تدابیر بانک مرکزی و همراهی شبکه بانکی، دریافت ارز اربعین به میزان ۲۰۰ هزار دینار عراق از طریق بانک‌های عامل مقدور شده و دیگر مانند سال‌های قبل شاهد تشکیل صف مقابل صرافی‌ها و افزایش قیمت دینار در بازار آزاد نبودیم. فروش ارز به زائران بالای ۵ سال، از تاریخ ۲۸ شهریور ماه آغاز شده بود.

الگوی دلارزدایی برای سایر نیازهای ارزی

تخصیص ارز دینار به منظور گام برداشتن در راستای دلارزدایی را می‌توان به عنوان یکی از نمونه‌های موفقیت‌آمیز اجرای این سیاست تلقی کرد و می‌توان این الگو را در سایر سرفصل‌های ارزی که امکان پیاده کردن آن وجود دارد هم اجرایی کرد. به عنوان مثال تخصیص ارز به واحد پولی کشور مقصد مسافران مانند لیر برای ترکیه یا درهم برای امارت از جمله مصادیق تعمیم این الگو است.

بـرـش



تخصیص ارز محلی کشورها به جای دلار

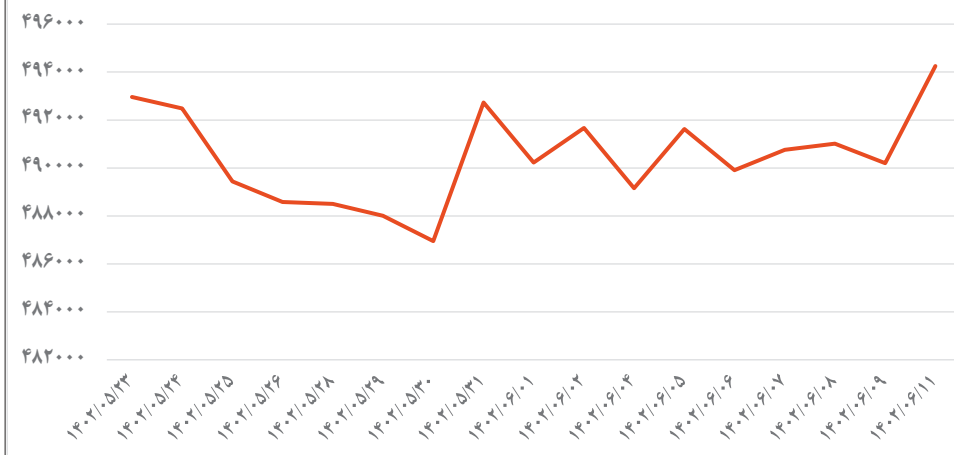
تخصیص ارز به زائران اربعین به منظور گام برداشتن در راستای دلارزدایی را می‌توان به عنوان یکی از نمونه‌های موفقیت‌آمیز اجرای این سیاست تلقی کرد و می‌توان این الگو را در سایر سرفصل‌های مصارف ارزی که امکان پیاده کردن آن وجود دارد هم اجرایی کرد. به عنوان مثال تخصیص ارز به واحد پولی کشور مقصد مسافران مانند لیر برای ترکیه یا درهم برای امارت از جمله مصادیق تعمیم این الگو است.

۵۰



• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

نرخ دلار در بازار غیر رسمی



نمودار ۱

نرخ دلار در بازار غیر رسمی

برنامه ریزی منسجم در راستای تسهیل گری و دلارزدایی

همانطور که پیش تر نیز اشاره شد، امسال بانک مرکزی رویکرد متفاوتی را در عرضه ارز اتخاذ کرد و عرضه دلار برای زائران کرپلا به کلی حذف و ارائه دینار جایگزین آن شد و بانک مرکزی سیاست دلارزدایی را به عنوان محور این رویه تعیین کرد. در سال جاری در نقاط دور دست و روستایی نیز عرضه دینار به راحتی انجام پذیرفت و با توجه به ارائه خدمات بانک مرکزی برای ارز، زائران اربعین امسال نیازی به دلار نداشتند و تامین دینار نیز با استفاده از ظرفیت های منطقه ای اتفاق افتاد. براین اساس، چند ماه قبل از اربعین حسینی، بانک مرکزی با درک اینکه در این ایام تقاضای دینار افزایش پیدا می کند، نسبت به تامین آن اقدام کرد. شاید اگر برای امسال هم این موضوع به روزهای آخر واگذار می شد، باز هم شاهد ایجاد صفوف بلند برای خرید ارز دولتی یا سفته بازی دلالتان بودیم.

گفتنی است که دینار، پولی با واحدهای کوچک است و به دلیل اندازه غیرطبیعی که دارد، قابلیت جایگزینی در ATM های استاندارد را ندارد، گامیون های متعددی برای حمل حجم زیاد دینار لازم بوده که طی چندین ماه پیش از اربعین تدارکات آن انجام شده است، بنابراین حتی از لحاظ فنی و نوع پول کشور عراق، تامین دینار به جای دلار کاری دشوار به نظر می رسد، اما با درایت بانک مرکزی، تامین ارز زوار به راحتی انجام شده است. نکته دیگر اینکه سال گذشته و سال های پیش از آن، چند هفته منتهی به اربعین روزهای پُر سودی برای دلالتان محسوب می شد که این اتفاق امسال به طور کامل از بین رفت.

امکان پیاده کردن آن وجود دارد نیز اجرایی کرد. به عنوان مثال تخصیص ارز به واحد پولی کشور مقصد مسافران مانند لیر برای ترکیه یا درهم برای امارت از جمله مصادیق تعمیم این الگو است. همچنین با تقویت این رویکرد، علاوه بر از بین رفتن تقاضای سوداگران به دلیل عدم وجود آربیتراژ قیمتی، بخشی از تقاضای مصرفی مسافران که نیاز به ارز کشور مقصد مانند لیر یا درهم دارند، اما دلار خریداری می کردند نیز از بازار دلار خارج شده و فشار تقاضا در بازار دلار ایجاد نمی شود.

پایان ساعت خاموشی زائران اربعین در صف صرافی ها

با تغییر نوع رویکرد بانک مرکزی در تخصیص ارز اربعین به زائران، شیوه دریافت ارز زائران نسبت به سال های گذشته تسهیل شده است. در سال های گذشته و به دنبال بی تدبیری های بسیاری که در نحوه تخصیص ارز و خدمات بانکی در دوره اربعین وجود داشت، زائران برای دریافت ارز اربعین با مشکلات زیادی روبه رو بودند. به عنوان مثال در سال ۹۷، زوار اربعین در تهران و عراق برای خرید دینار عراق برای مصارف سفر خود سرگردان شده بودند. از سوی دیگر ایجاد صف های طولانی در نجف و کرپلا یا صرافی های داخل کشور برای دریافت ارز، اصلاً زینده زائران ایرانی اربعین نبود. نگاهی به تصاویر صف های طویل مقابل صرافی ها یا بررسی تیتروارانه های مختلف از سردرگمی زائران حسینی برای تامین ارز اربعین در آن بازه زمانی، بخشی از عمق فاجعه را نمایان می کند.

۵۱



اقتصاد

شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲

دکتر ایمان زنگنه، اقتصاددان و تحلیلگر مسائل
اقتصادی در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد
از شکست تابوی دلار زدایی می‌گوید

دیپلماسی ارزی بانک مرکزی حذف رسمی دلار را کلید زد

- بانک مرکزی سیاست‌های جدیدی در رابطه با دلار زدایی اتخاذ کرده و بر اساس آن مناسبات جاری کشور را کمتر به دلار گره زده است
- تجربه ارز اربعین در سال جاری را می‌توان به عنوان یک تجربه، به حوزه تبادل کالا و مبادلات تجاری با شرکای تجاری یا همسایگان تسری داد و از آن استفاده کرد
- ایالات متحده در سال‌های اخیر با کارت دلار بیش از حد بازی کرده، بنابراین دلار اثرگذاری خود را در بلندمدت از دست داده است

۵۲



اقتصاد افق‌ها

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

در ایام اربعین حسینی که جمعیت عظیمی از مردم عازم کربلا می شوند، تهیه ارز دغدغه بسیاری از زائران حسینی است. زائرانی که در سال های گذشته ساعت ها برای خرید ارز صف می کشیدند، یا ارز های خود را آنطرف مرز و در شرایطی که دور از شان هموطنان بود دریافت می کردند، به این روش بانک مرکزی انتقاد داشتند. اما امسال سیاست تامین ارز زائران اربعین در بانک مرکزی تغییر کرد. فروش ارز اربعین امسال از ۲۸ مرداد ماه شروع شد و به اذعان مراجعه کنندگان برای خرید ارز، در مدت زمان ۱۰ دقیقه موفق شدند ارز مورد نیاز خود را دریافت کنند. در این بین پلتفرم های آنلاین نیز راهی بسیار ساده تر را در مقابل متقاضیان ارز اربعین قرار دادند.

تدبیر دیگر بانک مرکزی پرداخت دینار به جای دلار بود که هم باعث شد به ذخایر دلاری کشور فشار کمتری وارد شود و هم زوار را از تبدیل دلار به دینار در کشور عراق بی نیاز کرد. در رابطه با تمهیدات بانک مرکزی برای پرداخت ارز اربعین و همچنین نخستین تجربه عملی دلارزدایی در چنین مراسمی، با دکتر ایمان زنگنه، اقتصاددانان و تحلیلگر مسائل اقتصادی به گفت و گو پرداختیم که در زیر به آن اشاره شده است.

پرداخت ارز مورد نیاز زائرین اربعین امسال با شکل و شمایل متفاوت از سال های قبل صورت گرفت، ارزیابی شما از این اقدام بانک مرکزی چیست؟

در مقطعی نظیر راهپیمایی اربعین یا موارد مشابه به آن بخش تقاضا با تراکم مواجه می شود و متأسفانه عمدتاً هم تصمیماتی به تأیید می رسد که اطلاق واژه بد یا کج سلیقه برای آن مناسب تر است، زیرا با یک تدبیر بهتر هم خدمت رسانی شایسته تری صورت می گرفت و هم مفسدهای در زمینه عرضه ارز به وجود نمی آمد. مصداق آن هم تشکیل صف برای دریافت ارز است که ناخودآگاه به بازار این پیام را می رساند که حتماً تنگنا یا مسئله ای وجود دارد. تامین کننده حجم عمده ای از نیازهای ارزی در بخش مبادلات، بانک مرکزی است که نباید اجازه دهد مسئله کوچکی، موضوعات بزرگ تر را تحت تأثیر قرار دهد و این ذهنیت را ایجاد کند

که تنگنای ارزی وجود دارد و در مضیقه هستیم. شاید در ادوار گذشته نسبت به این مسئله که تمام این موارد می تواند در انتظارات تأثیر بگذارد توجه نداشتند، ولی در اربعین امسال از فناوری های جدید استفاده شد و در خیلی از پیام رسان های داخلی بستری فراهم آمد که مسئله ازدحام و صف را برطرف کرد، این کار جای تقدیر و تشکر دارد و تقاضا این است که استمرار یابد.

به نظر می رسد که پرداخت ارز اربعین یادینار به جای دلار اولین تجربه رسمی کشور در دلارزدایی نیز باشد.

بانک مرکزی سیاست های جدیدی در رابطه با دلارزدایی اتخاذ کرده و بر اساس آن مناسبات جاری خود را کمتر به دلار گره زده است. در مواقعی که می توان مبادلات را از مجاری در دسترس پیگیری کرد، چرا راه دیگری برگزیده شود؟ با عراق دو کشور همسایه هستیم و حجم مبادلات تجاری رقم قابل ملاحظه ای را در بر می گیرد، چه نیازی است که با ارزی ثالث کارها را پیش ببریم. زمانی باید چنین رفتار کرد که امکان دستیابی به مصالحه و تفاهم وجود نداشته باشد و چاره ای جز استفاده از ارز جهان رویایی مانند دلار یا یورو نداشته باشیم، ولی امسال در این زمینه خوب کار شد، کمالینکه در یکی دو سال اخیر با واژه ای مانند دیپلماسی ارزی مواجه هستیم. بانک مرکزی راساً سیاست گذار اقتصادی و سیاست گذار حوزه سیاست خارجی کشور را متقاعد کرده است که در زمینه ارزی انسجام ایجاد کند و مسائل ارزی در دیپلماسی با اولویت پیگیری شود.

انتظار می رود که پیرامون همین مفهوم به دیپلماسی تجاری هم پرداخته شود. چنانچه این تجربه در زمینه پرداخت ارز مسافرتی به کالاهای تعمیم داده شود، شاید به نوعی بتوان با کشورها به صورت دوجانبه یا چندجانبه تهاوت کرد و در شرایط فعلی که تحت تحریم هستیم و تسویه های بین المللی با مشکل مواجه شده است، بتوان به راهکار مفیدی دست یافت.

آیا مدل انجام شده در ایام اربعین امسال را می توان در تمام نیازهای ارزی کشور به کار گرفت؟

برخی نیازهای کشور خارج از محدوده

چنانچه تجربه دلارزدایی در ارز اربعین به کالاهای تعمیم داده شود، شاید به نوعی بتوان با کشورها به صورت دوجانبه یا چندجانبه تهاوت کرد و در شرایط فعلی که تحت تحریم هستیم و تسویه های بین المللی با مشکل مواجه شده است، بتوان به راهکار مفیدی دست یافت



تقاضای اضافی
که در ادوار
گذشته در
ایام اربعین به
وجود می آمد
به جز مسئله
انتظارات، یکی
از عواملی بود که
موجب بالا رفتن
نرخ ارز می شد
که امسال این
اتفاق را شاهد
نبودیم

کشورهایی که اشاره شد، قرار دارد، زیرا ما به فن آوری، تکنولوژی یا دستگاه ها و ماشین آلات مواد اولیه ای نیاز داریم که آنها را کشورهای پیرامونی یا شرکای تجاری نمی توانند تامین کنند، در صورتی که موارد اشاره شده را مجزا کنیم، به کار گرفتن این روش با بخش عمده ای از مطالباتمان که در کشورهایی قرار دارد که با آنها دارای ارتباطات و تعاملات هستیم، تجربه موفقی خواهد بود، زیرا در نتیجه آن فشار کمتری بر پایه های ارزی می آید. بنابراین تجربه ارز اربعین در سال جاری را می توان به عنوان یک تجربه، به حوزه تبادل کالا و مبادلات تجاری با شرکای تجاری یا همسایگان تسری داد و از آن استفاده کرد.

در سال های گذشته افزایش یکباره نیاز به دلار برای راهپیمایی اربعین باعث جهش قیمت ارز به ویژه دلار در بازار می شد. جایگزینی دلار با دینار در اربعین امسال تا چه میزان توانست مانع از جهش قیمت ارز به ویژه دلار در بازار شود؟

امسال بر اساس آمار بانک مرکزی از این محل بیش از یک میلیون نفر تامین ارز شدند و این عدد با توجه به اینکه مسئله ای هم ایجاد نکرد، قابل ملاحظه است. در صورتی که تصمیم گیری ها به صورت بهینه اتخاذ شود، هم به سود مردم و هم به سود سیاست گذاری های کشور تمام خواهد شد؛ زیرا نگرانی بابت ازدحامی که برای تهیه ارز مردم به وجود می آید، با فشار به بازار ارز آن را تحت تاثیر قرار می دهد. تقاضای اضافی که در ادوار گذشته در این بخش به وجود می آمد، به جز مسئله انتظارات، یکی از عواملی بود که موجب بالا رفتن نرخ ارز می شد که امسال این اتفاق را شاهد نبودیم. مسافران ما که با هدف زیارت عازم این سفر روحانی می شوند به دینار نیاز دارند، سوال

اینجاست، چرا زائری که از سمت ایران به سوی کشور عراق حرکت می کند، الزاماً باید دلار همراه داشته باشد؟ این کار هم به منابع ارزی کشور بابت پرداخت دلار به متقاضیان فشار وارد می آورد و هم تبدیل شدن این دلار در عراق به دینار، بار اضافی به مسافران تحمیل خواهد کرد که امسال تمهید مناسبی برای آن اندیشیده شد.

نحوه جدید پرداخت ارز اربعین چه اثری بر فعالیت های سوداگران داشت و آیا توانست به جلوگیری از دلالی های ارزی نیز بینجامد؟

تصور رایج در ذهن ما این است که زمان افزایش متقاضی یا مواقعی که با تراکم تقاضای ارزی مواجه هستیم، ناچار به مراجعه در مقابل صرافی ها خواهیم بود و حتماً در یک ازدحام انتظار زیادی کشیده می شود که در نتیجه آن هم وقت متقاضی اتلاف خواهد شد و هم اطمینانی وجود ندارد که واقعاً صرافی به صف تشکیل شده، رسیدگی کند.

امسال دیده شد، افراد درخواست های خود را در یک بستر مناسبی ارائه دادند و ارز مدنظرشان را دریافت کردند. ضمن اینکه از ذخایر دیناری مناسبی برخوردار و دارای مطالباتی از کشور عراق هستیم که این اطمینان را ایجاد کرد که بانک مرکزی از حیث این منابع وضعیت مطلوبی دارد و آن را در اختیار زوار محترم جهت استفاده قرار می دهد.

آیا می توان گفت که این تمرین تامین ارز نشان داد که بانک مرکزی می تواند با اطمینان بیشتری نسبت به حذف کامل دلار از مبادلات تجاری کشور کام بر دارد؟

قرار نیست با یک تعداد کشور محدود در دنیا تعامل داشته باشیم. شاید بسیاری از نیازهای ما

بـرش



دیپلماسی ارزی سیاست جدی بانک مرکزی در دوره جدید

در یکی دو سال اخیر با واژه ای مانند دیپلماسی ارزی مواجه هستیم، بانک مرکزی راساً سیاست گذار اقتصادی و سیاست گذار حوزه سیاست خارجی کشور را متقاعد کرده است که در زمینه ارزی انسجام ایجاد کند و مسائل ارزی در دیپلماسی با اولویت پیگیری شود.





محدودیت‌هایی رنج می‌بریم قطعاً در اولویت قرار دارد.

ضرورت دارد تا ذخایر دلاری خود را به صورت مقتصدانه‌تر مورد استفاده قرار دهیم و انجام تبادلات با کشورهای همسو این امکان را به وجود می‌آورد. نیازمند عزم و اراده جدی مسئولان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور هستیم که تجربه دیپلماسی ارزی را تسری دهند و دیپلماسی تجاری و وزارت امور خارجه به مدد دستگاه‌های اقتصادی آیند تا این بروکرسی سختی که وجود دارد از پیش پای فعالان اقتصادی برداشته شود. دستگاه‌های حاکمیتی باید یار دوازدهمی برای حوزه صادرات و واردات کشور باشند.

**با توجه به اجماع جهانی
شکل گرفته از جمله دربریکس و
شانگهای برای دلارزدایی، این
موضوع تا چه میزان به بی‌اثر
کردن تحریم‌های ارزی برای
ایران موثر واقع خواهد شد؟**

ایالات متحده در سال‌های اخیر با کارت دلار

خارج از گستره شرکای تجاری باشد، پس ناگزیر برای تامین بخشی از آنها باید به سمت ذخایر دلاری یا یورویی برویم، ولی نکته مهم این است که تعاملات یا تجارت کشور نباید در انحصار یک ارز رایج قرار داشته باشد و این توانایی به خصوص اکنون که در شرایط تحریمی هستیم، باید وجود داشته باشد تا دستمان بسته نماند و روند به شکلی پیش نرود که نیازهای کشور تامین نشود.

در این شرایط وقتی می‌بینید کشورهایی همسو با ما وجود دارند که ارتباط با آنها هم می‌تواند هزینه تجارت و مبادله را کاهش و تقلیل دهد و هم در این راستا قرار دارند که تحت تحریم یا فشار کشورهای غربی هستند، این انگیزه را به وجود می‌آورد که پیمانی مستحکم میان آنها وجود داشته باشد.

شرایط برای ما نسبت به آنهایی که تحت فشار قرار ندارند، ذی‌قیمت‌تر است، پس چنانچه بتوانیم از این فرصت استفاده بهتری ببریم، قطعاً کمک به رفاه ملی خواهد شد. تامین نیازهای مردم با هزینه کمتر در حالی که به تجارت رسمی دنیا متصل نیستیم و از



این همراهی در سایر نیازهای ارزی و امور تجاری کشور استفاده کرد؟

مردم به دنبال تامین نیازهای خود با حداقل هزینه هستند و بر همین اساس خدمت با کیفیتی را مطالبه می کنند. در ادوار گذشته بخشی به دلیل محدودیت ها، قسمتی هم به خاطر تصمیمات غلط و نداشتن گوش شنوا توسط سیاست گذار خدمات نازل با هزینه سنگین و ریاضتی به مردم ارائه می شد که برآیند آن ابراز نارضایتی مردم از سیاست های در نظر گرفته شده بود که استمرار آن را به صرف و صلاح خود نمی دیدند.

چنانچه تصمیم گیران به این فکر باشند که خدمات چه مسائلی را برطرف می کند، حتماً مردم به مدد خواهند آمد، این به نوعی با مسئله سرمایه اجتماعی هم گره خواهد خورد. یعنی هر اندازه سیاست گذار و دولت از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشد، همراهی مردم با آنها بیشتر خواهد شد. امیدوار هستم اقداماتی که کمک می کند تا از مشکلات مردم کاسته شود به افزایش سرمایه اجتماعی دولت و بهبود سیاست گذاری های اقتصادی یاری رساند.

بیش از حد بازی کرده، بنابراین دلار اثرگذاری خود را در بلندمدت از دست داده است. وقتی کشورهای بزرگی با فشارهای کشورهای غربی مواجه می شوند یا محدودیت هایی برای آنها به واسطه جهان روایی دلار ایجاد می شود، به این صرافت می افتند که با راهکاری خود را از این تنگنارهایی دهند.

شاید این انگیزه در سال های اخیر به اندازه امروز برای کشورها فراهم نبود، ولی الان به نوعی احساس می شود که اتحاد کمک می کند تا ضربه پذیری اقتصاد ناشی از رصد معاملاتی آنها یا جهان روایی دلار کمتر شود و این مسئله می تواند به انگیزه های تبدیل شود که ارزهای داخلی بین کشورها در تبادلات دوسویه استفاده شود و کشورها در منطقه با هم مبادله و تهاوت داشته باشند تا به منابع غیرارز مشترک وابسته نباشد.

جایگزین کردن دینار با دلار در مراسم اربعین امسال نشان داد که همراهی مردم نیز در مسیر تصمیم سیاست گذار قرار می گیرد. تا چه حد می توان از

۵۶



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

اولین اقدام رسمی بانک مرکزی در دلارزدایی به نتیجه رسید

● تامین ارز اربعین به دینار این امتیاز را به همراه دارد که دیگر نیازی نیست ارز دوباره تبدیل شود و این کار برای زائر با سودآوری همراه است



دکتر حسین روبوران /

استاد دانشگاه تهران

تامین ارز مورد
نیاز زائرین
اربعین به دینار
عراق، اقدام
مثبتی است
و نشان از این
دارد که احتمالاً
ایران بخشی از
بدهی های خود
را با دینار تسویه
کرده است

تامین ارز مورد نیاز زائرین اربعین به دینار عراق، اقدام مثبتی است و نشان از این دارد که احتمالاً ایران بخشی از بدهی های خود را با دینار تسویه کرده و این کار (تامین ارز مورد نیاز زائرین اربعین به دینار) در راستای دلارزدایی انجام شده است. تامین ارز به این شکل علاوه بر همان بحث دلارزدایی این امتیاز را هم به همراه دارد که دیگر نیازی نیست، ارز دوباره تبدیل شود و این کار برای زائر با سودآوری همراه است. علاوه بر این مسئله، کار همه از جمله مردم و بانک مرکزی تا حد زیادی با این روش تسهیل می شود و دیگر نیازی به طی کردن یک چرخه نسبتاً طولانی نیست.

در رابطه با بحث دلارزدایی پیوستن ایران به گروه بریکس را هم می توان مورد توجه قرار داد. امروزه قدرت های نوظهور نه تنها شکل گرفته اند، بلکه با هم دست به ائتلاف می زنند و این پدیده قطعاً در تقابل با قدرت آمریکا و هفت کشور صنعتی و متحدان آنان قرار می گیرد. ورود ایران به بریکس قدرت این مجموعه را افزایش می دهد، همچنین تولید ناخالص ملی ۱۱ کشور بریکس از مجموع تولید ناخالص هفت کشور صنعتی با ورود کشورهای جدید بیشتر می شود. در واقع تولید ناخالص بریکس بیش از ۵۲ تریلیارد دلار خواهد شد که بیشتر از ۴۶ تریلیارد دلار هفت کشور صنعتی است و این تحول می تواند نظم بین المللی را تغییر دهد.

امروز بیش از هر زمانی، قدرت های جهانی در حال نزدیک شدن به یکدیگر هستند. یعنی یک سری قدرت های ثابت به دلیل رکود اقتصادی، پیری جمعیت، از هم پاشیده شدن خانواده ها و مسائل دیگر در حال افول هستند و یک سری هم در حال

صعود قرار دارند. آنچه که در حال حاضر اتفاق افتاده است، نزدیک شدن قدرت های جهانی به یکدیگر از لحاظ توان و تاثیرگذاری است که این خود یک نظم جدید بین المللی را به وجود می آورد. در گذشته دور معمولاً ذخایر ارزی کشورها متنوع بود. یعنی ۲۰ درصد دلار و مابقی پوند، فرانک فرانسه، مارک آلمان، ین ژاپن و... بود، اما به دلیل فروپاشی بلوک شرق و صعود آمریکا در عمل یک اتفاق مهمی روی داد و آن هم این بود که نظامی شبه تک قطبی به وجود آمد و این نظام تک قطبی، دلار را به عنوان ارز جهانی تقویت کرد و حتی یورو نتوانست با دلار رقابت چندانی داشته باشد.

این جریان به شکلی پیش رفت که بخشی از قدرت آمریکا در عرصه بین المللی به توان دلار ارتباط یافت، البته امکانات تسهیلاتی، ارتش، ناوبرها و خیلی از موارد دیگر هم وجود داشت، اما به دلار بیش از ابزارهای دیگر قدرت، مهم شمرده می شد. اینکه در حال حاضر وزاری دارای کشورهای عضو بریکس مامور شده اند که در مدت یک سال ارز جدید بین المللی ایجاد کنند، نشان از این دارد که دلار دیگر جایگاه سابق را دارا نیست.

همین که این اراده به وجود آمده و تصمیم رانمایی کرده اند از یک واقعیت بسیار مهم پرده برمی دارد و آن هم این است که قدرت های جدیدی در حال ظهور هستند که نه تنها درصدد تعریف پول جدیدی برآمده اند، بلکه از پشتوانه بسیار بزرگی برای این پول برخوردارند. نفت و گاز ایران، روسیه، عربستان، امارات و طای آفریقای جنوبی و سیلوی غذای جهان در برزبل مزایای اقتصادی بزرگی به حساب می آید که می تواند پشتوانه چنین ارزی باشد. ارز واحد بریکس در آینده نزدیک تحولی را رقم خواهد زد که قطعاً از مهم ترین نتایج آن دلارزدایی خواهد بود.

۵۷



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

سیاست‌های بانک مرکزی بازار ارز را به آرامش رساند

- با تصویب قانون بانکداری و اجرایی شدن آن اختیارات بانک مرکزی کامل‌تر خواهد شد
- افتتاح حساب ارزی اقدام مثبتی است که از سوی بانک مرکزی، شکل عملیاتی به خود گرفت

حسینعلی حاجی‌دلیگانی /

عضو هیات رئیسه مجلس



ایجاد ثبات
نسبی در نرخ
حواله درهم
امارات و قیمت
دلار هرات یکی
از عواملی بود
که سرعت
نوسانات نرخ ارز
را گرفت و این
اقدام از کارهای
تاثیرگذار بانک
مرکزی به
حساب می‌آید

باید مسئولان امر در این زمینه با توجه به امکانات و شرایط کشور به یک جمع‌بندی کلی دست یابند و برای گام‌های خود، بر همان اساس برنامه‌ریزی داشته باشند. سیاستی که اخیراً درباره موضوع ارز به میان کشیده شد، سیاست مناسبی بود. افتتاح حساب ارزی برای دریافت دلار و یورو اقدام مثبتی محسوب می‌شود که از سوی بانک مرکزی شکل عملیاتی به خود گرفت، از این طریق با توجه به نیازهای فعالان اقتصادی، می‌توان از دامن‌زدن به بازار سیاه جلوگیری کرد و بازار خرید و فروش ارز را توسط سودگران از رونق انداخت.

نکته‌ای که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد، روند بانک‌داری در دنیای امروز است. بانکداری در کشورهای مختلف دنیا به سمت استقلال در حال حرکت است، اما در کشور ما عملاً به ابزار دولت‌ها برای حل مشکلات مالی تبدیل شده که این امر سبب گندی و یا اجرانشدن تصمیمات درست می‌شود.

البته مجلس بر میزان اهمیت این مسئله به طور کامل آگاهی دارد و در طرح مربوط به بانکداری که در بخشی از آن اختیارات بانک مرکزی را مورد توجه قرار داده، تقویت جایگاه و افزایش اختیارات این نهاد مهم پولی در کشور را به تصویب رسانده است که البته با ایراداتی از سوی شورای نگهبان روبرو شده و به دلیل اصرار نمایندگان، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد تا تصمیم‌گیری نهایی صورت گیرد. با تصویب این قانون و اجرایی شدن آن، اختیارات بانک مرکزی کامل‌تر خواهد شد و نقش این نهاد در اعمال سیاست‌های پولی و مالی کشور بیشتر می‌شود.

بانک مرکزی در تمام کشورهای دنیا مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذار پولی به حساب می‌آید، بنابراین اداره درست اقتصاد کشور بدون این نهاد، غیرممکن است. اما باید توجه داشت، جایگاهی مانند بانک مرکزی نیازمند مدیریت بهینه است و دستیابی درست به این امر در کشور ما به یک سری اصلاحات در سیاست‌های پولی و مالی کشور نیاز دارد که باید در دستور کار قرار گیرد.

یکی از مسائل در اداره اقتصادی کشور، نوع ریاضتی است که بر اساس نظرات وزارت اقتصاد حاکم می‌شود و نتیجه آن هم افزایش تورم و خروج پول از جیب عموم مردم است، در نهایت هم سود کسانی که صاحب اموال هستند به شکلی تضمینی، افزایش پیدا می‌کند.

دیدگاه بانک مرکزی مبتنی بر کنترل قیمت‌ها براساس نرخ ارز، سکه و طلا قرار دارد که از سیاست ریاضتی وزارت اقتصاد بسیار موثرتر و مفیدتر است. بانک مرکزی با این روش می‌تواند عملکرد بهتری از خود نشان دهد و تا حدودی هم موفق شده قیمت‌ها را کنترل کند. ایجاد ثبات نسبی در نرخ حواله درهم امارات و قیمت دلار هرات یکی از عواملی بود که سرعت نوسانات نرخ ارز را گرفت و این اقدام از کارهای تاثیرگذار بانک مرکزی به حساب می‌آید. با این حال، نباید به این اندازه از تلاش قناعت کرد، زیرا باز هم جای کار وجود دارد. بانک مرکزی نیاز دارد تا سیاست‌هایی را دنبال کند که به حل مشکلات منجر شوند، بنابراین

۵۸



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

BRICS



ابزارهای مالی جدید بریکس در خدمت اقتصاد ایران

● بررسی روند تاسیس گروه BRICS (بریکس) مُهر تاییدی
برناکارآمدی نهادهای بین‌المللی است

● سهم ارزهای محلی از تامین مالی پیش‌بینی شده بانک
بریکس تا سال ۲۰۲۶ به ۳۰ درصد خواهد رسید

● بررسی ۱۱۷ پروژه در بانک بریکس نشان می‌دهد که سهم
عمده پروژه‌های تامین مالی شده متعلق به حوزه زیرساخت‌های
حمل‌ونقل به ارزش ۱۴ میلیارد دلار بوده است



● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

سید حسن محفوظی موسوی /

کارشناس اقتصاد بین‌الملل

پیشنهاد می شود بانک مرکزی با تشکیل کمیته ای تخصصی ذیل معاونت بین الملل بانک و با همکاری با بانک های مرکزی کشورهای عضو بریکس و کشورهای تایید شده برای عضویت اقدام به طراحی سازکارها و ابزارهای جدیدی برای افزایش تعامل اقتصادی با بریکس و بانک NDB کند

نهادهای سازمان های بین المللی، از جمله سازمان ملل، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، تاکنون در دستیابی به بسیاری از اهداف و آرمان های اولیه خود شکست خورده اند. نگاه غیرواقع بینانه و جانبدارانه این سازمان ها به کشورها و ملت های جهان و نفوذ کشورهای غربی بر این سازمان ها، از دلایل اصلی عدم کامیابی آنها در رسیدن به اهداف شان است.

بررسی روند تاسیس گروه BRICS (بریکس) مهر تاییدی بر ناکارآمدی نهادهای بین المللی است. ایده تاسیس گروه بریکس ابتدا در سال ۲۰۰۱ واکنشی به ناکارآمدی نهادهای بین المللی و با هدف جابه جایی قدرت اقتصادی جهان از کشورهای توسعه یافته، به کشورهای در حال توسعه، مطرح شد. نخستین نشست رهبران ۴ کشور برزیل، روسیه، هند و چین، موسوم به «بریک» در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در روسیه برگزار شد. کشور آفریقای جنوبی نیز در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۰ به عضویت این گروه درآمد. کشورهای مستقل جهان، از جمله اعضای گروه بریکس سهم و قدرت قابل توجهی در نهادهای مالی و پولی دنیا ندارند. به همین دلیل اعضای گروه بریکس، علاوه بر تلاش برای افزایش سهم خود در نهادهای موجود، در پی ایجاد نهادهای مالی و پولی جدیدی هستند که بتوانند قدرت ساختاری و مالی خود را افزایش دهند.

به همین منظور اعضای بریکس در اجلاس آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۳ تصمیم گرفتند «بانک توسعه نوین (NDB)» بریکس را ایجاد کنند. تاسیس این نهادهای مالی و پولی از سوی کارشناسان و پژوهشگران در راستای افزایش قدرت جهانی چین و عدم رضایت این کشور از تقسیم قدرت و حق رای در نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ارزیابی می شود.

اعضای بریکس در پنجمین اجلاس خود (سال ۲۰۱۳، آفریقای جنوبی)، تصمیم به ایجاد «بانک توسعه نوین» بریکس گرفتند. بانک توسعه نوین (NDB) یک بانک توسعه چندجانبه است که توسط برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی (کشورهای عضو BRICS) با هدف تخصیص منابع برای پروژه های زیرساختی، توسعه پایدار در بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه (EMDCs) و بر اساس رتبه بندی اعتباری بین المللی تاسیس شده است.

دفتر مرکزی این بانک در شانگهای چین است. اولین دفتر منطقه ای NDB در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی تاسیس شد. دومین دفتر منطقه ای در سال ۲۰۱۹ در ساوتپائولو، برزیل و پس از آن مسکوروسیه و GIFT City هند تاسیس شد. در جدول ۱ مهم ترین رویدادهای مرتبط با بانک NDB طی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ به اختصار ذکر شده است.

اعضا و سهامداران فعلی بانک NDB

بر اساس ماده ۲ قرارداد بانک توسعه نوین بریکس، «عضویت برای اعضای سازمان ملل متحد، طبق مفاد موافقتنامه بانک توسعه نوین آزاد است که برای اعضای وام گیرنده و غیر وام گیرنده امکان پذیر خواهد بود.» در حال حاضر کشورهایی که در جدول ۲ آمده است عضو و سهامدار این بانک هستند.

طی سال های گذشته کشورهای دیگری نیز تمایل خود به عضویت در بانک توسعه نوین بریکس را اعلام کرده اند که می توان به کشورهای عربستان، آرژانتین، زیمباوه، هندوراس و ایران اشاره کرد. به گفته رئیس بانک NDB، یکی از جذابیت های افزایش تعداد کشورها در این بانک، افزایش منابع بانک و متنوع شدن پرتفوی آن است که می تواند به افزایش ظرفیت بانک در تخصیص بیشتر وام ها کمک کند. پیشنهاد عضویت ۳ کشور آرژانتین، زیمباوه و عربستان قرار است در نشست سال ۲۰۲۳ این بانک بررسی شود.

راهبردهای کلان بانک برای سال های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶

این بانک راهبردهای کلانی برای سال های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ اتخاذ کرده است که بر اساس آنها قرار است:

- حجم کل تامین مالی تایید شده از سوی بانک معادل ۳۰ میلیارد دلار باشد
- تامین مالی پروژه هایی که در راستای حفظ محیط زیست و سازگاری با تغییرات آب و هوایی باشند ۴۰ درصد کل تامین مالی های این بانک باشد
- سهم ارزهای محلی از تامین مالی پیش بینی شده به ۳۰ درصد برسد
- نسبت پروژه های غیرحاکمیتی به کل تامین مالی به ۳۰ درصد برسد
- نسبت پروژه های تامین مالی شده با مشارکت بانک های توسعه ای چندجانبه اعضا به ۲۰ درصد برسد



جدول ۱

مهم‌ترین رویدادهای مرتبط
با بانک NDB طی سال‌های
۲۰۲۲ تا ۲۰۱۲

سال	مهم‌ترین اقدامات بانک
۲۰۱۲	تاسیس یک بانک توسعه‌ای جدید مورد توجه رهبران کشورهای بریکس قرار گرفت
۲۰۱۳	رهبران بریکس در خصوص امکان سنجی تاسیس بانک توسعه نوین بریکس به توافق رسیدند
۲۰۱۴	توافق‌نامه تاسیس بانک NDB در ششمین اجلاس بریکس توسط رهبران کشورهای عضو امضا شد
۲۰۱۵	جلسه افتتاحیه شورای حکام بانک در جولای سال ۲۰۱۵ برگزار و آقای کانداپور ومان گامات (K. V. Kamath) از هند، به عنوان اولین رئیس بانک انتخاب شد
۲۰۱۶	در این سال بانک اولین قسط از سرمایه پرداختی را از ۵ کشور موسس دریافت و به این ترتیب بانک به طور کامل شروع به فعالیت کرد
۲۰۱۷	در این سال هیئت مدیره NDB اولین مجموعه از پروژه‌های کشورهای عضو تصویب کرد و در ماه دسامبر، اولین قرارداد وام این بانک امضا شد
۲۰۱۷	راهبرد کلی بانک برای سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ توسط شورای حکام بانک تصویب شد و اولین دفتر منطقه‌ای NDB در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی افتتاح شد.
۲۰۱۸	در این سال بانک NDB رتبه اعتباری AA+ را از دو موسسه S&P و Fitch دریافت کرد
۲۰۱۹	دفتر منطقه‌ای بانک در آمریکای جنوبی و در شهر ساو پائولو و دفتر فرعی آن در برازیلیا تاسیس شد. همچنین در این سال، بانک NDB، علاوه بر اعطای وام به ارز دلار آمریکا، وام‌دهی به ارزهای یورو، یوان چین، رند آفریقای جنوبی و فرانک سوئیس را تصویب کرد
۲۰۲۰	بانک مجموعاً ۱۰ میلیارد دلار به عنوان پاسخی به همه‌گیری ویروس کرونا اختصاص داد و از اقدامات فوری کشورهای برای بهبود وضعیت اقتصادی اعلام حمایت کرد و آقای مارکوس پرادو و تروخیو (Marcos Prado Troyjo) به عنوان دومین رئیس بانک انتخاب شد. دفتر منطقه‌ای بانک در منطقه اوراسیا، در شهر موسکو کشور روسیه نیز افتتاح شد
۲۰۲۱	بانک NDB، کشورهای بنگلادش، مصر، امارات و اروگوئه را به عنوان اعضای جدید بانک پذیرفت. همچنین در این سال، بانک به مقر دائمی خود در شانگهای چین منتقل شد
۲۰۲۲	دفتر منطقه‌ای هند در منطقه فناوری و تامین مالی بین‌المللی گوجرات (GIFT City)، با هدف تامین مالی و نظارت بر پروژه‌های زیرساختی در هند و بنگلادش، افتتاح شد. در ماه مارس این سال در پاسخ به جنگ روسیه و اوکراین، بانک توسعه نوین اعلام کرد که معاملات جدید با روسیه را متوقف کرده است و راهبرد کلی بانک در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ به تصویب شورای حکام بانک رسید
۲۰۲۳	خانم دیلما روسف، رئیس جمهور سابق برزیل، به عنوان رئیس جدید بانک انتخاب شد عربستان قصد خود را برای پیوستن به بانک NDB اعلام کرد



جدول ۲

ردیف	کشور	تاریخ عضویت	سهام (میلیون دلار)	سهام (درصد)	وضعیت
۱	برزیل	۳ جولای ۲۰۱۵	۱۰,۰۰۰	۱۸.۹۸	تاسیس‌کننده و وام‌گیرنده
۲	روسیه	۳ جولای ۲۰۱۵	۱۰,۰۰۰	۱۸.۹۸	تاسیس‌کننده و وام‌گیرنده
۳	هند	۳ جولای ۲۰۱۵	۱۰,۰۰۰	۱۸.۹۸	تاسیس‌کننده و وام‌گیرنده
۴	چین	۳ جولای ۲۰۱۵	۱۰,۰۰۰	۱۸.۹۸	تاسیس‌کننده و وام‌گیرنده
۵	آفریقای جنوبی	۳ جولای ۲۰۱۵	۱۰,۰۰۰	۱۸.۹۸	تاسیس‌کننده و وام‌گیرنده
۶	بنگلادش	۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱	۹۴۲	۱.۷۹	وام‌گیرنده
۷	امارات	۱۴ اکتبر ۲۰۲۱	۵۵۶	۱.۰۶	غیر وام‌گیرنده
۸	مصر	۲۰ فوریه ۲۰۲۳	۱,۱۹۶	۲.۲۷	وام‌گیرنده
۹	اروگوئه	عضو احتمالی *	-	-	وام‌گیرنده

* عضو احتمالی به این معناست که عضویت این کشور توسط شورای حکام NDB پذیرفته شده است و پس از تودیع سند الحاق، رسماً به عضویت این بانک در خواهند آمد.

۶۱



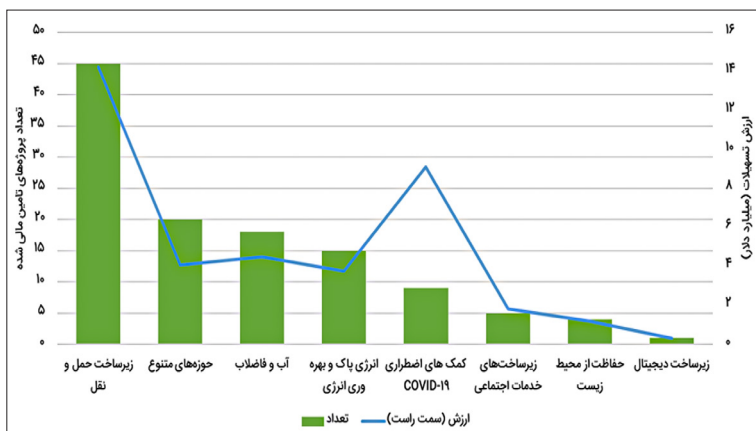
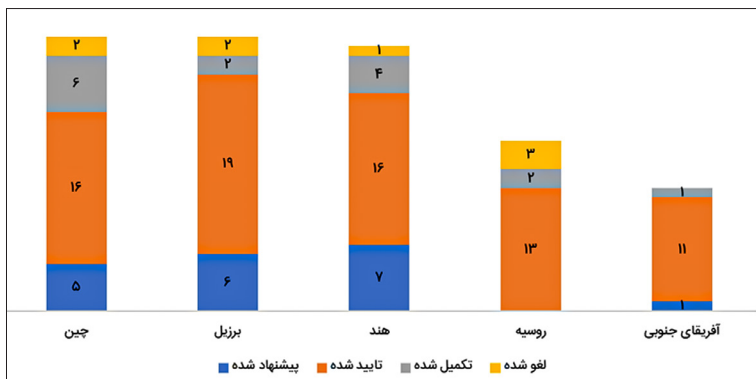
اقتصاد

شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲

بررسی وام‌های پرداختی بانک NDB

در بانک NDB، پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار که باعث رشد اقتصادی و بهبود زندگی مردم در کشورهای عضو می‌شود، در اولویت قرار داده می‌شود. کار این بانک بر ارائه تأثیر توسعه به شیوه‌ای سریع، انعطاف‌پذیر و کارآمد متمرکز است. برای تسریع توسعه پایدار و

فراگیر با کشورهای عضو، سازمان‌های بین‌المللی، موسسات مالی توسعه‌ای، جوامع محلی، جامعه مدنی و سایر شرکای توسعه همکاری نزدیکی تعریف شده است. برای تحقق هدف بانک، از پروژه‌ها در بخش‌های دولتی و خصوصی از طریق وام، سرمایه‌گذاری سهام و سایر ابزارهای مناسب حمایت می‌شود.



نمودار ۱

وضعیت پروژه‌های تامین مالی شده توسط NDB به تفکیک اعضا



نمودار ۲

تفکیک پروژه‌های تامین مالی شده براساس حوزه‌های وام‌دهی بانک NDB

فرآیند و سازگار عضویت در بانک NDB

در فرآیند عضویت یک کشور جدید در این بانک، چه به صورت عضو وام‌گیرنده و چه به صورت عضو غیر وام‌گیرنده، شرایطی باید رعایت شود، از جمله اینکه:

۱. قدرت رای (سهام) تمام اعضای موسس کمتر از ۵۵ درصد نشود
 ۲. قدرت رای (سهام) تمام اعضای غیر وام‌گیرنده بیشتر از ۲۰ درصد نشود
 ۳. قدرت رای (سهام) یک عضو غیر موسس بیش از ۷ درصد نشود
- گفتنی است، منظور از اعضای موسس، کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی هستند که در حال حاضر سهامدار ۹۴.۹ درصد از این بانک به شمار می‌آیند. همچنین تنها عضو غیر وام‌گیرنده این بانک، کشور امارات است که ۱.۰۶ درصد سهام دارد.

شرایط و سازگار عضویت یک کشور جدید در این بانک به صورت زیر است:

طی سال‌های گذشته، بانک NDB تعداد ۱۱۷ پروژه را تامین مالی کرده یا در حال تامین مالی است که از این بین ۱۵ پروژه در وضعیت تکمیل شده، ۷۵ پروژه در وضعیت تایید شده، ۱۹ پروژه در وضعیت پیشنهاد شده و ۸ پروژه نیز در وضعیت لغو شده قرار دارد. (نمودار ۱)

همچنین بررسی ۱۱۷ پروژه نشان می‌دهد که سهم عمده پروژه‌های تامین مالی شده متعلق به حوزه زیرساخت‌های حمل و نقل (۴۵ پروژه به ارزش ۱۴ میلیارد دلار) بوده است. (نمودار ۲)

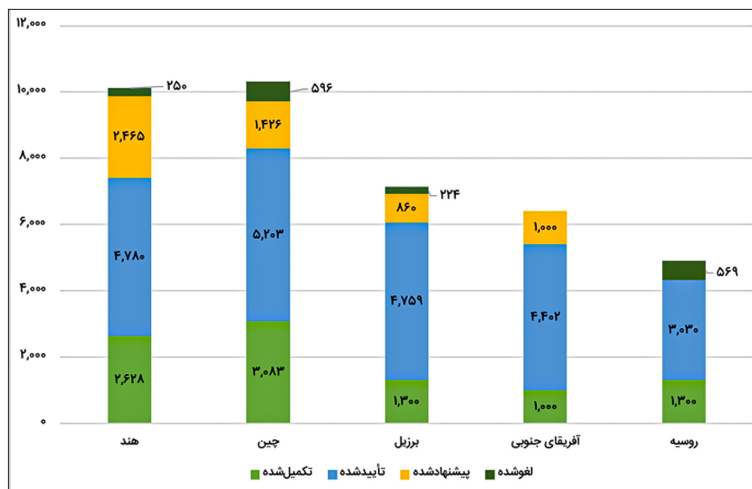
ارزش کل ۱۱۷ پروژه جدول ۳ برابر ۳۸.۸ میلیارد دلار است که سهم اعضای وام‌گیرنده بانک از این میزان، به شرح جدول ۳ و نمودار ۳ می‌باشد. همچنین وام‌دهی این بانک با استفاده از ارزهای دلار آمریکا (۶۶.۱ درصد)، یوان چین (۱۷.۷ درصد)، یورو (۱۰.۰ درصد)، راند آفریقای جنوبی (۴.۱ درصد)، فرانک سوئیس (۱.۸ درصد) و روپیه هند (۰.۳ درصد) صورت پذیرفته است. (نمودار ۴)

۶۲



• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

کشور وام گیرنده	تکمیل شده	تایید شده	پیشنهاد شده	لغو شده	مجموع
هند	۲,۶۲۸	۴,۷۸۰	۲,۴۶۵	۲۵۰	۱۰,۱۲۳
چین	۳,۰۸۳	۵,۲۰۳	۱,۴۲۶	۵۹۶	۱۰,۳۰۸
برزیل	۱,۳۰۰	۴,۷۵۹	۸۶۰	۲۲۴	۷,۱۴۳
آفریقای جنوبی	۱,۰۰۰	۴,۴۰۲	۱,۰۰۰	۰	۶,۴۰۲
روسیه	۱,۳۰۰	۳,۰۳۰	۰	۵۶۹	۴,۸۹۹
بنگلادش	۰	۰	۰	۰	۰
مصر	۰	۰	۰	۰	۰
اروگوئه	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع	۹,۳۱۱	۲۲,۱۷۴	۵,۷۵۱	۱,۶۳۹	۳۸,۸۷۵



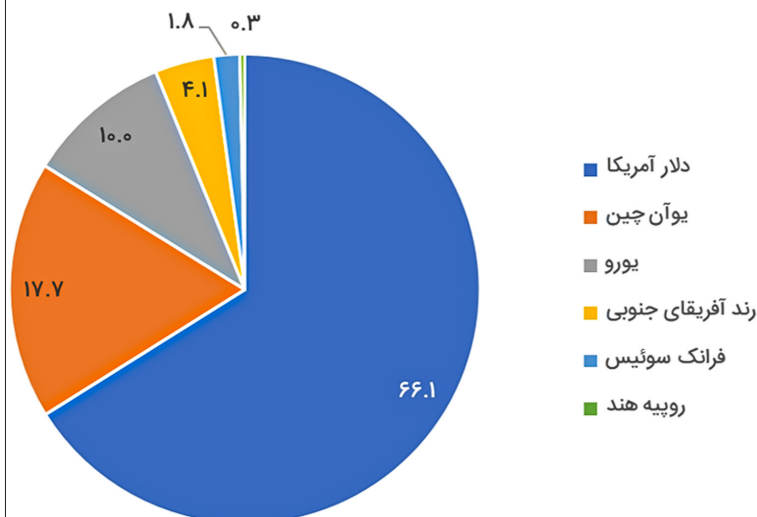
ناشی از موافقتنامه بانک، مفاد موافقتنامه و سایر شرایط و رویه‌های پذیرش در بانک را بر عهده خواهد گرفت. همچنین باید بازه زمانی که در آن عضو احتمالی اولین پرداخت خود (سهام سرمایه پرداختی) را انجام می‌دهد، در نامه مشخص شود.

ارزیابی عضویت ایران در بانک NDB برپیکس و بهره‌مندی از تسهیلات آن

یکی از چالش‌های جدی عضویت ایران در بانک NDB، تردید در وجود آورده اقتصادی این بانک برای کشور در شرایط تحریمی است. سابقه سهامداری و عضویت ایران در نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و ممانعت در اعطای کمک مالی اضطراری در مقابله با کرونا علی‌رغم درخواست و پیگیری از طرف ایران حاکی از آن

۱. دارا بودن شرایط اولیه عضویت (عضویت در سازمان ملل متحد، پذیرش مشارکت در سهام سرمایه بانک، پذیرش برنامه زمان‌بندی پرداخت سرمایه و شیوه حضور نمایندگان در هیئت مدیره بانک)
 ۲. دارا بودن سایر شرایط مرتبط با بانک (التزام به موافقتنامه‌ها و اساسنامه بانک، پذیرش اهداف و اصول راهبردی بانک، پذیرش خط‌مشی‌ها و رویه‌های بانک و پذیرش رویه‌های داخلی برای عضویت سایر متقاضیان)
 ۳. درخواست اولیه و گفتگوهای مقدماتی بانک با عضو احتمالی
 ۴. تصویب چارچوبی برای پذیره‌نویسی سهام
 ۵. اخذ مجوز از شورای حکام (هیئت رئیسه) برای شرکت در مذاکرات رسمی
 ۶. آغاز فرآیند مذاکرات رسمی
- پس از مذاکرات رسمی، عضو احتمالی باید یک نامه درخواست ارائه دهد که در آن باید بیان کند با اهداف و اصول بانک همراه است و تعهدات

سهم ارزهای مختلف در وام‌های ارائه‌شده توسط بانک NDB (درصد)



نمودار ۴

سهم ارزهای مختلف در
وام‌های ارائه‌شده توسط
بانک NDB

در صفحه شخصی خود در توییتر مجدداً تاکید کرد که هرگونه گمانه‌زنی در خصوص آغاز مجدد عملیات این بانک در خصوص کشور روسیه، بی‌اساس است. همچنین بنا بر ارزیابی موسسه S&P که در گزارش‌های رسمی بانک نیز منتشر شده، بانک NDB با تمام تحریم‌های روسیه مطابقت داشته است و بنابر ارزیابی موسسه Fitch، بانک NDB مجموعه اقداماتی را برای کاهش رابطه با روسیه انجام داده است.

با این وجود، یکی از راهکارهای این بانک برای دوری از تحریم‌ها علیه روسیه، افزایش سهم ارزهای محلی در ارائه وام و تسهیلات است. به گفته وزیر دارایی کشور آفریقای جنوبی، افزایش استفاده از ارز محلی در میان اعضای NDB با هدف از بین بردن خطرات ناشی از نوسانات ارزش دلار و امکان ارائه وام به کشور روسیه در حال پیگیری است. بنابراین با توجه به تجربه روسیه در این بانک، در صورتی که بانک NDB راهکاری برای گسترش اعطای وام و تسهیلات به ارزهای ملی کشورهای عضو بیابد، می‌توان انتظار داشت که ایران نیز بتواند از وام و تسهیلات این بانک برخوردار شود. به طور خلاصه می‌توان حداقل پیش‌نیازهای اعطای وام به کشورهای تحریم‌شده از جمله ایران و روسیه را موارد زیر دانست:

است که صرف عضویت و سهامداری یا وجود امکان برای تخصیص وام دلیلی بر اعطای وام و بهره‌مندی ایران از منافع اقتصادی نیست. به این ترتیب ضروری است با نگاهی واقع‌بینانه، بهره‌برداری اقتصادی از عضویت در بانک NDB مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی تعداد و حجم وام‌های اعطایی به کشور روسیه حاکی از آن است که این کشور مجموعاً ۴۰۹۶ میلیارد دلار وام از این بانک دریافت کرده است که ۵۳ درصد این وام‌ها به ارز یورو، ۳۰ درصد به ارز فرانک سوئیس و تنها ۱۷ درصد به ارز دلار بوده است. آخرین وام این کشور در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱ و مربوط به پروژه «برنامه مسکن ارزان قیمت و توسعه شهری» بوده است. همچنین از تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ که بحران روسیه و اوکراین آغاز شد، وام جدیدی به کشور روسیه تعلق نگرفته است.

این بانک در بیانیه کوتاهی در ۳ مارس ۲۰۲۳ اعلام کرد که این بانک ضمن اعمال کلیه اصول بانکداری صحیح و مطابقت کامل با بالاترین استانداردهای انطباق (compliance standards)، با توجه به عدم قطعیت‌ها و محدودیت‌های آشکار، معاملات جدید در روسیه را متوقف کرده است. همچنین رئیس این بانک در ۲۶ جولای ۲۰۲۳ پیش از دیدار با رئیس جمهور روسیه،

۶۴



• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

یکی از
چالش‌های
جدی عضویت
ایران در بانک
NDB، تردید
در وجود آورده
اقتصادی این
بانک برای
کشور در شرایط
تحریمی است

همکاری راهبردی در جهت دستیابی به اهداف مشترک طرفین عنوان شده است. به همین منظور شکل‌هایی از همکاری پیشنهاد شده که از آن میان می‌توان به «ارائه خطوط اعتباری (lines of credit)» و «انتشار اوراق قرضه و پیمان‌های پولی (currencyswaps)» اشاره کرد.

به این ترتیب با توجه به همکاری بانک NDB در سازگار همکاری بین‌بانکی بریکس، می‌توان انتظار داشت که این بانک در طراحی و راه‌اندازی ابزارهای مالی جدیدی که همکاری‌های بانکی کشورهای بریکس را توسعه می‌بخشد نقش ویژه‌ای داشته باشد.

علاوه بر این انجمن کسب‌وکار بریکس با راه‌اندازی نظام پرداختی تحت عنوان بریکس پی (BRICS Pay) در حال فراهم کردن استفاده از ابزارهای پیام‌رسانی مالی (Financial messaging)، تسویه و پایاپای (Settlements and clearing) و ارز دیجیتال بانک‌های مرکزی بریکس (BRICS CBDC) است.

بنابراین علاوه بر اینکه ایران می‌تواند به واسطه احتمال عضویت کامل در گروه بریکس، در سازگار همکاری بین‌بانکی بریکس حضور داشته باشد، از طریق سهامداری در بانک NDB بریکس نیز در طراحی ابزارهای مالی جدید برای تسهیل همکاری و تعامل با این بانک، نقش فعالانه‌ای داشته باشد.

پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تشکیل کمیته‌ای تخصصی ذیل معاونت بین‌الملل بانک و با همکاری با بانک‌های مرکزی کشورهای عضو بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و کشورهای تأییدشده برای عضویت (عربستان، امارات، مصر، آرژانتین و اتیوپی)، اقدام به طراحی سازگارها و ابزارهای جدیدی برای افزایش تعامل اقتصادی با بریکس و بانک NDB کند.

- توسعه سازگار ارائه تسهیلات و وام به ارزهای ملی
- تنوع بخشی به بازارهای تامین مالی
- کاهش ریسک ارزیابی رتبه اعتباری به کمک ارزیابی توسط نهادهای جایگزین

از سوی دیگر ضروری است جمهوری اسلامی ایران نقش فعالانه‌ای در طراحی و راه‌اندازی ابزارهای مالی جدید متناسب با شرایط تحریمی، در چارچوب گروه بریکس با همکاری بانک NDB و انجمن کسب‌وکار بریکس (Brics Business Council) داشته باشد.

در سال ۲۰۱۰ با هدف توسعه و تقویت روابط اقتصادی و همکاری‌های سرمایه‌گذاری بین کشورهای بریکس، نهادهای مالی دولتی بریکس یادداشت همکاری امضا کردند و بدین ترتیب سازگار همکاری بین بانکی بریکس (BRICS interbank cooperation mechanism) ایجاد شد. این تفاهم نامه عمدتاً برای ترویج همکاری‌های همه‌جانبه، بلندمدت و بین‌بانکی بین شرکا و برای تقویت روابط تجاری و اقتصادی بین کشورهای عضو بریکس طراحی شده است.

بر اساس توافقنامه‌هایی که در چارچوب این سازگار به امضا رسیده، بانک‌های عضو در راستای توسعه همکاری‌های مالی چندجانبه بین کشورهای بریکس گام برداشته و سازگارهای اساسی برای تسویه پرداخت‌های بین بانکی (interbank payment) و تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری با ارزهای محلی ایجاد کرده‌اند.

این تفاهم‌نامه توسط بانک توسعه برزیل، وینشیک‌نومبانک روسیه (بانک توسعه‌ای در روسیه)، اگزیم‌بانک هند، بانک توسعه هند و بانک توسعه آفریقای جنوبی به امضا رسید و در اکتبر ۲۰۱۶ بانک NDB نیز با پیشنهاد همکاری ۵ ساله و پس از آن در ژوئن ۲۰۲۲ با امضای یادداشت تفاهمی به این سازگار پیوست. هدف از این یادداشت تفاهم، ارتقای همکاری در موضوعات مورد علاقه مشترک و تسهیل

وضعیت تامین مالی در بانک بریکس

طی سال‌های گذشته، بانک NDB تعداد ۱۱۷ پروژه را تامین مالی کرده یا در حال تامین مالی است که از این بین ۱۵ پروژه در وضعیت تکمیل شده، ۷۵ پروژه در وضعیت تأییدشده، ۱۹ پروژه در وضعیت پیشنهادشده و ۸ پروژه نیز در وضعیت لغوشده قرار دارد

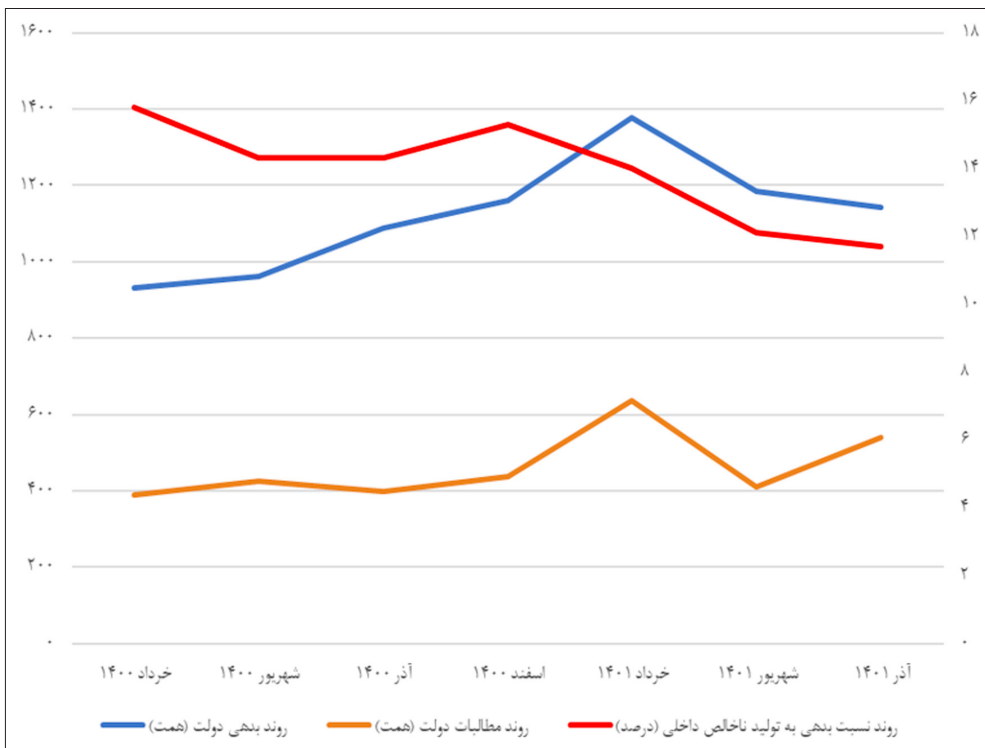


چرخه تامین مالی تورمی متوقف شد

- تامین منابع عمومی از طریق فروش اوراق، بهترین روش برای جلوگیری از پولی سازی کسری بودجه و تورم ناشی از آن است
- طی سال های اخیر سهم انتشار اوراق در واگذاری دارایی های مالی افزایش یافت و در بودجه امسال به ۶۳ درصد رسید

بیشترین نقش را در تامین منابع بعد از درآمدهای مالیاتی داشته است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی در حوزه اقتصاد کلان، تامین منابع عمومی از طریق فروش اوراق بهترین روش برای جلوگیری از پولی سازی کسری بودجه و تورم ناشی از آن است. همواره بانک مرکزی در نیمه

فروش اوراق دولتی در سال های اخیر و همزمان با افزایش فشارهای ناشی از تحریم ها و کاهش منابع نفتی، از اهمیت ویژه ای در تراز و جبران کسری بودجه برخوردار بوده است، به نحوی که از سال ۱۳۹۵ و همزمان با تشکیل مرکز مدیریت بدهی های عمومی و روابط مالی دولت،



▲
نمودار ۱

روند بدهی، مطالبات
و نسبت بدهی به تولید
ناخالص داخلی

و سررسید آن را سه ساله در نظر خواهد گرفت. در این گزارش سعی شده است پس از بحث در مورد بدهی و مطالبات دولت و روند انتشار این اوراق، در خصوص آثار ضدتورمی انتشار اوراق بحث شود.

خلاصه وضعیتی از بدهی و مطالبات دولت

قبل از آغاز بحث در مورد انتشار اوراق بدهی دولت، در ابتدای کار لازم است به صورت کلی وضعیتی از بدهی ها و مطالبات دولت به صورت خلاصه ارائه شود. بر اساس آخرین اطلاعات درج شده توسط دستگاه های اجرایی در سامانه مدیریت اطلاعات بدهی ها و مطالبات دولت (سماد) در پایان فصل پائیز سال ۱۴۰۱ میزان بدهی و مطالبات دولت به ترتیب ۱۱۴۴ و ۵۴۱ همت (هزار میلیارد تومان) است. خلاصه وضعیت بدهی های دولت نشان می دهد که دولت در حدود ۵۶۷ همت معادل ۵۰ درصد از مبلغ بدهی به اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی بدهی دارد. بانک ها و موسسات اعتباری (شامل بانک مرکزی) با ۳۳۳ همت و نهادها و موسسات عمومی غیردولتی

خردادماه هر سال اطلاعیه بازار اوراق بدهی را منتشر و طبق روال سال های اخیر (از سال ۱۳۹۹ به بعد) دولت در هفته های میانی خرداد ماه، نخستین حراج اوراق بدهی را منتشر و بانک مرکزی نیز در این انتشار، نقش کارگزار را ایفا می کند. در انتشار اوراق بدهی دولت و یا در واقع مسیر درآمدزایی دولت، پولی به چاپ نخواهد رسید و در نتیجه تغییری در پایه پولی رقم نخواهد خورد و این مسیر می تواند به عنوان یک مسیر غیر تورمزا در اقتصاد ایران عمل کند. از اینرو وزارت اقتصاد با عاملیت بانک مرکزی، برای نخستین بار در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۵ همت (هزار میلیارد تومان) از این اوراق را برای مظنه گیری به فروش رساند. این میزان از اوراق، معادل اوراقی است که در ماه های اخیر سررسید شده و دیگر در ترازنامه بانک ها نیست. در این خصوص به نظرمی رسد وزارت اقتصاد با همراهی بانک مرکزی، برای حفظ جذابیت این اوراق، نرخ بازده تا سررسید حدود ۲۳ تا ۲۴ درصد

۶۷



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

دولت نیز تا پایان شهریور ۱۴۰۱ روند کاهشی داشته است و پس از آن مجدداً مقدار مطالبات دولت افزایش پیدا کرده و در نهایت در آذر ماه سال ۱۴۰۱ به مقدار ۵۴۱ همت رسیده است. در نهایت روند نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که در حدود ۱۱.۷ درصد از تولید ناخالص داخلی را بدهی دولت تشکیل داده است. (نمودار ۲)

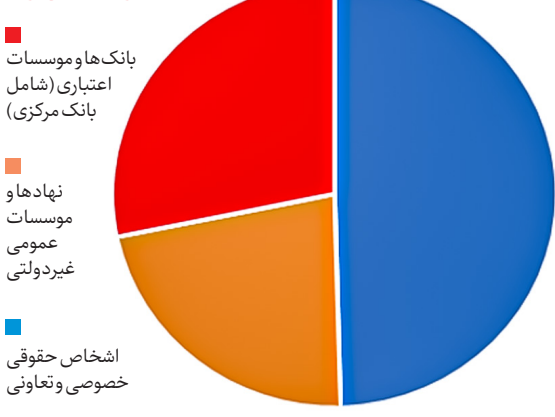
ظرفیت انتشار اوراق در قانون بودجه ۱۴۰۲

بودجه سند مالی دولت است که در آن برای یک سال مالی درآمدها و هزینه‌های دولت پیش‌بینی و برآورد می‌شود. همانطور که پیش‌تر ذکر شد از سال ۱۳۹۵ به بعد، نگاه جدی‌تری به موضوع انتشار اوراق شکل گرفت و از این سال در ردیف‌های بودجه انتشار اوراق در واگذاری‌های مالی وارد شد. همانگونه که در جداول نشان داده شده است، طی سال‌های اخیر سهم انتشار اوراق در واگذاری‌های مالی افزایش یافته است و در نهایت در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ به ۶۳ درصد رسیده است. بر اساس ارقام موجود در قانون بودجه سال ۱۴۰۲، دولت در نظر دارد در این سال ۱۸۷ همت اوراق منتشر نماید. این در حالی است که در حدود ۲۲۳ همت برای تسویه اصل و سود اوراق دولتی در نظر گرفته شده است و این اعداد به این معنی است که خالص تامین مالی دولت در سال ۱۴۰۲ برابر با منفی ۳۶۲ همت خواهد بود. از مهم‌ترین دلایل رشد این سرفصل، افزایش ۵۰ درصدی واگذاری شرکت‌های دولتی، افزایش ۲۵ درصدی فروش اسناد خزانه، انتشار ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی و انتشار ۵۰ هزار میلیارد اوراق بانکی است که دو مورد آخر در قانون بودجه ۱۴۰۱ نبوده است. در واقع صرف‌نظر از واگذاری شرکت‌های دولتی و اوراق مالی که بانک‌ها می‌توانند منتشر کنند، دولت به تنهایی ۱۷۵ هزار میلیارد تومان اوراق منتشر خواهد کرد که در صورت تحقق، افزایش ۵۰ هزار میلیارد تومانی در مقایسه با فروش ۱۲۳ هزار میلیارد تومانی اوراق در سال ۱۴۰۱ دارد. (جدول ۲)

روند انتشار اوراق دولتی

روند انتشار اوراق دولتی نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به این بخش شده است و این موضوع اهمیت نقش اوراق را به عنوان ابزار تامین مالی غیر توری بر همگان گوشزد می‌نماید. به عبارت دیگر، دولت‌ها در هنگام مواجهه با کسری بودجه یا می‌توانند

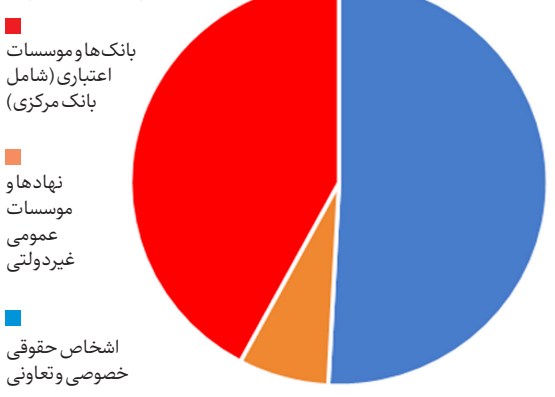
خلاصه وضعیت بدهی دولت



نمودار ۲

خلاصه وضعیت بدهی و مطالبات دولت

خلاصه وضعیت مطالبات دولت



با ۲۵۴ همت، از بزرگ‌ترین بخش‌هایی هستند که از دولت طلب دارند. همین وضعیت در خصوص مطالبات دولت نیز صادق است و دولت در حدود ۲۷۵ همت از اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی، ۲۲۸ همت از بانک‌ها و موسسات اعتباری (شامل بانک مرکزی) و ۳۸ همت نیز از نهادهای و موسسات عمومی غیردولتی طلب دارد. روند بدهی و مطالبات دولت نشان می‌دهد که از پایان خرداد ماه سال ۱۴۰۰ تا پایان خرداد ماه سال ۱۴۰۱، بدهی و مطالبات دولت روند صعودی داشته است، ولی پس از این تاریخ بدهی‌های دولت تا پایان آذرماه که این اطلاعات منتشر شده، کاهشی بوده است، مطالبات

نسبت ها	قانون بودجه ۱۴۰۰ (درصد)	قانون بودجه ۱۴۰۱ (درصد)	قانون بودجه ۱۴۰۲ (درصد)	میانگین ۴ سال اخیر
نسبت واگذاری دارایی های مالی به منابع عمومی دولت	۳۳/۴	۱۲/۷	۱۴/۲	۳۰/۷
نسبت انتشار اوراق به واگذاری دارایی های مالی	۳۱	۵۸/۲	۶۳/۲	۶۴/۳
نسبت انتشار اوراق به منابع عمومی دولت	۱۰/۴	۷/۴	۹	۱۹/۸

عنوان	قانون بودجه ۱۴۰۰ (درصد)	قانون بودجه ۱۴۰۱ (درصد)	قانون بودجه ۱۴۰۲ (درصد)	میانگین ۴ سال اخیر
نسبت سود اوراق به مصارف عمومی دولت	۳/۸	۳/۲	۲/۵	۳/۱
نسبت تسویه اصل اوراق به مصارف عمومی دولت	۵/۵	۸/۵	۸/۲	۷/۲
نسبت تسویه اصل و سود به مصارف عمومی دولت	۹/۳	۱۱/۷	۱۰/۷	۱۰/۳

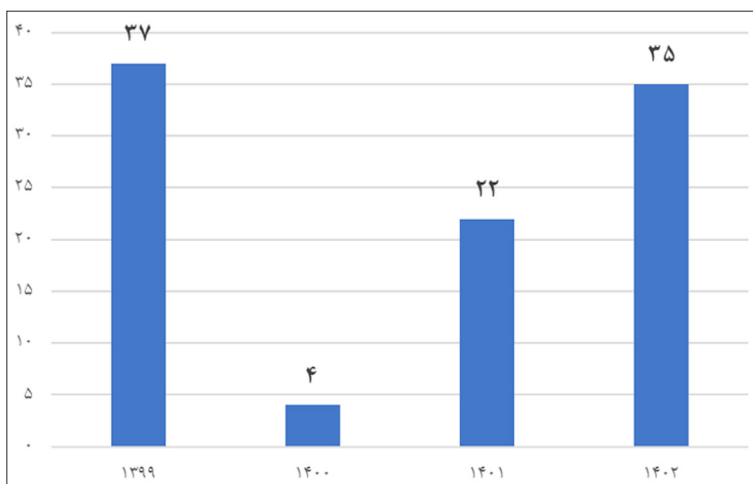
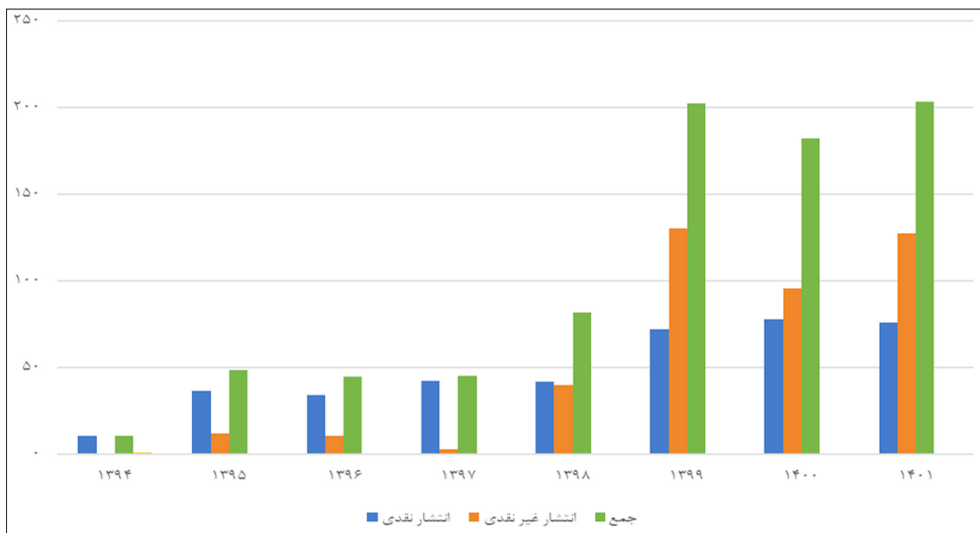
زمینه می توان بازگو کرد، در سال جاری و در صورت فروش سطح مناسبی از نفت، فروش اوراق در محدوده ۱۸۷ همت باقی خواهد ماند تا اقتصاد ایران به دام افزایش نقدینگی و پایه پولی وارد نشود. (نمودار ۳ و ۴)

آثار ضد تورمی انتشار اوراق

همانطور که پیش تر ذکر شد، در شرایط کنونی که کشور از یک سمت به دلیل تحریم های بین المللی با کاهش عمده در درآمدهای نفتی رو به رو شده است، سیاستمداران برای کاهش تورم باید از اتخاذ سیاست هایی که منجر به تورم بیشتر در کشور می شود دوری و اجتناب نمایند. تحت این شرایط یکی از سیاست هایی که به کاهش تورم منجر می شود، انتشار اوراق است. به عبارت دیگر دولت ها به ویژه دولت هایی مانند ایران که به درآمدهای منابع طبیعی وابسته هستند، هنگامی که به دلیل کاهش درآمدهای منابع طبیعی با چرخه های تجاری مواجه می شوند برای پوشش کسری بودجه دو مسیر را پیش روی خود می بینند. اولین مسیر رجوع به بانک مرکزی و پولی کردن کسری بودجه است که این پولی نمودن کسری بودجه، تورم را به ارمغان خواهد آورد و این مسیر در علم اقتصاد نیز مورد مذمت و نگرش قرار گرفته است. مسیر دوم تحت عنوان انتشار اوراق و استقراض از مردم میسر خواهد شد که در این مسیر آثار تورمی وجود نخواهد داشت. البته نداشتن آثار تورمی انتشار اوراق تنها زمانی محقق خواهد شد که منابع حاصل از فروش اوراق به پروژه های عمرانی اختصاص

از بانک مرکزی استقراض نمایند و یا با انتشار اوراق از افراد جامعه استقراض نمایند. به دلیل تبعات تورمی که مورد اول در بردارد، در اقتصاد این مسیر مورد نگرش قرار گرفته است، ولی در مسیر دوم اگر منابع حاصل از فروش اوراق صرف پروژه عمرانی و نه هزینه های جاری دولت شود با آثار تورمی همراه نیست. به نظر می رسد وزارت اقتصاد با همراهی بانک مرکزی، برخلاف سال های گذشته به این نکته توجه داشته باشند و با اختصاص منابع حاصل از انتشار این اوراق به پروژه های عمرانی و از محل مولد شدن این پروژه ها، هزینه اوراق را نیز تأمین کنند. بر همین اساس دولت سیزدهم و به طور مشخص وزارت اقتصاد با عاملیت بانک مرکزی در پنج ماهه سال ۱۴۰۲ حدود ۳۵ همت اوراق را به فروش گذاشته است که این اوراق توسط سیستم بانکی و صندوق های سرمایه گذاری خریداری شده است. در حال حاضر این سیاست را می توان به نوعی جبران کسری بودجه از این کانال در نظر گرفت و می توان این سیاست را برخلاف اظهار نظر برخی از کارشناسان اقتصادی جزو سیاست های انبساطی در نظر گرفت. همچنین از آنجا که محدودیتی از سوی بانک مرکزی بر سیستم بانکی و صندوق های سرمایه گذاری جهت خرید این ۳۵ همت اوراق وضع نشده است، می توان از موضوع افزایش نرخ بهره این اوراق جلوگیری کرد. از طرفی این عدم محدودیت موجب خواهد شد که بر پایه پولی فشاری وارد نشود. بر اساس برآیندی که از عملکرد وزارت اقتصاد و بانک مرکزی در این





▲ نمودار ۳
رشد انتشار اوراق دولتی
(همت)

◀ نمودار ۴
انتشار اوراق در پنج ماه
ابتدایی سال

پیدا کند و یا بار دیگر اوراق منتشر نماید تا بدهی داخلی خود را تسویه نماید و به نوعی اقتصاد در یک مارپیچ تورمی قرار خواهد گرفت و انتشار اوراق کمکی به حل معضل تورم نخواهد کرد. از اینرو دولت نباید به این منابع به عنوان راهکاری برای تامین هزینه‌های جاری خود نگاهی داشته باشد و تا حد امکان برای تامین هزینه‌های جاری به منابع مالیاتی رجوع نماید و در وهله دوم با تخصیص این منابع به پروژه‌های عمرانی، علاوه بر دستیابی به سیاستی که آثار ضد تورمی به همراه دارد به بهبود فضای تولید در کشور نیز کمک نماید.

پیدا کند و دولت از این منابع برای تامین هزینه‌های جاری خود استفاده نکند. در صورتی که منابع حاصل از این فروش این اوراق برای تامین هزینه‌های جاری دولت مورد استفاده قرار گیرد، نه تنها با کاهش تورم رو به رو نخواهیم شد، بلکه باید شاهد افزایش تورم نیز در کشور باشیم. از سمتی دیگر هنگامی که منابع حاصل از فروش این اوراق هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد، در زمان سررسید این اوراق بار بدهی داخلی دولت افزایش پیدا خواهد کرد و از آنجا که دولت متعهد به پرداخت اصل و فرع این اوراق است یا باید مجدداً به بانک مرکزی رجوع

روایت آمارها از بهبود شرایط دسترسی به تسهیلات بانکی

چتر عدالت تسهیلاتی گسترده تر شد

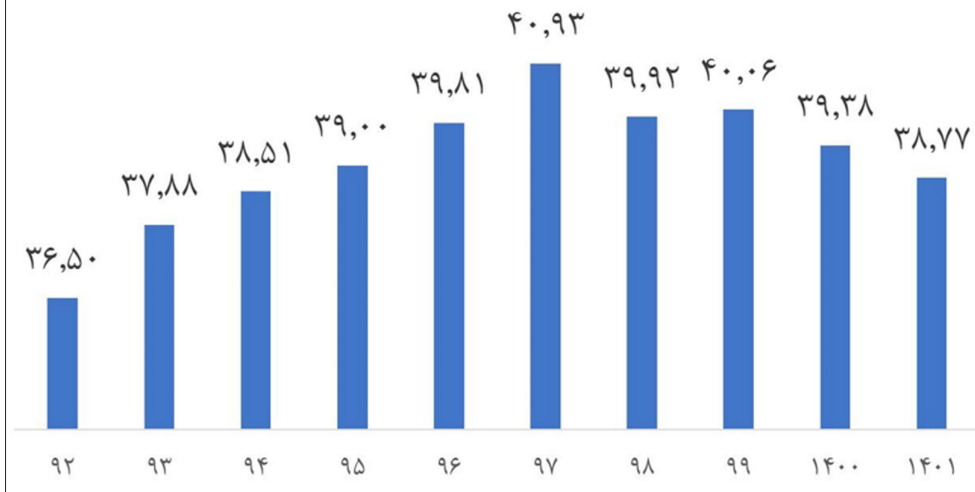
- ضریب جینی بانکی کاهش و عدالت در بهره‌مندی از تسهیلات بانکی افزایش یافت
- شکاف در برخورداری از تسهیلات بانکی در دولت سیزدهم کاهش یافت
- نسبت مانده تسهیلات برخورداری از استان کشور از تسهیلات (تهران) به محروم‌ترین استان (کهگیلویه و بویراحمد) در دولت سیزدهم به میزان چشمگیری کاهش یافته است

حمید کمار /

پژوهشگر اقتصادی



ضریب جینی (درصد)



حدود ۴۰ درصد بوده که به نسبت بسیاری از کشورها، عدد بالایی است و نشان دهنده نابرابری در توزیع درآمد در کشور است. البته این شاخص در سال ۹۲ به کمترین رقم خود یعنی حدود ۳۶ درصد کاهش یافت که بیانگر بهبود توزیع درآمد در کشور بود، اما رفته رفته عدد این شاخص بزرگتر شد تا جایی که از مرز ۴۰ درصد هم عبور کرد و نشان داد که وضعیت توزیع درآمد در پایان دهه ۹۰ به مراتب نا عادلانه تر شده است. آخرین آمارهای مرکز آمار، اما نشان می دهد این شاخص در دو سال فعالیت دولت سیزدهم روند امیدوارکننده ای داشته و کاهش یافته است. طبق آخرین گزارش مرکز آمار از هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۴۰۱، ضریب جینی در سال ۱۴۰۱ به ۳۸,۷۷ درصد کاهش یافته است. نمودار زیر، روند ضریب جینی در سال های اخیر را نشان می دهد. (نمودار ۱)

پایان دهه ۹۰ و در شرایط اوج گیری نابرابری اقتصادی، دولت سیزدهم آغاز به کار کرد و یکی از اهداف محوری خود را ارتقای عدالت اقتصادی عنوان کرد. با این حال، موانع بسیار و ساختارهای نا عادلانه اقتصادی متعددی پیش روی دولت بود. نظام حمایتی و بارانه ای، بودجه، نظام مالیاتی و البته نظام بانکی از جمله مهم ترین ساختارهایی

جدیدترین آمارهای رسمی از مانده تسهیلات بانکی، از بهبود چشمگیر عدالت تسهیلاتی در دولت سیزدهم حکایت دارد به طوری که نسبت مانده تسهیلات بانکی تهران به عنوان بهره مندترین استان از تسهیلات بانکی به کهگیلویه و بویراحمد به عنوان محروم ترین استان از تسهیلات، از ۲۰۳ در مرداد ۱۴۰۰ به ۱۴۹,۶ در تیر ماه سال جاری کاهش یافته است.

یکی از مهم ترین اهدافی که دولت سیزدهم برای خود تعریف کرد و آن را به مردم وعده داد، ارتقای عدالت به ویژه در حوزه اقتصادی بود. سنجش عدالت اقتصادی در ادبیات رایج اقتصاد جهان عموماً با شاخصی به نام ضریب جینی سنجیده می شود. این شاخص، عددی بین صفر تا صد دارد و وضعیت توزیع درآمد میان دهک های مختلف را نشان می دهد. هرچه عدد ضریب جینی به صفر نزدیکتر باشد، نشان دهنده توزیع همسان تر درآمد و ثروت میان آحاد جامعه است و در مقابل اعداد نزدیک به ۱۰۰ درصد، نابرابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می دهد. بررسی تاریخی شاخص جینی در ایران نشان می دهد، عدد این شاخص طی نیم قرن اخیر

نمودار ۱
ضریب جینی

۷۲



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

طبق آخرین
گزارش مرکز آمار
از هزینه و درآمد
خانوار در سال
۱۴۰۱، ضریب
جینی در سال
۱۴۰۱ به ۳۸،۷۷
درصد کاهش
یافته است

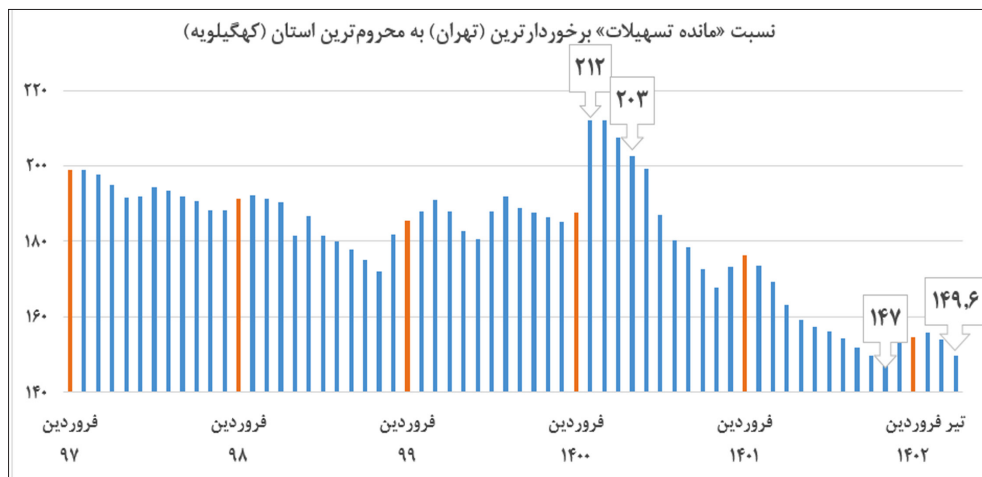
نظام مالیاتی باعث آسان شدن فرار مالیاتی صاحبان درآمدهای کلان و خلاصه شدن مالیات ستانی از حقوق بگیران و بخش حقیقی اقتصاد می شود. معافیت های مالیاتی هم عملاً مصداق تبعیض قانونی مالیاتی است که شواهد و حتی اظهارات مسئولان از گستردگی این معافیت ها حکایت دارد. نبود برخی از پایه های مالیاتی هم به شکل دیگری صاحبان درآمدهای کلان را از پرداخت مالیات متعارف معاف کرده است. دولت سیزدهم در مواجهه با این شرایط، اقدامات مختلفی در حوزه مالیاتی به اجرا در آورد. گسترش چتر مالیاتی و هوشمندسازی نظام مالیاتی، اولین و شاخص ترین اقدام دولت در اصلاح نظام مالیاتی بود که هدف اصلی آن، جلوگیری از فرار مالیاتی بود. در همین راستا، دولت ابتدا اقدام به اتصال تمامی درگاه های پرداخت و حساب های بانکی به سامانه اطلاعاتی سازمان مالیاتی کرد تا نظارت مالیاتی به گسترده ترین شکل محقق شود. اقدام دولت سیزدهم در راه اندازی سامانه مودیان و پایانه های فروشگاهی، اقدامی در همین راستا بود. این اقدام باعث شناسایی حدود ۲۰۷ میلیون مودی جدید شد به طوری که طبق اظهارات مسئولان، تعداد مودیان مالیات به حدود دو برابر افزایش یافت. اقدام دیگر دولت، کاهش مالیات تولید از ۲۵ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۲۰ درصد در سال ۱۴۰۱ و سپس ۱۸ درصد در سال ۱۴۰۲ بود. این اقدام دولت، گامی در جهت حمایت از تولید و هدایت فشار مالیاتی از تولید و بخش حقیقی اقتصاد به سوی بخش های مالیات گریز و پنهان اقتصاد به شمار می رود. اقدامات اصلاحی دولت در حوزه مالیات عمدتاً به همین موارد خلاصه می شود. بخش دیگری از اصلاحات مالیاتی مورد نظر دولت در قالب حذف معافیت ها و اضافه شدن

بود که ده ها سال بی توجهی به اصلاح آنها باعث تبدیل آنها به ساختارهای ضد عدالت شده بود. دولت سیزدهم در مواجهه با این ساختارها، اقدامات مختلفی را در دستور کار قرار داد. شاید بتوان گفت اولین اقدام دولت در راستای تغییر ساختارهای اقتصادی در جهت ارتقای عدالت، اصلاح سیاست یارانه ای و حمایتی در قالب حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و تبدیل یارانه غیرمستقیم ارزی به یارانه مستقیم ریالی بود. بهره مندی به مراتب بیشتر دهک های ثروتمندتر از کالاهای مشمول یارانه ارزی ۴۲۰۰ تومانی، سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی را به سیاستی ضد عدالت تبدیل کرده بود. هرچند برخی عوامل دیگر از جمله رشد پایه پولی، افزایش واردات، فشار به تولید و ... هم از جمله دیگر دلایلی بود که باعث شد دولت سیاست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی را کنار گذاشته و تخصیص یارانه مستقیم و ریالی به ۹ دهک جامعه را جایگزین آن کند. در نهایت طبق طرح دولت، یارانه ماهانه هر نفر برای سه دهک پایین ۴۰۰ هزار تومان، دهک های ۴ تا ۹ تا معادل ۳۰۰ هزار تومان و دهک دهم از یارانه حذف شد. این نوع تخصیص یارانه، باعث شد تمرکز توزیع یارانه ها، از دهک های بالا به دهک های پایین منتقل شود. حوزه دیگری که دولت برای اصلاح آن اقدام کرد، مالیات بود. نظام مالیاتی در ایران با چند مشکل ساختاری عمده روبروست. هوشمند و برخط نبودن نظام مالیاتی، معافیت های گسترده مالیاتی و نبود برخی از مهم ترین پایه های مالیاتی رابج در جهان، سه مورد از مهم ترین مسائل نظام مالیاتی در ایران به شمار می رود. هر یک از این مسائل به شکلی باعث بروز یا تشدید بی عدالتی در حوزه مالیاتی می شود. هوشمند نبودن



عدالت تسهیلاتی بانک ها افزایش یافت

جدیدترین آمارهای رسمی از مانده تسهیلات بانکی، از بهبود چشمگیر عدالت تسهیلاتی در دولت سیزدهم حکایت دارد به طوری که نسبت مانده تسهیلات بانکی تهران به عنوان بهره مندترین استان از تسهیلات بانکی به کهگیلویه و بویراحمد به عنوان محروم ترین استان، از ۲۰۳ درصد مرداد ۱۴۰۰ به ۱۴۹،۶ درصد تیرماه سال جاری کاهش یافته است.



▲ نمودار ۲
نسبت مانده تسهیلات
برخوردارترین استان
(تهران) به محروم‌ترین
استان (کهگیلویه)

پایه‌های مالیاتی جدید از قبیل مالیات های درآمدی و تنظیمی، در مجلس متوقف مانده و منتظر تصمیم نمایندگان است.

ارتقای عدالت در دسترسی به تسهیلات بانکی

وضعیت نابرابری اقتصادی، برآیند ساختارها و سیاست‌های مختلف در حوزه‌های مختلف از بودجه‌ریزی گرفته تا نظام حمایتی و یارانه‌ای، نظام بانکی و ... است. شکاف طبقاتی و تشدید آن در دهه ۹۰ حاصل بهم‌ریختگی همین ساختارها و اجرای سیاست‌هایی در جهت بی‌عدالتی بود. بر همین اساس، دولت سیزدهم که عدالت را شعار محوری خود قرار داد، اصلاح ساختارهای ضدعدالت و اجرای سیاست‌های منطبق با عدالت را پیگیری کرد. از جمله حوزه‌هایی که دولت سیزدهم در

اصلاح ساختار و طراحی سیاست‌های آن تحقق عدالت را مدنظر قرار داد، نظام بانکی و به طور خاص دسترسی عادلانه‌تر به تسهیلات بانکی بود. دولت سیزدهم در شرایطی کار خود را آغاز کرد که برای کنترل تورم، ناگزیر از اجرای سیاست پولی انقباضی بود.

دشواری این سیاست به میزان زیادی به مردم عادی و متقاضیان وام‌های خرد منتقل می‌شود. همین مسئله بود که باعث شد دولت در عین اجرای سیاست پولی انقباضی، نسبت به تسهیل اعطای وام‌های خرد اقدام کند. بر همین اساس دولت تلاش کرد دسترسی مردم به وام‌های خرد را تسهیل کند. علاوه بر این موارد، اصرار دولت بر توسعه اعتبارسنجی در فرآیند اعطای تسهیلات بانکی، زمینه را برای عادلانه‌تر شدن توزیع تسهیلات به نفع خوش حساب‌ها که بخش قابل توجهی از آنان را مردم عادی و متقاضیان

برش



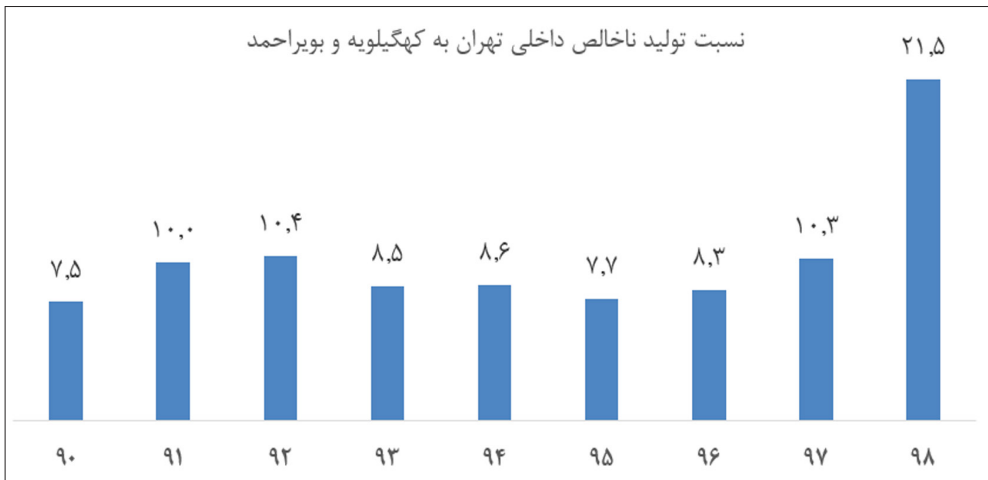
گسترش اعتبارسنجی برای عدالت تسهیلاتی

با توسعه اعتبارسنجی در شبکه بانکی و مشروط شدن اعطای تسهیلات به خوش حسابی متقاضی، دسترسی متقاضیان بد حساب و وام‌های کلان از جمله ابربدکاران بانکی به تسهیلات را باید محدود و در مقابل جریان تسهیلات بانکی را به نفع عموم مردم و متقاضیان وام‌های خرد تغییر داد. همین اقدام به عامل دیگری در جهت عادلانه‌تر شدن توزیع تسهیلات بانکی منجر شد.

۷۴



● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●



نمودار ۳
نسبت تولید ناخالص
داخلی تهران به کهگیلویه و
بویراحمد

از تسهیلات بانکی به مانده تسهیلات استان کهگیلویه و بویراحمد به عنوان محروم‌ترین استان، از ۲۰۳ در مرداد ماه ۱۴۰۰ به ۱۴۹۰,۶ در تیر ماه ۱۴۰۲ کاهش یافته است. به بیان دیگر شکاف دسترسی به تسهیلات در دولت سیزدهم به میزان زیادی کاهش یافته که نشان می‌دهد اقدامات دولت در برقراری عدالت تسهیلاتی موثر واقع شده است. (نمودار ۲)

فراتر رفتن نسبت مانده تسهیلات شبکه بانکی در تهران به کهگیلویه و بویراحمد از مرز ۲۰۰ برابر در سال ۱۴۰۰ در حالی است که هیچ شاخصی نمی‌تواند این میزان اختلاف در بهره‌مندی از تسهیلات میان این دو استان را توجیه کند. طبق آخرین آمارها، جمعیت تهران حدود ۲۰ برابر کهگیلویه است. همچنین نسبت تولید ناخالص داخلی استان تهران به کهگیلویه، در سال‌های ۹۰ تا ۹۸ طبق نمودار شماره ۳ بوده است.

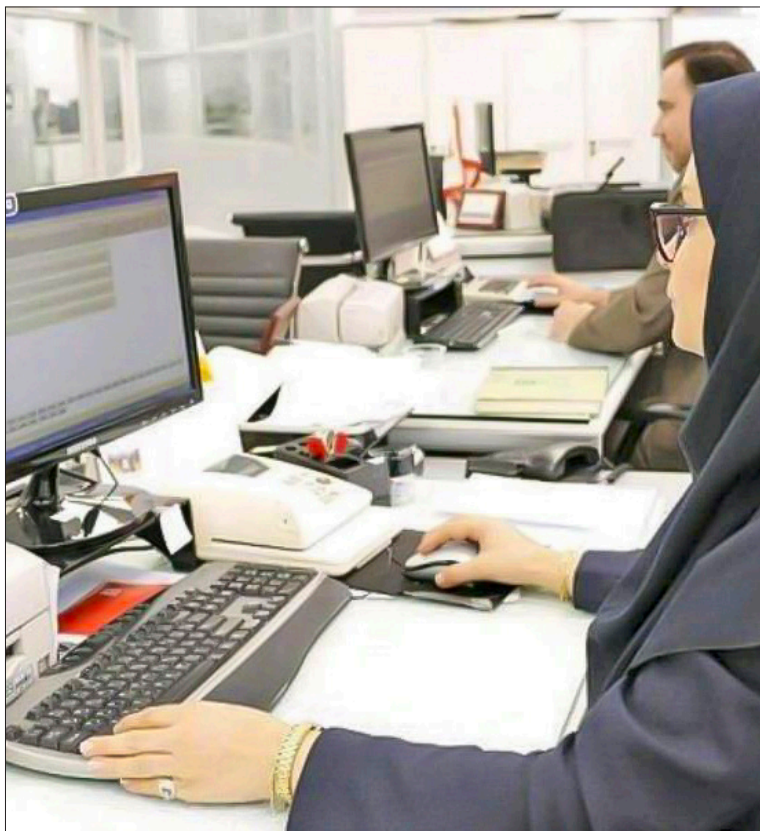
با توجه به اینکه بخش بزرگی از تولید ناخالص داخلی استان کهگیلویه و بویراحمد مربوط به نفت و گاز است، تحریم صنعت نفت و گاز کشور، تأثیر مستقیمی بر تولید ناخالص داخلی این استان داشته است. بر همین اساس با افت چشمگیر فعالیت‌های نفتی کهگیلویه بر اثر تحریم، نسبت تولید ناخالص داخلی تهران به کهگیلویه در سال‌های تحریم دچار جهش می‌شود. با این حال حتی این نسبت هم نمی‌تواند شکاف عظیم دو استان در بهره‌مندی از تسهیلات بانکی را توضیح دهد. بنابراین مشخص می‌شود نسبت ۲۰۰

وام‌های خرد تشکیل می‌دهند، فراهم کرد. با توسعه اعتبارسنجی در شبکه بانکی و مشروط شدن اعطای تسهیلات به خوش حسابی متقاضی، دسترسی متقاضیان بد حساب وام‌های کلان از جمله ابریده‌کاران بانکی به تسهیلات بانکی را محدود و در مقابل جریان تسهیلات بانکی را به نفع عموم مردم و متقاضیان وام‌های خرد تغییر داد. همین اقدام به عامل دیگری در جهت عادلانه‌تر شدن توزیع تسهیلات بانکی منجر شد.

البته اقدامات دولت برای بهبود عدالت توزیع تسهیلات بانکی به همین دو مورد ختم نمی‌شود. از جمله دیگر اقدامات دولت، ملزم کردن بانک‌ها به افشای عمومی اطلاعات تسهیلات کلان و تسهیلات اشخاص مرتبط بود که باعث ناامن شدن فضای تخلف برای مدیران بانکی و در نتیجه زمینه‌سازی برای عادلانه‌تر شدن بهره‌مندی از تسهیلات در میان متقاضیان شد.

نتیجه این اقدامات دولت، بهبود چشمگیر عدالت تسهیلاتی در کشور از نیمه سال ۱۴۰۰ تاکنون بوده است. به گواه آمارهای رسمی، نسبت مانده تسهیلات برخوردارترین استان کشور از تسهیلات (تهران) به محروم‌ترین استان (کهگیلویه و بویراحمد) در دولت سیزدهم به میزان چشمگیری کاهش یافته است.

آخرین آمارها از وضعیت مانده تسهیلات بانکی نشان می‌دهد نسبت مانده تسهیلات استان تهران به عنوان بهره‌مندترین استان



اولین اقدام
دولت در
راستای تغییر
ساختارهای
اقتصادی در
جهت ارتقای
عدالت، اصلاح
سیاست
یارانه‌ای و
حمایتی در
قالب حذف
ارز ۴۲۰۰ تومانی
و تبدیل یارانه
غیرمستقیم
ارزی به یارانه
مستقیم ریالی
بود

اصلاحات در حوزه پولی و بانکی محقق می‌شود. اما شاید مهم‌ترین دستاورد اصلاح نظام پولی و بانکی کشور، کنترل تورم باشد. تورم به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید بی‌عدالتی شناخته می‌شود. در تورم‌های بالا، شکاف میان ثروتمندان و فقرا شدیدتر شده و جامعه از لحاظ اقتصادی به تدریج دوقطبی می‌شود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد مهم‌ترین اقدام لازم برای کمک به عدالت اقتصادی در کشور، کنترل تورم باشد. بر همین اساس، ثبات ماه‌های اخیر بازارها در پی اجرای سیاست تثبیت و همچنین کاهش نرخ رشد نقدینگی از ۴۲۰۸ درصد در مهر ۱۴۰۰ به ۲۷۰۵ درصد در تیر ماه سال جاری، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای از کاهش تورم در ماه‌های پیش رو ترسیم می‌کند. چشم‌اندازی که تحقق آن، کمک بسیاری به ارتقای عدالت اقتصادی در کشور می‌کند.

برابری مانده تسهیلات تهران به کهگیلویه، برآمده از تفاوت‌های جمعیتی، تولیدی و ... این دو استان نیست. با این توضیحات می‌توان کاهش نسبت مانده تسهیلات تهران به کهگیلویه از حدود ۲۰۰ به کمتر از ۱۵۰ برابر در تیر ماه سال جاری، نشان دهنده توزیع یکنواخت‌تر و بهره‌مندی عادلانه‌تر متقاضیان از تسهیلات بانکی است.

کنترل تورم، مهم‌ترین اقدام برای ارتقای عدالت اقتصادی

دستیابی به عدالت اقتصادی جز با اصلاح تمامی ساختارها و قواعد مربوطه امکان‌پذیر نیست. یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که اصلاح آن به طور مستقیم بر عدالت اقتصادی اثرگذار است، بخش پولی و بانکی کشور است. بهره‌مندی عادلانه از تسهیلات بانکی، تنها یکی از دستاوردهایی است که با اجرای

بانک واسطه
وجوه است
یعنی باید
سپرده‌های
خُرد را بگیرد و
در پروژه‌های
مولد که بازدهی
داشته و فاقد
معوق است، به
کار بیاندازد

تاثیر حل ناترازی بانک‌ها بر کاهش تورم چه خواهد بود؟

- وقتی افزایش سرمایه عملیاتی نشود و نسبت کفایت سرمایه جوابگو نباشد، تسهیلات تکلیفی مشکل ساز خواهد شد
- اشکال ناترازی فقط به دولت مربوط نمی شود و قوای دیگر هم در این موضوع نقش دارند

مهدی رئیس زاده /

مشاور بانکی اتاق ایران



هم اخیراً دستور داده اند که با بانک های ناتراز برخورد شود. ناترازی در بانک ها باعث می شود، مردم به مرور اطمینان خود را نسبت به سیستم بانکی از دست بدهند و در نتیجه آن به خالی کردن حساب هایشان اقدام کنند. این در حالی است که تجمع همین رقم های خُرد می تواند به منبعی جهت ارائه تسهیلات برای واحدهای تولیدی تبدیل شود و مشخص است که با رونق واحدهای تولیدی، اشتغال هم پیشرفت خواهد کرد و همراه با آن تکنولوژی جدید به کشور وارد می شود و قدرت رقابت پذیری نیز رشد پیدا می کند. همه اینها وقتی بانک ناتراز باشد، به مرور از بین می رود. از همه مهم تر اینکه ما در چند سال اخیر بعضاً شاهد ناترازی بعضی از موسسات اعتباری و بانک ها بوده ایم، در مقاطعی بانک مرکزی برای حل مشکل، منابعی را در نظر گرفت تا بخشی از سپرده گذاران، به خصوص در رقم های خُرد دچار ضرر و زیان نشوند. وجود بانک ناتراز برای اقتصاد کشور واقعاً معضل به حساب می آید،

ناترازی بانک ها مشکلی ریشه ای در اقتصاد ایران است که یکی از موتورهای محرک تورم در کشور نیز به حساب می آید، کمبود کفایت سرمایه، دارایی های منجمد و کمبود نقدینگی، تسهیلات تکلیفی خارج از توان بانک ها، تأمین کسری بودجه دولت از شبکه بانکی و اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی، از مهم ترین دلایل ناترازی بانک های کشور به شمار می رود. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی با اشراف بر این موضوع از نخستین روز کاری یکی از مهم ترین برنامه های خود را اصلاح نظام بانکی و ناترازی بانک ها عنوان کرد و برنامه هایی را نیز در این راستا طی ماه های گذشته اجرا کرده است.

ناترازی در بانک ها مسئله جدیدی به حساب نمی آید، چندین سال است که در این باره صحبت می شود و بر کسی پوشیده نیست که با تبعات زیادی همراه است. آقای رئیس جمهور

ناترازی بانک‌ها
مشکلی ریشه‌ای
در اقتصاد ایران
است که یکی
از موتورهای
محرك تورم
در کشور نیز به
حساب می‌آید



چندین سال است که درباره آن اظهارنظر می‌شود. اکنون که رئیس فعلی بانک مرکزی واقعاً قصد دارد این ناترازی‌ها را رفع کند، یا باید با چراغ خاموش و خیلی ملایم پیش رفت و نتایج قطعی را بعداً اعلام کرد و یا در صورت اعلام علنی، قدم‌ها یکی پس از دیگری روشن و شفاف برداشته شود تا نگرانی به وجود نیاید. در حال حاضر، مطمئن‌ترین نوع سرمایه‌گذاری برای مردم عادی که اهل فعالیت اقتصادی نیستند، سپرده‌گذاری در بانک است، زیرا بانک‌ها تحت نظاماتی قرار دارند، به همین دلیل نباید این مرجع اعتماد و اطمینان را خدشه دار کرد و با اعمال و رفتار غیرشفاف و مبهم آن را با مشکل روبه‌سازیم.

اشکال ناترازی فقط به دولت مربوط نمی‌شود، قوای دیگر هم در این موضوع نقش دارند. هر بانک درصدی جذب سپرده و منابع دارد و درصدی مجاز است از محل این منابع تسهیلات ارائه کند، بنابراین وقتی از طریق قوانین فشار وارد می‌شود و دولت هم همراهی می‌کند، مواردی به تصویب می‌رسد که در نتیجه ناترازی بانک را به دنبال دارد.

یکی از موارد اصلاح ساختار بانک‌ها، افزایش سرمایه است و این افزایش سرمایه در بانک‌های دولتی از مصوبات دولت و مجلس تبعیت می‌کند و در بانک‌های خصوصی، تابع مجامع خود قرار دارد که سهامداران غیردولتی به حساب می‌آیند، بنابراین وقتی افزایش سرمایه عملیاتی نشود و نسبت کفایت سرمایه جوابگو نباشد، تسهیلات تکلیفی مشکل‌ساز خواهد شد. بانک باید ۷۰ درصد منابع مجاز باشد تا تسهیلات بدهد. بانک‌ها برای اینکه بتوانند جذب سپرده و منابع کنند، راه‌های گوناگونی دارند تا از طریق آن برای جلب رضایت مشتری، سود بالاتری پرداخت

کنند و به سراغ بنگاه‌داری می‌روند که در قانون رفع موانع تولید از آن برحذر شده‌اند. البته در یک یا دو سال اخیر، مسئله غیرمجاز بودن بنگاه‌داری برای بانک‌ها پُررنگ شده است. قانون برای بانک‌هایی که دارای این نوع از دارایی‌ها هستند که به اصطلاح دارایی‌های سمی می‌گویند، ممانعت به وجود آورده، زیرا بانک واسطه و جوه است. یعنی باید سپرده‌های خُرد را بگیرد و در پروژه‌های مولد که بازدهی داشته و فاقد معوق است، به کار بیاورد.

قوه مقننه باید از تصویب تسهیلات تکلیفی احتراز کند، نماینده‌های مجلس به جای اینکه به فکر حوزه انتخابی خود و انتخابات سال آتی باشند، باید دید کلان ملی داشته باشند و مصوباتی را مورد تایید قرار دهند که به نفع اقتصاد ملی تمام شود. نیاز است تا بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و رگولاتور عمل کند.

این نهاد باید در حین اعتماد به بانک عامل، نظارت قوی داشته باشد تا روابط و محدوده‌های قانونی رعایت شود. وزارتخانه‌های اقتصادی مانند وزارت صمت، جهاد کشاورزی، نیرو و... باید هماهنگ و همگام با سیستم بانکی و بانک مرکزی در کنار هم باشند و از یک‌جانبه‌نگری و یک‌سویه‌نگری احتراز کنند.

به صورت کلی، ناترازی یعنی اضافه برداشت، اضافه برداشت هم به این معناست که بانک باید بهره بابت آن پرداخت کند، بنابراین بانک به جای سوددهی، عملاً زیان‌ده خواهد شد. از آن طرف، اضافه برداشت نوعی خلق پول محسوب می‌شود، خلق پول نقدینگی را افزایش می‌دهد، نقدینگی هم در صورتی که صحیح به کار گرفته نشود، تورم ایجاد خواهد کرد. بنابراین خیلی واضح است که حل ناترازی بر گاهش تورم تاثیر مثبت برجای خواهد گذاشت.

واقعی بودن
قراردادها نیاز
به مهیا ساختن
شرایطی دارد که
باید مورد توجه
باشد و این
دقت هم صرفاً
با توسل به ابزار
قهریه صورت
نمی پذیرد که
در این صورت
عملاً موفقیتی
به دست
نخواهیم آورد

نیازمند بازنگری در ساختار نظام بانکی هستیم

- شرایطی باید فراهم شود تا از صوری بودن قراردادهای اعتباری جلوگیری به عمل آید
- صرف اینکه تاکید شود ردیابی اعتبارات باید مورد توجه باشد تا هرا اعتباری در جای خود هزینه شود، کافی نیست

دکتر محمد کهندل /

اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی



البته واقعی بودن قراردادهای نیاز به مهیا ساختن شرایطی دارد که باید مورد توجه باشد و این دقت هم صرفاً با توسل به ابزار قهریه صورت نمی پذیرد که در این صورت، عملاً موفقیتی به دست نخواهیم آورد، زیرا شرایط فرار از آن امکان پذیر می شود. سیستم بانکی باید از مجموعه اطلاعاتی درباره مزیت های اقتصادی و میزان سودآوری و بهره برداری هر بخش از اقتصاد و صنایع مختلف که روزآمد شود، برخوردار باشد، این موضوع به واقعی بودن قراردادهای کمک می کند، زیرا فهم بانک را از میزان سودآوری بالا می برد. بر همین اساس، باید سیستم اطلاعات مدیریت

منابعی به بخش های مختلف اقتصادی براساس اهداف تعیین شده، تزریق می شود، اما برای به هدف رسیدن دقیق این منابع، باید دو موضوع مدنظر قرار گیرد. ابتدا نیاز است، قراردادهایی که با دریافت تسهیلات از سوی سیستم بانکی به امضای رسد، فرم واقعی به خود بگیرد. به این معنا شرایطی فراهم شود که از صوری بودن قراردادهای اعتباری جلوگیری به عمل آید، متأسفانه در حال حاضر از این مسئله به صورت یک معضل در سیستم بانکی نام می برند و این موضوع بسیار پُر اهمیت است.

۷۹



اقتصاد

● شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ ●

زمانی که بدون
در اختیار
داشتن اطلاعات
با ارائه تسهیلات
بانکی موافقت
می شود
معنایی جز
صوری بودن کار
پیدا نمی کند

۸۰



اقتصاد

• شماره ۱۰ - شهریور ۱۴۰۲ •

کارآمدی از بخش واقعی اقتصاد، برای بانک ایجاد شود و بانک خود را یک مجموعه جدا از بخش اقتصاد نداند. بدون داشتن این اطلاعات، در عمل تسهیلاتی بدون آگاهی لازم اختصاص پیدا می کند که دیگر مشارکت به حساب نمی آید و عقود، غیرمشارکتی یا معاملاتی خواهد بود.

بانکی که در صدد ارائه تسهیلات است، باید در یک فضای روشن این کار را انجام دهد، این فضا همان میزان سودآوری پروژه است. به این معنا، بانک مرکزی نسبت به پروژه ای که در صدد تامین مالی آن برآمده، باید آگاهی کامل داشته باشد. زمانی که بدون در اختیار داشتن این اطلاعات با ارائه تسهیلات موافقت می شود، معنایی جز صوری بودن پیدا نمی کند. به عنوان مثال، وقتی فردی برای سرمایه گذاری یک بنگاه اقتصادی تقاضایی دارد، ابتدا باید طرح توجیهی آن مطالعه و درباره میزان سودآوری صنعت در اقتصاد کشور اطلاعات لازم به دست آید، با این روش است که ارقام مصنوعی از واقعی قابل تشخیص خواهد بود.

پیش از اختصاص تسهیلات در هر صورت شرایط لازم باید در مجموعه کلان اقتصاد کشور که شامل وزارت امور اقتصادی و دارایی، صمت، وزارت کشاورزی و سیستم بانکی می شود، فراهم آید، بنابراین همین نهادها باید در این زمینه تصمیم گیر باشند. نکته بعدی مرتبط با به هدف رسیدن دقیق این منابع، ردیابی وجوه و دارایی ها است. به این معنا در صورتی که بانک مرکزی و سیستم بانکی نتواند یک سیستم ردیابی مناسب در فضای مالی کشور ایجاد کند، قطعاً شرایط فرار اعتبار در محلی تعیین نشده، به وجود خواهد آمد.

برای جلوگیری از این کار، ابتدا باید دارایی های اقتصاد کشور شناسنامه دار باشد و زمین ها و موضوع قولنامه ای کار کردن حذف شود. این سیستم باید به شدت فراگیر و کل اقتصاد کشور را در برگیرد تا یک بار برای همیشه بسته شود. پرونده کاداس بیش از ۲۰ سال مطرح است و متأسفانه هنوز بخش زیادی از زمین ها و دارایی ها از سند رسمی بی بهره هستند. صرف اینکه تاکید شود نباید بنگاهداری صورت گیرد یا ردیابی اعتبارات باید مورد توجه باشد تا هر اعتباری در جای خود هزینه شود، کار را درست نخواهد

کرد. برای سروسامان یافتن این مسئله زیرساخت هایی نیاز است که در صورت عملیاتی نشدن آنها قطعاً هزانه که درباره مشکلات فوق بحث شود، کارآمد نخواهد بود، بنابراین کار شکل عملیاتی هم به خود نمی گیرد.

نوع قرارداد در هدایت اعتبار بستگی به موضوع تامین اعتبار دارد. چنانچه موضوع تامین اعتبار جهت تهیه ماشین آلات یا خرید مواد اولیه برای یک بنگاه اقتصادی باشد، به شکل فروش اقساطی یا همان عقود مبادله ای باید انجام بگیرد. البته خرید ماشین آلات را به صورت عقود مشارکتی هم می توان نهایی کرد، ولی عقود مبادله ای با به طور مشخص فروش اقساطی به شرط تملیک برای ماشین آلات بهتر است. صاحب بنگاه هم به این رغبت دارد زیرا می خواهد مالکیت خود را حفظ کند. ولی برای سیستم بانکی بهترین حالت، مشارکت است. برای تجارت بهترین شیوه برای سرمایه گذار و سیستم بانکی عقود مشارکتی مضاربه است.

ساختار نظام بانکی کشور به یک بازنگری نیاز دارد. بر همین اساس لازم است که بانک ها به خُرد، سرمایه گذاری، عمومی و جامع تقسیم شوند. بانک های جامع هم می توانند شعبه هایی را به این موضوع اختصاص دهند. معنای بانک جامع این است که به پروژه های خُرد، خانواده و کلان تسهیلات بپردازد. قطعاً شرایط اعطای وام برای تمام فعالیت های اقتصادی با توجه به میزان مزیت نسبی که دارند، وجود دارد، ضمن اینکه بر فرض در پروژه هایی برای خرید لوازم منزل جهت کمک به خانوارها شرایط خاصی را می توان فراهم آورد. در این حوزه هم این امکان وجود دارد که از طریق قرض الحسنه وارد شد و دولت می تواند منابع ارزان قیمت مدیریت شده ای را به بعضی از خانوارها یا دهک های پایین درآمدی ارائه کند.

نباید یک سیاست را برای تمام مردم و بخش های اقتصادی اعمال کرد. باید فضای اقتصادی جامع مبتنی بر مزیت نسبی در حوزه اقتصاد بنا شود و سیستم بانکی را بر آن اساس، مدیریت و هدایت کرد، سپس برای بخش های مورد نیاز، تسهیلاتی در نظر گرفت. سیستم بانکی را هم باید از این موضوع مستثنی کرد.